خودتان, خودتان را مداوا كنيد

(ترجمه ارق, نفسك بنفسك)

مؤلف:

خالد الجريسى

ترجمه:

اسحاق دبيرى

مقدمه ي مترجم

الحمد للّه رب العالمين و العاقبه للمتقين و الصلا‌‌ه و السلام علي خير خلقه محمد و علي اله و صحبه اجمعين

تعويذ (رقيه) يكي از مسائل مطرح در جوامع اسلامي است كه هرچند برخي از قبول آن خودداري كرده اند اما بسياري بدان معتقد بوده و عملاً از آن بهره برده اند. البته شايد علت كمرنگ بودن اين مهم (تعويذ شرعي) در جامعه افراط و تفريطهاي برخي رقاه و يا سوء استفاده هاي برخي منحرفان از جمله جادوگران و فالگيران باشد. به هر تقدير تعويذ شرعي كه در چارچوب قرآن و سنت صورت مي گيرد اشكالي بر آن مترتب نبوده و مورد قبول سلف صالح نيز بوده است.

در كتابي كه پيش رو داريد مولف ارجمند آن جناب آقاي دكتر الجريس با حوصله و بسيار دقيق سعي كرده آيات قرآن و ادعيه اي كه در احاديث به اهميت و كاربرد آنها براي تعويذ شرعي اشاره شده را جمع آوري كند و حسب مورد به ترتيب و تنسيق آنها بپردازد. از نقاط قوت اين كتاب احاديث نبوي باشد و از چارچوب قرآن و سنت خارج نگردد. البته گاه مولف به اقتباس از استفاده از تعويذ شرعي ارائه داده كه اين قسمت از ديدگاههاي او قابل تامل است. تحقيق بيشتري پيرامون اين موارد را به خوانندگان واگذار مي كنيم و خود نيز از اظهارنظر پيرامون آن خودداري مي كنيم هرچند متذكر مي شويم كه اين كتاب با جمله محتويات خود مورد تاييد بسياري از علماي معاصر از جمله علامه شيخ عبداللّه بن عبدالرحمن الجبرين قرار گرفته است. شايان ذكر است ترجمه ي آيات قرآن در اين كتاب برگرفته از تفسير نور اثر دكتر مصطفي خرمدل مي باشد.

از آنجا كه در كتاب موردنظر اصطلاحاتي خاص بكار رفته كه معادل دقيق فارسي آنگونه كه به تمام و كمال معناي آن را برساند وجود ندارد قبل از مطالعه ي كتاب توجه خوانندگان را به برخي از اين اصطلاحات جلب مي كنيم.

1- رقيه: رقيه از ماده ي (رُقيُ) گرفته شده است. (رُقيُ) يعني؛ پيشرفت كرد، صعود كرد، ترقي كرد يا ارواح پليد را دور كرد. اما (رقيه) عبارتست از خواندن آيات و ادعيه ي مسنون بر مريض به منظور دور كردن ارواح پليد و شياطين و همچنين جهت التيام بخشيدن به امراض جسمي و روحي بيمار (به اذن و عنايت خداوند). معادل فارسي (رقيه) همانا (تعويذ) است كه البته در مفهوم فارسي چندان دقيق نيست، هر چند حتي (تعويذ) نيز در اصل عربي مي باشد و واژه ي دخيل است. راقي: شخصي را كه بر مريض تعويذ مي خواند را گويند چنانكه مريض را كه بر او تعويذ خوانده مي شود را مُرقِي گويند.[[1]](#footnote-1)

2- عين: در اصل به معني چشم است اما علي رغم اينكه در لغت داراي معاني بسياري چون جاسوس، چشمه و غيره مي باشد اما در اصطلاح به چشم زخم نيز اطلاق مي شود. در اين كتاب عين (چشم زخم) عبارتست از آسيبهايي كه بر اثر نگاهي كه از جانب حسود و غيره با شگفتي به سوي چيزي انجام مي گيرد حاصل مي شود. عاين: چشم زخم زننده را گويند و مُعين كسي را گويند كه بر اثر چشم زخم آسيب مي بيند.[[2]](#footnote-2)

3- (المس) يا (مس الشيطان): مس به معني لَمس كردن است و از آنجا كه گاه شياطين موجبات آزار و اذيت برخي انسانها را فراهم ميكنند گويند فلاني را شيطان لمس كرده است. گاه بر اينگونه افراد (جن زده) نيز اطلاق مي شود. گاه المس كنايه از جنون مي باشد. در قرآن كريم آمده است (مَسَه الشيطان بنصب او عذاب) يعني «شيطان به او رنج وعذاب رسانيد.»[[3]](#footnote-3)

به آن اميد كه روزي فرا رسد كه بدعتها از جوامع اسلامي رخت بر بندد و سنتهاي مطهر نبي اكرم جايگزين آن گردد.

دهم رمضان المبارك سال 1427 هـ.ق.

نكوداشت مولف

**الحمدلله رب العالمين و صلي الله و سلم علي اشرف الانبياء و المرسلين نبينا محمد و علي آله و صحبه اجمعين.**

كتاب برادر ارجمند جناب آقاي خالدبن عبدالرحمان الجريسي را كه پيرامون موضوع چگونگي تداوي و درمان بوسيله ي تعويذ شرعي در چارچوب قرآن و سنت صحيح نبوي نگارش يافته شده را مطالعه نمودم. به تحقيق كه مولف بزرگوار در انتخاب ادعيه ي ماثور و سودمند و آيات قرآني مناسب براي موضوع كتاب خود موفق بوده و به خوبي از عهده ي اين كار برآمده است. بدين ترتيب وجود چنين اثر گرانبهايي اين امكان را به هر خداشناس هوشياري خواهد داد تا بتواند با استفاده از نصوص (قرآن و حديث) كه در اين رساله فراهم آمده است به دفع بلا و مصيبت (يا هر چيز ناخوشايندي) از خويش و اهل و عيال خويش همت گمارد. شايسته است انسان مومن اين آيات قرآن و ادعيه را (كه مولف آنها را به طور مرتب و دقيق در كتاب خويش نگاشته است) همواره وِرد خويش سازد و صبحگاهان و شامگاهان به قراءت و تلاوت آنها بپردازد تا همچون پناهگاهي امن وي را از گزند شيطان و دار و دسته اش مصون نگه دارد.

خداوند نويسنده ي اين كتاب (جناب آقاي الجريسي) را جزاي نيكو عنايت كناد و تلاش و همت او را در اين راستا مورد قبول درگاه خويش قرار دهد!

**و صلي الله علي محمد و آله و صحبه و سلم**

دكتر عبدالله بن عبدالرحمن الجبرين

24/1/1425 ه.ق.

مقدمه ي مولف

الحمد لله الحنان[[4]](#footnote-4)، القدير الرحمن، مالك الملك عظيم الشان، يجيب مصطرا دعاه و يعاني عبدا ابتلاه، نحمده سبحانه علي عظيم النعم و جزيل الاحسان و نشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و ان محمدا عبده و رسوله المبعوث رحمه للانام صلي الله عليه و علي آله و صحبه الساده الغر الاعلام و التابعين لهم باحسان.

امروزه برخي مردم تعويذ شرعي را از ياد برده اند و كار به جايي رسيده كه بسياري اين امر را خرافه [[5]](#footnote-5) و بي اساس ميدانند. اما شكي نيست كه بر هر مسلمان و مومن واقعي مسلم است كه تعويذ شرعي از اهميت فراواني در اسلام برخوردار است كه بوسيله ي آن انسان مي تواند از تمامي امراض جسمي و روحي (به حول و قوه ي الهي) رهايي يابد و از منفعت افزون آن برخوردار گردد. در قرآن و سنت صحيحه نصوص فراواني ذكر شده كه بر مشروعيت استشفاء (تداوي) با قرآن و ادعيه و اذكار دلالت مي كند، از جمله خداوند متعال مي فرمايد

ﮋ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧﯨ ﮊ .[فصلت: ٤٤].

«بگو: قرآن براي مومنان مايه ي راهنمايي و بهبودي است (و ايشان را از راههاي گمراهي و سرگشتگي مي رهاند و از بيماري هاي شك و گمان نجات مي بخشد).»

در حديثي صحيح نيز از عايشه صديقه روايت شده كه گفته است: آنگاه كه رسول كريم (از بيماري روحي يا جسمي) رنج ميبرد جبرئيل علي نبينا و عليه السلام به نزد او مي آمد و با خواندن دعاي (باسم اللهٍ يبريكَ و مِنْ كُلِّ داءٍ يشفيكَ و مِنْ شَّرٍ حاسِدٍ،إذا حسد و شَرٍّ كُلِّ ذي عينٍ)[[6]](#footnote-6) «به نام خداوندگار، از او مي خواهم كه تو را شفا دهد و از هر بيماري (و بلايي) نجات بخشد و از شر حسود آنگاه كه حسد ورزد و از شر هر چشم زخم رساننده اي تو را در امان دارد.»

آنگونه كه از ظواهر برمي آيد الرقيه (تعويذ شرعي) داراي مفهومي گسترده است. براي نفع بردن از تعويذ شرعي افراد متفاوتند و هر يك به نوعي از آن فيض مي برند. به عنوان مثال برخي تنها به سوره اي كوتاه چون (الفاتحه يا سوره ي حمد) اكتفا مي كنند و عده اي ديگر سوره اي طولاني چون (بقره) را انتخاب مي كنند، البته عده اي نيز به جمع بين سور قرآن پرداخته از چند سوره ي مختلف چون (حمد و معوذتين (لفق و ناس) هماهنگ با هم فيض مي برند. برخي نيز با انتخاب يك آيه از قرآن چون (آيه الكرسي) براي حصول مقصد خويش از تعويذ شرعي بهره مند مي شوند. ناگفته نماند گروهي (تنها به خواندن آيات يا ادعيه اكتفا نكرده بلكه) معتقدند بايد آيه يا دعاي ماثور بر آبي خوانده شده و سپس به مريض خورانيده شود و يا بر روغني خوانده شده و سپس بدن مريض را بدان آغشته سازند و يا بر عسل آن را خوانده و سپس مريض را وادار كنند كه آن را بخورد. بي ترديد تمامي اقسام تعويذ شرعي كه در بالا ذكر كرديم از منظر شرع مقدس مباح است كه متناسب با حال مريضي كه قصد دارد از تعويذ شرعي منتفع گردد بايد بدان پرداخته شود تا به نتيجه برسد. البته دليل ما براي اينكه اينگونه تعويذات را مباح مي دانيم احاديثي از رسول اكرم كه فرموده است: (أَعرضوا علي رُقاكُم، لا بأس بالرَّقي ما لم يكن فيهِ شِركٌ)[[7]](#footnote-7) «تعويذهاي خويش را بر من عرضه داريد. (بدانيد كه) مادامي كه تعويذ به شرك منجر نشود در آن اشكالي نخواهد بود.» در حديثي ديگر آن حضرت مي فرمايد: (ما أدري بأسآ، مَن استطاع أنْ ينفَعَ أخاهُ فلينفَعهُ)[[8]](#footnote-8) (رقيه تعويذ شرعي) از نظر من هيچ اشكالي ندارد. هر آنكس كه مي تواند (بدين وسيله) برادر (مسلمانش) را نفعي برساند پس بر اوست كه اين كار را انجام دهد.

از ميان سلف صالح دانشمنداني بوده اند كه علي رغم اينكه نصي اختصاصي پيرامون آياتي چند از قرآن براي بكار بردن آنها به منظور تعويذ شرعي وارد نشده اما آن بزرگواران از اين گونه آيات نيز در تعويذ شرعي بهره برده اند. امام ابن قيم در كتاب (الطب النبوي) نقل مي كند كه (امام احمد (رح) هرگاه اطلاع پيدا مي كرد كه زايمان براي زني دشوار و سخت شده در كاغذ يا هر شيء پاكيزه اي حديث ابن عباس را (براي وي) مي نوشت. حديث ابن عباس به شرح ذيل است. (لا اله الا الله الحليم الكريم، سبحان الله، و تبارك الله رب العرش العظيم و الحمد لله رب العالمين)

ﮋ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿﰀ ﰁﰂ ﮊ .[الأحقاف: ٣٥].

ﮋ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﰔ ﰕ ﰖ ﰗ ﮊ النازعات: ٤]. «هيچ معبودي جز خداوندگار بردبار و بخشاينده وجود ندارد و او ذاتي است پاك و منزه كه پروردگار عرش عظيم است و (بي ترديد) ستايش او را سزاست كه پروردگار جهانيان است.»

روزي كه ايشان چيزي را مشاهده مي كنند كه بديشان وعده داده شده ، انگار كه آنان مدتي از يك روز در دنيا مانده اند (و زندگي كرده اند. اين قرآن) ابلاغ است و بسنده است.

روزي كه آنان برپايي رستاخيز را مي بينند (چنين احساس مي كنند كه درجهان) گويي جز شامگاهي يا چاشتگاهي از آن درنگ نكرده اند و به سر نبرده اند).

البته همين تعويذ را امام احمد براي چندين نفر نوشته (و تجويز كرده) است. ابن قيم (رح) اينگونه تعويذنويس را از گروهي از سلف صالح از جمله ابن تيميه نيز نقل كرده است.

در اين كتاب مجال آن نيست كه تمامي مصاديق و مواردي را كه در مورد تعويذ شرعي و انواع آن از سلف صالح نقل شده را متذكر شويم و لذا به همين اندك بسنده مي كنيم و يادآوري مي كنيم كه اين گونه انتفاع از تعويذ شرعي در واقع اجتهادي بوده كه آن بزرگواران انجام داده اند.

(از آنجا كه بزرگان سلف در تعويذ شرعي تنها به آياتي از قرآن كه نصوص دال بر اختصاص دادن آنها براي استشفاء (تداوي) از مرض خاص روايت شده اكتفا نكرده اند) نگارنده نيز به تبعيت از آنها به آيات اختصاص داده شده توسط نص براي مرض يا بيماري خاص اكتفا نكردم و آياتي ديگر كه مي توان (با توجه به مفهوم و محتواي آنها) از عوارض روحي و جسمي و ناملايماتي كه در نتيجه ي سحر، چشم زخم و جنون حاصل از مساس شيطان (جن زدگي) بر انسان عارض مي شود رهايي يافت را نيز در متن كتاب متذكر شوم. [[9]](#footnote-9)

لازم به ذكر است در انتخاب آيات مذكور خود اجتهاد كرده و البته از تجربه و تخصص برخي افراد مخلص كه به تعويذ و تداوي بر اساس آيات و ادعيهي ماثور مي پردازند (رقاه) نيز بهره برده ام.

البته نگارنده به همين ترتيب از تعويذ شرعي براي خود و خويشاوندان خويش استفاده كرده و با فضل و عنايت خداوند عزوجل از آن نتيجه گرفته و منتفع شده ام. به اين ترتيب از آنجا كه اين كار را براي خود برادران ايماني سودمند يا فتح تصميم گرفتم پيرامون اين موضوعي كتابي را تاليف و آيات و ادعيه ي منتخب را در آن بگنجانم تا هم خود و هم برادران مسلمانم از آن بهره ببرند.

در كتابي كه پيش رو داريد رقيه (تعويذ) به اقتضاي حال شخص كه از آن بهره مي برد يا ديگري را بهره مند مي گرداند به سه قسم تقسيم شده است. در قسم اول به ذكر رقيه ي محدود و مختصر از قرآن و سنت نبوي پرداخته شده است كه از اين نوع رقيه (تعويذ) هر كس (حسب نياز) خود مي تواند بهره ببرد. البته از آنجا كه اين نوع تعويذ مختصر و در حد كمتر از متوسط است مناسب است كه از آن براي كودكان و افراد غير بالغ بهره گرفته شود تا بر آنها سنگيني ننمايد. نوع دوم از رقيه كه در اين كتاب بدان پرداخته شده تعويذ يا رقيه ي متوسط است كه چنانچه حال مريض يا استفاده كننده از تعويذ (مرقي) اقتضا كند كه وقت بيشتري براي درمان وي مصروف گردد و شخصي كه مي خواهد بيمار را درمان كند (راقي) نيز وقت به اندازه كافي داشته باشد از اين نوع تعويذ بايد استفاده شود. اين نوع رقيه نيز از قرآن و سنت ثابت شده و چون در حد متوسط است عموم مردم مي توانند از آن بهره ببرند . نوع سوم تعويذ كه شامل تعويذي طولاني از قرآن كريم مي شود براي درمان بيماري هاي مزمن و لاعلاج كاربرد دارد. اين نوع تعويذ زمان زيادي مي برد و كساني سابقهي تداوي با رقيه را دارند و قبلاً (شايد بارها) آن را تجربه كرده باشند نيز بهتر است از اين نوع رقيه مستفيذ گردند.

در اين كتاب به حقيقت چشم زخم و جادوگري و راههاي علاج آنها نيز پرداخته شده و در ضمن تعريف رقيه، انواع رقيه و شرايط آن و همچنين شرايط و ضوابط لازم براي انتفاع تام از آن و همين طور مواردي كه موجب مي شود شفا و درمان سرعت پذيرد نيز توضيح داده شده است. همچنين در رساله ي مورد نظر اسباب و عوامل دهگانه اي كه فرد مي تواند بوسيله ي آنها از گزند حسود و غيره در امان بماند مطرح گرديده و سپس اموري كه چنانچه شخص بيمار يا مبتلا به عوارض جسمي و روحي بدان يقين كند هر آينه مصيبت بر او آسان خواهد شد يادآوري شده است. پس از اين مولف ارشادات و راهنماييهايي را جهت انتفاع بيشتر براي راقي و مرقي ارائه داده و در نهايت سه بخش مجزا به كتاب خويش افزودهاست. اين سه بخش عبارتند از بخش اول: راههاي درمان و تداوي با آب، سِدر (درخت كنار)، روغن و عسل.

بخش دوم: اذكاري كه شخص مسلمان با خواندن آنها در طول شبانه روز از گزند شياطين جني و انسي و مكايد آنها در امان مي ماند.

بخش سوم: عوارض و پيامدهاي حاصل از چشم زخم، جادو و جن زدگي كه شخص مبتلا از آن رنج مي برد.

تمام اين مطلب را بدان جهت متذكر شده ايم كه شخص راقي با بصيرت تمام اقدام كرده احوالات مرقي و شخصي مبتلا را قبل از هر اقدام مدنظر قرار دهد.

ناگفته نماند در كتابي كه پيش رو داريد آيات مربوط به رقيه بر اساس موضوع (و سياق) آيات طبقه بندي و ذكر شده و ترتيب سور مدنظر قرار نگرفته است. همچنين آياتي كه محتواي آنها حمد و ثناي الهي است پشت سر هم و آيات مربوط به تعويذ و رقيه در مقابل چشم زخم و سحر و غيره نيز به همين ترتيب بطور متوالي ذكر شده تا شخص راقي بهتر بتواند بر درد يا مرض تمركز كند و همچنين بهتر بتواند اين آيات را به حافظه بسپارد و از اينكه هر بار كتاب را پيش رو قرار دهد و از روي آن آيات را بخواند مستغني گردد.

اين كتاب هم بصورت مجلد و صحافي شده چاپ شده و هم با شيرازه ي فنري و غيرصحافي شده در اختيار عموم قرار گرفته تا بتوانند راحت تر آن را ورق زده بهره ي وافر را از آن ببرند. همچنين اين كتاب به صورت كاستها و نوارهاي صوتي نيز منتشر شده تا براي بيماران امكان شنيدن و گوش فرادادن به آيات و ادعيه ي مورد استفاده در تعويذ بهتر فراهم گردد و كساني كه سواد يا قدرت خواندن آنها را ندارند نيز از آن بي بهره نمانند.

بدان اميد كه خداوندگار سميع (شنوا) كه به همگان (از خود آنها) نزديكتر است اين كتاب را براي عموم (مسلمانان) سودمند گرداند.

(و صلي الله و سلم علي عبده و رسوله محمد الرحمه المهداه و النعمه المسداه و علي آله و صحبه و من استن بسنته و اهتدي بهداه الي يوم الدين)

دكتر خالدبن عبدالرحمن الجريسي

رياض: ذي قعده (1424 ه.ق.)

**حقيقت چشم زخم و جادو و راههاي علاج آنها:**

**چشم زخم و راههاي علاج آن:**

حافظ ابن حجر عسقلاني (رح) مي گويد: چشم زخم (عين) عبارت است از نگريستن با شگفتي به كسي يا چيزي كه اين نوع نگريستن به علت خبث باطن و پليدي طبع آميخته با حسد نيز باشد و موجب زيان رساندن به شخص موردنظر گردد.[[10]](#footnote-10) در حديثي صحيح نيز رسول خدا در مورد چشم زخم اينگونه توضيح مي دهد؛ (العين حقُّ و لو كان شي سابقَ القَدَر سبقته العين و اذا استُغسِلتُم فَاغسِلوا)[[11]](#footnote-11) (چشم زخم واقعيت دارد و افسانه نيست و اگر امكان مي داشت كه چيزي بر (قضا و) قدر الهي سبقت گيرد (يا چيره شود) هر آينه چشم زخم بر تقدير الهي هم پيشي مي گرفت (ولي اين فرضي است محال و همه چيز تحت تقدير الهي است) و چنانچه (براي تعيين عاين و معين) از شما خواسته شد كه اعضايي از بدن خويش را بشوييد پس اين كار را بكنيد).

همچنين نقل شده كه آن حضرت فرموده است: (اكثر من يموت من أمتي بعد كتاب الله و قضائه و قَدَره: بالانفس) قال الراوي يعني: بالعين. [[12]](#footnote-12) (بيشترين عاملي كه پس از قضا و قدر الهي و آنچه خداوند مقدر دانسته موجب مرگ امتم مي شود همانا چشم زخم است).

وقتي شخصي از چشم زخم آسيب مي بيند دو حالت وجود دارد كه به شرح ذيل است:

1- اينكه شخص چشم زخم زننده (عائن) شناخته شده و مشخص باشد كه در اين صورت براي شخص مُعين (چشم زخم شده) طلب بركت مي شود[[13]](#footnote-13) يا در مورد او گفته مي شود: ما شاء الله لا قوه إلا بالله. سپس عاين ملزم مي شود كه دستها، صوت، آرنجها و زانوها و كنارههاي پاها و آنچه از اعضاي خود را كه شلوار آن را در برگرفته در ظرفي بشويد[[14]](#footnote-14) و سپس آبهاي مستعمل كه در آن ظرف جمع شده را از پشت بر سر و پشت مُعين بطور يكدفعه مي ريزند و آنگاه ظرف مذكور را نيز پشت سر شخص مُعين بر زمين مي افكنند.[[15]](#footnote-15)

2- اينكه شخص عائن مجهول و ناشناخته باشد كه در اين صورت نيز براي مُعين طلب بركت مي شود (و به او بارك الله و ماشاءالله مي گويند) و آنگاه از تعويذ براي درمان او كارگرفته مي شود.

**سحر و جادو و راههاي علاج آن:**

(سحر داراي انواع متفاوت است. سحر در يك معني به مفهوم زيركي و باريك بيني است و هر چيز را كه ماخذ آن لطيف و دقيق باشد سحر گويند. به عبارتي سحر فسون و جادو است و هرگاه كسي ديگري را بفريبد و يا با خدعه و نيرنگ دل او را بربايد گويند او را سحر كرده است. سحرت الصبي يعني طفل را گول زدم و فريبش دادم. نوعي ديگر از سحر عبارت است از كاري كه هرچند به نظر برخي مي رسد كه آن فعل انجام شده اما در حقيقت انجام نشده است. اين گونه سحر را چشم بندي يا شعبده بازي گويند و در آن شخص ساحر هرچند با گول زدن مردم وانمود مي كند كه كاري مهم و مورد توجه را انجام داده اما حقيقت چيز ديگري است. سومين نوع سحر با همكاري شياطين (و جنيات) و ايجاد رابطه با آنها بوقوع مي پيوندد. نوع چهارمي نيز براي سحر وجود دارد كه طبق آن شخص ساحر ادعا مي كند ميتواند با ستارگان ارتباط برقرار كند يا ارواح برخي از آنها را (به زمين) فرود آورد).[[16]](#footnote-16)

در حديثي صحيح آمده است: باري رسول خدا سحر شد و در نتيجه به حالتي مبتلا شد كه خيال مي كرد كاري را انجام داده اما در حقيقت آن كار را انجام نداده بود...[[17]](#footnote-17)

اما علاج سحر آن است كه چنانچه امكان ابطال سحر باشد آن را باطل كرده و نشانه هاي سحر را در شخص آسيب ديده نابود مي كنند تا تاثير سحر نيز (به مرور) از بين برود. اما چنانچه اين كار سودمند نيفتاد بايد به تعويذ يا رقيه ي شرعي متوسل شويم.

**آشنايي با رقيه يا تعويذ شرعي**

رقيه (با ضم راء) به معني پناهگاه، طلسم و التجاء مي باشد[[18]](#footnote-18) و در فارسي آن را تعويذ گويند. بوسيله رقيه انسان مبتلا به عوارض و امراضي چون تب، سردرد و غيره مي تواند خويشتن را از اين مصائب و دردها برهاند.[[19]](#footnote-19) رقيه (تعويذ) به چهار نوع مختلف تقسيم شده كه به شرح ذيل است. [[20]](#footnote-20) 1- رقيه (تعويذ) با آيات قرآن و اسماي حسنا و صفات علياي الهي كه اين نوع از رقيه نه تنها جايز است بلكه مستحب مي باشد. 2- نوع دوم رقيه اي است كه علاوه بر موارد مذكور در مورد اول، اذكار و ادعيه ي ماثور نيز بدان افزوده شود كه اين نيز همان حكم رقيه نوع اول را دارد. 3- رقيه با اذكار و ادعيه ي غير ماثور كه البته مخالف و متعارض با ادعيه ي ماثور نباشد كه اين نوع رقيه نيز جايز است. 4- چهارمين نوع رقيه (تعويذ) عبارت است از رقيه با چيزهاي ن امعقول كه محتوايي ندارد. تعويذهاي عصر جاهلي را مي توان از اين نمونه برشمرد. بديهي است اين نوع از رقيه ناجايز است و ضروري است هر مسلمان از آن اجتناب كند تا به شرك و مقدمات آن منجر نگردد.

**اصول كلي تعويذ شرعي:**

علماي اسلامي اجماع كرده اند كه در صورتي كه سه شرط در تعويذ تحقق پيدا كند آن تعويذ جايزو مقبول خواهد بود. آن سه شرط عبارتند از؛ 1- اينكه تعويذ با آيات قرآني يا با اسماء و صفات باري تعالي صورت گيرد. 2- اينكه تعويذ با زبان عربي باشد. البته چنانچه با زباني غير از عربي نيز انجام گيرد كه شخص مرقي (استفاده كننده از تعويذ) بتواند به مفهوم آن پي ببرد اشكالي ندارد. 3- سومين شرط تعويذ آن است كه هر يك از راقي و مُرقي اعتقاد و ايمان داشته باشند كه بي ترديد رقيه في نفسه هيچ اثري ندارد و آنچه از آثار و منافع كه بوسيله ي آن عايد انسان مي شود از جانب خداوندگار متعال است.[[21]](#footnote-21)

**جزئيات لازم براي استفاده ي تام و بهتر از رقيه (تعويذ)**

چنانچه راقي و مرقي هر دو شرايط ويژگيهاي ذيل را دارا باشند به اذن الهي نفع و سود بيشتري از رقيه خواهند برد. اين شرايط عبارتند از؛ 1-صلاحيت و شايستگي شخص راقي و اين يعني آنكه شخصي كه به ياري ديگران مي پردازد تا بوسيله ي رقيه آنها را مساعدت كند شخصي مصلح، نيكوكار و با استقامت باشد. 2- شناخت رقيه اي مناسب از آيات قرآن (كه متناسب با حال بيمار و شخص مرقي باشد. 3- اينكه بيمار مومن، مصلح، نيكوكار و متقي باشد و بر دين الهي استقامت ورزد ودر ضمن از گناه، ظلم و ديگر محرمات پرهيز كند. خداوند متعال ميفرمايد: ﮋ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﮊ .[الإسراء: ٨٢].

(ما آياتي از قرآن را فرو مي فرستيم كه مايه ي بهبودي (دلها از بيماري ناداني و گمراهي و ...) و رحمت مومنان (به سبب داشتن ايمان و رهنمودهاي پر خير و بركت يزدان) است ولي بر ستمگران جز زيان نمي افزايد).

غالباً رقيه (تعويذ) بر اهل عصيان و منكرات اثري (مثبت) نمي گذارد.

4- اينكه بيمار ايمان جازم داشته باشد بر اينكه قرآن (از جانب خداوند) شفا و رحمت مي باشد و بي ترديد در درمان (بيماريها) سودمند است. با تحقيق اين شروط و فراهم آمدن آنها استفاده ي تام نيز به اذن و قوه ي الهي تحقق مي يابد. (خداوند بر حقيقت هر چيز آگاهتر است).[[22]](#footnote-22)

**چند پيشنهاد كه نتيجه گرفتن از رقيه (درمان) را تسريع ميبخشد**

چندي از عوامل هستند كه چنانچه بيمار بدان التزام داشته باشد به اذن الهي درمان و علاج بيماري خويش بوسيله ي رقيه را تسريع خواهد بخشيد. آنها عبارتند از؛

1- پايبندي بر اداي عبادات در سر وقت و شركت در نمازهاي جماعت بويژه نمازهاي صبح كه رسول خدا پيرامون آن فرموده است: (من صلّي الصبح فهو في دمّية الله)[[23]](#footnote-23) «هر آنكس كه نماز صبح را بخواند در ذمه ي الهي خواهد بود (و خداوند خود حفاظت از او را به عهده خواهد گرفت).» همچنين آن حضرت فرموده است: (من صلّي الصبح في جماعةٍ فكأنَّما صلّي اللّيل كُلَّهُ)[[24]](#footnote-24) «هر كس نماز صبح با جماعت بخواند گويي تمام شب را نماز خوانده است. »

2- اينكه ابتدا شخص بيمار خود از رقيه (تعويذ) شرعي براي علاج بيماري خويش كارگيرد. بديهي است تعويذ يك شخص بيش از تعويذي كه توسط ديگران براي او كار گرفته مي شود براي او مفيد است و بر او اثر مي گذارد زيرا رقيه دعا است و دعاي يك شخص براي خودش بيش از دعاي ديگران براي وي مورد قبول (درگاه الهي) قرار مي گيرد. بخصوص در عصر حاضر كه بسيار كم اند افرادي مخلص كه به تعويذ و رقيه مي پردازند.

3- چنانچه بيمار به علت وخامت احوال خود توانايي رقيه كردن خويش را نداشته باشد يا قبلاً بطور مختصر به رقيه ي خويش همت گمارده باشد و اكنون دوست داشته باشد بر آيات و اورادي كه براي رقيه ي خويش خوانده است بيفزايد ضروري است كه رقاتي مخلص كه داراي عقايدي راسخ باشند و در ميان مردم به صلاح و نيكوكاري شهره باشند را انتخاب كند و شديداً از دنباله روي ساحرين و شعبده بازان پرهيز كند بي ترديد خداوندگار (كه درد را آفريده) درمان را (نيز) براي بندگان خويش خلق نموده اما بدون شك شفاي آنها را در آنچه بر آنان حرام گردانيده قرار نداده است. بنابراين چون سحر و شعبده بازي در شرع مقدس حرام قرار داده شد بي ترديد درمان و علاجي نيز در آن وجود نخواهد داشت. رسول گرامي اسلام مي فرمايد: (ان الله لم يجعل شفاءكُم في حرامٍ)[[25]](#footnote-25) خداوند شفا (و درمان) شما را در چيزهاي حرام قرار نداده است.

4- اينكه رقيه (تعويذ) شرعي توسط افرادي نيكو سيرت و پر استقامت در دين كه خويشتن را از حرام تطهير نموده صادر شود. ضمن اينكه شخص راقي بايد يقين داشته باشد كه خداوند است كه شفا مي دهد و شفا دادن تنها در صلاحيت ذات اوست. چنانچه قبلاً نيز متذكر شديم رقيه از جنس دعاست و زماني كه راقي آيات يا ادعيه اي را براي درمان خويش يا ديگري بر او بخواند ضروري است كه اعتقاد راسخ داشته باشد كه درمان و شفاي مريض تنها با خواست الهي انجام مي گيرد و اين يعني آنكه شخص راقي شفا و علاج را فقط نتيجه ي تجربيات و تخصص خويش نپندارد. چنانچه راقي (فريفته ي تجربه ي خويش گردد يا) در نتيجه دادن و كارآمد بودن رقيه ترديد كند نتيجه ي مطلوبي از تعويذ (رقيه) نخواهد برد.

5- اينكه با تاسي از حضرت محمد مصرانه و عاجزانه[[26]](#footnote-26) خواسته ي خويش را در محضر الهي مطرح كند و يقين داشته باشد كه خداوند دعاي وي را اجابت خواهد كرد، چرا كه خود در كلام جاويد خويش فرموده استﮋ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡﯢ ﯣ ﯤ ﯥﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﮊ .[النمل: ٦٢].

«((آيا بتها بهترند) يا كسي كه به فرياد درمانده مي رسد و بلا و گرفتاري را برطرف مي كند هرگاه او را به كمك طلبد و شما (انسانها) را جانشين (يكديگر در) زمين مي سازد. آيا معبودي با خدا هست؟! واقعاً شما بسيار كم اندرز مي گيريد).»

همچنين شايسته است دعا و (تعويذ) در اوقاتي خاص كه اجابت دعا در آن زودتر و بهتر صورت مي گيرد انجام گيرد. مناسبترين اوقات براي دعا كردن عبارتند از: 1- ثلث اخير شب[[27]](#footnote-27) (پس از نيمه شب) 2- ساعتهاي پاياني روز جمعه[[28]](#footnote-28) (كمي قبل از غروب آفتاب) 3- در هنگام سجود[[29]](#footnote-29) و غيره.

6- پايبندي بر اينكه كسب (و درآمد) او از راه حلال باشد. رسول كريم مي فرمايد: (أطِب مَطعَمَكَ تَكُنْ مستجاب الدَعوَةِ)[[30]](#footnote-30) از راه پاك و حلال ارتزاق كن تا دعايت مستجاب شود (و مستجاب الدعوه گردي). همچنين آن حضرت فرموده است: (أيُّها الناسُ، إنَّ الله طيِّبٌ لا يقبلُ الا طَيِّباً ... ثم ذكرَ الرَّجلَ يطيل السفرَ، أشعَثَ أغبَرَ يَمُدُّ يديه إلي السماء: يا ربِّ، يا ربِّ و مطعَمُهُ حرامٌ وَ ملبَسُهُ حرامٌ و غُدِّيَ بالحَرامِ فأنّي يُستَجَابُ لِذلِكَ؟!)[[31]](#footnote-31) . «هان اي مردم! همانا خداوند پاك (و مطهر) است و جز پاكي را نمي پذيرد.... سپس آن حضرت (ص) ادامه داد؛ چه بسا اتفاق مي افتد فردي در يك سفر طولاني با موهايي ژوليده و در حالي كه غبار سفر بر بدنش هويداست دستها را به سوي آسمان دراز كرد و دعا مي كند؛ پروردگارا! پروردگارا! (اما هرچه دعا مي كند خداوند دعايش اجابت نمي كند) چنين كسي كه از راه حرام ارتزاق نموده و لباس او حرام و غذايي كه خورده نيز حرام است چگونه (انتظار دارد) دعايش اجابت شود.»

7- پايبندي بر تلاوت سوره ي مباركه ي بقره. بي ترديد اين سوره تعويذي عظيم است، چرا كه رسول خدا مي فرمايد: (اقرووا سوره البقره؛ فان اخذها بركه و تركها حسره و لا تستطيعها البطله).[[32]](#footnote-32) «(سوره ي بقره را تلاوت كنيد، همانا (پايبندي به) تلاوت آن بركت و ترك تلاوتش موجب (خسران و) حسرت است. (از جمله ويژگيهاي اين سوره آن است كه) سُحرُه (جادوگران) در مقابل آن عاجزند (و نمي توانند قدرت نمايي كنند). »

از ديگر بركات و فوايد اين سوره ي مباركه آن است كه رسول گرامي اسلام فرموده است: (ان الشيطان ينفر من البيت الذي تقر افيه سوره البقره).[[33]](#footnote-33) «همانا شيطان از خانه اي كه سوره ي بقره در آن تلاوت شود متواري است.» (استفاده بردن از سوره ي بقره به عنوان يك تعويذ شرعي بسيار آسان است). شخص مريض خود مي تواند اين سوره را بخواند يا (تقاضا كند) شخصي ديگر اين سوره را بر او تلاوت كند. همچنين اگر تلاوت اين سوره ي مباركه بوسيله ي ضبط صوت انجام گيرد و در طول هر شب يا روز تلاوت تمام اين سوره در خانه طنين انداز شود (بي ترديد) به اذن الهي عاملي عظيم براي سلامتي و معافات اهل

خانواده خواهد بود و (به بركت اين سوره) آن خانواده از گزند شياطين در امان خواهند ماند.[[34]](#footnote-34)

8- ذكر خداوند جل جلاله را ورد خويش ساختن، پايبندي به تلاوت قرآن و ملازمت در طلب استغفار ضروري است (شخص مسلمان) اذكار مشروع (و ماثور) را ورد خويش سازد (و از بكاربردن اذكاري كه جنبه ي شرعي ندارد خودداري كند). در بخشهاي آتي مجموعه اي از اذكار مشروع (ماثور) را متذكر خواهيم شد.

9- نوشيدن و غسل كردن با آبي پاك كه تعويذ شرعي بر آن خوانده شده باشد، بخصوص آب زمزم كه به تنهايي خود شفاي دردهاست.[[35]](#footnote-35) البته چنانچه بر آب زمزم تعويذ (رقيه ي) شرعي خوانده شود بهتر خواهد بود و نتيجه ي بهتري نيز در درمان بيماري خواهد داشت.[[36]](#footnote-36) همچنين اگر برگ سِدر (درخت كنار) به آب زمزم يا هر آب پاكي كه بر آن تعويذ شرعي خوانده شده افزوده گردد يا برگهايي را كه آياتي از قرآن با جوهري پاك (و قابل خوردن) مثل زعفران و غيره بر آن نوشته شده در آب مذكور مخلوط گردد همه و همه با اذن و اراده ي الهي نقش بسزايي در درمان و شفاي امراض خواهد داشت.[[37]](#footnote-37)

10- خوردن روغن زيتون و آغشته كردن بدن با آن. رسول خدا مي فرمايد: (كلوا الزيت و ادهنوا به، فانه من شجره مباركه).[[38]](#footnote-38) « روغن زيتون بخوريد و (هر از گاهي) پوست بدنهاي خويش را بدان آغشته سازيد، همانا اين روغن از درختي مبارك حاصل شده است. در مورد (سياه دانه) نيز توصيه هاي فوق ارائه شده است.» رسول خدا پيرامون اين گياه نيز مي فرمايد: (في الحبه السوداء شفاء من كل داء الا السام)[[39]](#footnote-39) «سياه دانه هر مرضي را جز مرگ دواست». چنانچه بر روغن زيتون و سياه دانه آياتي از قرآن نيز خوانده شود بر شفابخشي آن دو خواهد افزود.

11- خوردن عسل. بنا به فرموده ي خداوند عسل براي (بيماري هاي) مردم شفاعت و چنانچه آياتي چند از كلام الهي بر آن خوانده شود بر خاصيت شفابخشي آن خواهد افزود، زيرا در اين صورت آيات قرآن و عسل كه خداوند تداوي و استشفاء با آن را مشروع قرار داده مجموعه اي را تشكيل خواهند داد و مسلماً تاثير بيشتري در درمان بيماريها خواهند داشت.[[40]](#footnote-40)

12- حجامت كردن در صورت نياز. در اين مورد رسول اكرم مي فرمايد: (الشفاء في ثلاثه في شرطه محجم او شربه عسل او كيه بنار و انا انهي امتي عن الكي).[[41]](#footnote-41) (خداوند) شفا را در سه چيز قرا ر داده است و آنها عبارتند از؛ 1- شكاف محل حجامت (حجامت كردن) 2- خوردن عسل 3- داغ كردن. (اما بدانيد) من امتيانم را از (تداوي با) داغ كردن نهي مي كنم.

13- خوردن هفت خرماي عُجوه (درون چسبيده) به هنگام صبح. رسول خدا مي فرمايد: (من تصبح – كل يوم – سبع تمرات عجوه لم يضره في ذلك اليوم سم و لا سحر).[[42]](#footnote-42) «هر كس صبحگاهان در هر روز هفت خرماي عجوه[[43]](#footnote-43) بخورد در آن روز هيچ جادو و سُمي نخواهد توانست به وي آسيبي برساند.»

**چگونه از شر حسود، عائن و ساحر در امان بمانيم؛**

امام ابن قيم (رح) راههاي در امان ماندن از شر چشم زخم زننده (عائن)، حسد ورزنده و جادوگر (ساحر) را اينگونه معرفي مي كند.[[44]](#footnote-44) وي مي گويد براي اينكه از اين طيف از افراد در امان بمانيم بايد موارد و افعالي را عملي كنيم. آنها عبارتند از؛

1- (همواره) از شر آنان به خداوند سبحان پناه ببريم (و اذكار و ادعيه مربوط به اين كار را ورد خويش سازيم).[[45]](#footnote-45)

2- تقواي الهي را پيشه سازيم و با انجام دستورات و ترك منهيات (آنچه ما را نهي فرموده) رضايت او را جلب كنيم. هر آنكس كه تقواي الهي را پيشه سازد خداوند خود وي را در امان نگه مي دارد و كارش به غير خويش واگذار نمي كند.

3- خويشتن را به زيور صبر در برابر دشمن حسود آراسته سازيم. بي ترديد هيچ چيز به اندازه صبر در پيروزي بر حسود انسان را كمك نخواهد كرد و سرانجام مكر بُد به شخص مكر كننده منتهي خواهد(و مكر بد او به خودش خواهد رسيد).

4- بر خداوند سبحان توكل كنيم. بي ترديد آنكس كه به خداوندگار با عزت توكل نمايد همو كفايت امور او را خواهد كرد. توكل كردن به خداوند از مهمترين و كارآمدترين عواملي است كه موجب مي شود انسان مومن به وسيله ي آن آزار و اذيتهايي كه از جانب مخلوقات الهي بر او تحميل مي شود را (به اميد روز عدل و داد) تحمل كند.

5- (ذهن و) قلب خويش را از تفكر كردن و تخيلات در مورد حسد ورزنده (حاسد) خالي كنيم. شخصي كه مورد حسد واقع شده است بايد سعي كند هرگاه در مورد شخص حسود چيزي به ذهن او خطور كرد آن را در دم از ذهن خويش برون كند و ضمن اينكه هيچ گونه ترسي از حسود را به دل راه نمي دهد به وي عنايتي نيز نداشته باشد.

6- به خداوند روي آوريم و خالصانه دستورات و فرامين او را به انجام برسانيم. اگر اين كار را كرديم در واقع به قلعه اي محكم و شكست ناپذير پناه برده ايم كه ديگر هيچ خوفي از دشمنان نداشته و از گزند آنان در امان خواهيم ماند.

7- از گناهان و معاصي در بارگاه الهي اظهار ندامت كرده و توبه كنيم. بدون شك هرگونه اذيت و رنجي كه عايد انسان (مسلمان) مي شود به خاطر گناهان و معاصيي است كه دانسته يا ندانسته انجام داده است.

8- در راه خداوند صدقه بدهيم و به ديگران احسان كنيم. صدقه دادن تاثير بسزايي در دفع بلاهاي حاصل از چشم زخم و حسد حسدورزان دارد. نقل شده كه رسول كريم فرموده است: (داووا مرضاكم بالصدقه).[[46]](#footnote-46) «بيماران خويش را با صدقه دادن مداوا كنيد».

9- جزاي بدي را با نيكي بدهيم و با نيكي كردن و احسان به شخص حسود، موذي و سركش آتش (كينه و) دشمني را در او خاموش كنيم. بي ترديد احسان كردن به خلق خدا بذر دوستي را در ديگران خواهد كاشت و آتش كينه فروكش خواهد كرد. خداوند متعال مي فرمايدﮋ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮊ .[فصلت: ٣٤].

«نيكي و بدي يكسان نيست (هرگز بدي را با بدي و زشتي را با زشتي پاسخ مگوي. بلكه بدي و زشتي ديگران را) با زيباترين طريقه و بهترين شيوه پاسخ بده. نتيجه ي اين كار، آن خواهد شد كه كسي كه ميان تو و ميان او دشمنانگي بوده است به ناگاه همچون دوست صميمي گردد».

10- توحيد را (به عنوان اصل كلي و اساس براي دين خود، سرلوحه ي كار خويش قرار دهيم و يقين كنيم كه از اسباب جز با اراده ي الهي چيزي بر نمي آيد و اوست كه (رب الاسباب است و) تمامي اسباب تحت فرمان و اراده ي اويند و نفع و ضرر رسانيدن توسط آنها منوط به اذن و اراده ي الهي است. توحيد بزرگترين پناهگاه امن الهي است كه (به بندگان عرضه شده و) هر كس در آن پناه گيرد همواره در امن و امان خواهد بود.

**چگونه سنگيني و رنج مصيبت را بر خويشتن هموار كنيم**

(بدون شك در اين دنيا هر كس با مصيبتي دست و پنجه نرم مي كند اما) چه كار كنيم تا سنگيني و رنج مصيبت ما را از پاي در نياورد. بديهي است تنها در صورتي خواهيم توانست در مقابل مصيبتهاي ناگوار و طاقت فرسا مقاومت كرده آنها را سبك و قابل تحمل تصور كنيم كه:

1- به قضا و قدر الهي ايمان داشته باشيم و معقتد باشيم هر آنچه از خير و شر كه عايدمان مي شود از جانب خداوند است. رسول كريم مي فرمايد: (لا يؤمنُ عَبدٌ حتَّي يؤمِنَ بالقَدَرِ خَيرهٍ و شرِّهِ حتي يَعلَمَ أنَّ ما أصابَهُ لَمْ يكُن ليُخطِئَهُ و أَنَّ ما أخطَاهُ لم يكن ليصيبه).[[47]](#footnote-47) «ايمان يك شخص كامل نمي شود مگر اينكه به قضا و قدر الهي چه خير آن و چه شر آن ايمان بياورد (و اين ايمان او به مرحله اي برسد) كه يقين كند هر آنچه (از نعمت و نقمت و غيره كه) عايد او مي شود طبق تقدير و اراده ي الهي است و اگر چيزي نصب او شده آن را خدا به وي داده و آنچه نصيب او نشده را خداوند براي وي مقدر نكرده است . »

2- يقين كنيم هر آنچه از رنج و مصيبت كه عايد انسان مومن مي شود در واقع كفاره ي گناهان اوست كه از جانب خداوند حواله ي او شده است. همچنين در چنين مواقعي شخص مسلمان بايد دعا كند كه آنچه از مصيبت بر او طاري شده از دوستي و محبت خداوند نسبت به او نشات گرفته باشد (و نه از غضب او). بديهي است بلا و مصيبت موجب زايل شدن گناهان شخص مبتلا مي شود (و چنانچه خداوند اراده ي زايل شدن گناهان كسي را بكند و به اين خاطر او را مبتلا كند در حقيقت خداوند بر او منت گذاشته و به او محبت كرده است). رسول خدا مي فرمايد: (إنَّ عِظَمَ الجزاءِ مَعَ عِظَم البَلاء و إنَّ الله ذإ أحَبَّ قوماً ابتلاهُم فَمَنْ رضِيَ فله الرِّضا و مَنْ سخَط فَلَهُ السَّخَط).[[48]](#footnote-48) «همانا براي (كسي كه) بلاها و مصيبتهاي بزرگ (را تحمل مي كند) پاداشهاي بزرگ در نظر گرفته شده و چنانچه خداوند قوم يا طائفه اي را دوست بدارد آنها را به بلا (و مصيبت) دچار مي سازد (تا آزمايششان كند و ماجورشان سازد). آنكه در مقابل اين مصيبتها صبر پيشه سازد خداوند از وي راضي شده ماجورش مي كند و آنچه بي صبري كرده (و به جزع و فزع بپردازد) خداوند نيز از او ناخرسند شده (وي را عذاب خواهد كرد.»

3- صبر پيشه كرده با خداوند رابطه (و تعلق) برقرار سازيم و ضمن انتظار فرُج از جانب خداوند سبحان به خاطر صبر در مقابل مصيبت از او اجر و پاداش انتظار داشته باشيم. بدون شك اين كار از بهترين عبادتهاست. همچنين ضمن اينكه در برابر مصيبت و بيماري صبر مي كنيم بايد دعا كنيم تا خداوند ما را رهايي بخشد و عافيت را نصيب ما گرداند. رسول خدا مي فرمايد: (سلوا الله العافيه في الدنيا و الاخره).[[49]](#footnote-49) «در دنيا و آخرت عافيت را از خداوند مطالبه كنيد».

**آداب تعويذ شرعي (رقيه) و آنچه در هنگام تعويذ بايد رعايت شود**

آداب و مواردي كه هنگام مستفيذ شدن از تعويذ شرعي بايد رعايت شود عبارتند از:

1- وضو گرفتن راقي و مرقي در صورت امكان و دوري هر دو از حدث اكبر و اصغر.[[50]](#footnote-50)

2- روي آوردن به سوي قبله در صورت امكان.

3- لزوم خشوع و تدبر در اثناي تلاوت آيات (و ادعيه) و استحضار عظمت الهي و استعانت از او.

4- دميدن (بر مريض) در اثناي قراءت (آيات و ادعيه) و پس از آن. البته اگر اين كار ترك شود نيز اشكالي نخواهد داشت.

5- در صورت امكان بهتر است شخص راقي دست خويش را در اثناي قراءت آيات و .... بر پيشاني يا موضع درد مريض قرار دهد. لازم به ذكر است چنانچه شخص مريض زني نامحرم باشد راقي مجاز نيست با دتس موضع درد يا پيشاني را لمس كند مگر اينكه ميان دست او و عضو زن حايلي باشد.

6- همچنين بهتر است هر از گاهي در اثناي رقيه قراءت آيات با صدايي آرام و معتدل در گوش راست يا چپ مريض انجام پذيرد.

7- چنانچه در خلال تعويذ (رقيه) مشخص شود مريض مورد نظرِ راقي از برخي آيات بيشتر منتفع مي شود اشكالي نخواهد داشت كه راقي حسب نياز مريض و ملاحظه ي درجه ي استجابت، پنج يا هفت بار آن آيات را تكرار كند.

8- اينكه شخص راقي نيت كند با رقيه (تعويذ) به برادرش نفعي برساند و آرزو كند خداوند برادر مسلمانش را از آن مصيبت رهايي بخشد و سختيها را بر وي آسان كند. همچنين بر راقي است كه هدايت برادر مسلمانش را از خداوند مطالبه كند، به خصوص كه وقتي يقين كند با بيماري جن زده مواجه شده كه شياطين جني او را از راه بي راه كرده اند ضروري است مشتاقانه در پي دعوت و ارشاد جني به تقوي و استقامت بر دين الهي برآيد و اين مطلبي بسيار مهم است كه نبايد شخص راقي از آن غافل بماند. بي ترديد رسالت اساسي كه بر عهده ي هر مسلمان نهاده شده همانا دعوت به سوي خداوند است. خداوند متعال مي فرمايد: ﮋ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋﮌ ﮊ .[يوسف: ١٠٨].

«بگو اين راه من است كه من (مردمان را) با آگاهي و بينش به سوي خدا مي خوانم و پيروان من هم (چنين مي باشند».

يك مسلمان در وهله ي اول (و قل از هر چيز) يك داعي است و بنابراين شايسته است شخص راقي در حالي رقيه ي (تعويذ) خود را آغاز كند در سينه آرزوي هدايت و شفاي برادر مسلمانش (مرقي) را دارد. شايسته نيست كه راقي به منظور هدايت يا درمان به آزار و اذيت جني بپردازد مگر اينكه ناچار شود و ساير راههايي كه براي هدايت او بكار مي برد كارساز نباشد.

9- حسب مورد ضروري است شخص راقي افعال و ضمايري را كه به كار مي برد صحيح و مطابق قواعد عربي باشد. به عنوان مثال براي مذكر فعل و ضمير مذكر و براي مونث فعل و ضمير مونث بكار ببرد و در ضماير جمع، تثنيه و مفرد نيز دقت كند.

10- گاه ممكن است رقيه يك هفته كمتر يا بيشتر طول بكشد و البته اين به حال و موقعيت مريض بستگي دارد و به اقتضاي حال وي ادامه خواهد يافت تا به اذن و اراده ي الهي به شفاي تام و كامل منجر گردد.

11- راقي مي تواند به اقتضاي حال مريض آيات (و ادعيه ي) م عيني را انتخاب كند و از رقيه هاي موجز كار گيرد. بديهي است نوع سوم رقيه (رقيه ي مطول) كه طولاني و مفصل است و وقت زيادي را نيز مصروف مي دارد را نمي توان در هر جا (به راحتي) به كار برد. انواع رقيه (رقيه ي موجز، متوسط و مطول) را انتخاب و يا اگر رقيه اي طولاني را برگزيده آن را در چند مرحله انجام دهد و به مريض خود در بين فُرجه و استراحت دهد.

12- راقي مختار است تنها از آيات قرآن براي تعويذ استفاده كند و يا تنها تعويذهاي نبوي (كه در احاديث بدان اشاره شده) را بكار ببرد اما بهتر است بين اين دو جمع كند و از هر دو نوع آنها هماهنگ استفاده ببرد.

13- راقي مجاز است آيات قرآني را كه جهت تعويذ استفاده مي كند آهسته و يا بلند تلاوت كند اما اگر بلند (جهر) بخواند بهتر است، زيرا در اين صورت شخص مرقي (مريض) نيز به آيات گوش فرا دهد و بدين ترتيب بر تاثير آيات افزوده شده شخص مرقي بهره ي بيشتري مي برد.

در ادامه ي بحث در سه فصل مجزا به تفصيل مصاديق انواع رقيه را متذكر خواهيم شد.

فصل اول

(تعويذ كوتاه)

**تعويذ كوتاه قرآني:**

آيات و تعويذهاي كوتاه قرآني به شرح ذيل است:

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ

ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﮊ .[الفاتحة: ١ - ٧ ].

پناه مي برم به خدا از شر شيطان رانده شده.

1- به نام خداوند بخشنده مهربان.

2- ستايش خداوندي را سزا است كه پروردگار جهانيان است.

3- بخشنده ي مهربان است.

4- مالك روز سزا و جزا است.

5- تنها تو را مي پرستيم و تنها از تو ياري مي طلبيم .

6- ما را به راه راست راهنمايي فرما.

7- راه كساني كه بدانان نعمت داده اي؛ نه راه آنان كه برايشان خشم گرفته اي، و نه راه گمراهان و سرگشتگان.

ﭑ ﭒ ﭓ

ﮋ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖﭗ ﭘﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﮊ .[البقرة: ١ - ٥].

1- الف. لام . ميم.

2- اين كتابي است كه هيچ گماني در آن نيست و راهنماي پرهيزگاران است.

3- آن كساني كه به دنياي ناديده باور مي دارند، و نماز را بگونهي شايسته مي خوانند، و از آنچه بهره آنان ساخته ايم ميبخشند.

4- وآن كساني كه باور مي دارند به آنچه بر تو نازل گشته و به آنچه پيش از تو فرود آمده است و به روز رستاخيز اطمينان دارند.

5- اين چنين كساني هدايت و رهنمود خداي خويش را دريافت كرده و حتماً رستگارند.

ﭑ ﭒ ﭓ

ﮋ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵﯶ ﯷ ﯸ ﯹﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﮊ .[البقرة: ٢٥٥].

خدايي بجز الله وجود ندارد و او زنده ي پايدار (و جهان هستي را) نگهدار است. او را نه چرتي و نه خوابي فرا نمي گيرد (و همواره بيدار است و سستي و رخوت بدو راه ندارد). از آنِ اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است (و در ملك كائنات، او را انبازي نيست). كيست آنكه در پيشگاه او ميانجيگري كند مگر با اجازه او؟ مي داند آنچه را كه او در پيش روي مردمان است و آنچه را كه در پشت سر آنان است (و مطلع بر گذشته و حال و آينده، و آگاه بر بود و نبود جهان است و اصلاً همه ي زمانها و مكانها در پيشگاه علم او يكسان است. مردمان) چيزي از علم او را فراچنگ نمي آورند جز آن مقداري را كه وي بخواهد. (علم و دانش محدود ديگران، پرتوي از علم بي پايان و بي كران او است) فرماندهي و فرمانروايي او آسمانها و زمين را در بر گرفته است، و نگاهداري آن دو (براي او گران نيست و) وي را درمانده نمي سازد و او بلند مرتبه و سترگ است.

ﮋ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﮊ .[البقرة: ٢٨٤ - ٢٨٦].

284- آنچه در آسمانها است و آنچه در زمين است، از آن خدا است، و (لذا) اگر آنچه را كه در دل داريد آشكار سازيد يا پنهان داريد، خداوند شما را طبق آن محاسبه مي كند، سپس هر كه را بخواهد (و شايستگي داشته باشد) مي بخشد و هر كس را بخواهد (و مستحق باشد) عذاب مي كند، و خدا بر هر چيزي توانا است.

285- فرستاده ي (خدا، محمد) معتقد است بدانچه از سوي پروردگارش بر او نازل شده است (و شكي در رسالت آسماني خود ندارد) و مومنان (نيز) بدان باور دارند. همگي به خدا و فرشتگان او و كتابهاي وي و پيغمبرانش ايمان داشته (و مي گويند:) ميان هيچ يك از پيغمبران او فرق نمي گذاريم (و سرچشمه ي رسالت ايشان را يكي مي داريم). و مي گويند: (اوامر و نواهي رباني را توسط محمد) شنيديم و اطاعت كرديم. پروردگارا! آمرزش تو را خواهانيم. و بازگشت به سوي تو است.

286 - خداوند به هيچ كس جز به اندازه ي توانائي اش تكليف نمي كند (و هيچ گاه بالاتر از ميزان قدرت شخص از او وظايف و تكاليف نمي خواهد. انسان) هر كار (نيكي كه) انجام دهد براي خود انجام داده و هر كار (بدي كه) بكند به زيان خود كرده است. پروردگارا! اگر ما فراموش كرديم يا به خطا رفتيم، ما را (بدان) مگير (و مورد مواخذه و پرس و جو قرار مده)، پروردگارا! بار سنگين (تكاليف دشوار) را بر (دوش) ما مگذار آن را كه ياري آن را نداريم بر ما بار مكن (و ما را به بلاها و محنتها گرفتار مساز) و از ما درگذر و (قلم عفو بر گناهانمان كش) و ما را ببخشاي و به ما رحم فرماي. تو ياور و سرور مائي، پس ما را بر جمعيت كافران پيروز گردان.

ﮋ ﭝ ﭞ ﭟﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﮊ .[يوسف: ٦٤].

«.... و خدا بهترين حافظ و نگهدار است و از همه ي مهربانان مهربانتر است. (او مرا و فرزند مرا كافي است).»

ﭑ ﭒ ﭓ

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﮊ .[الكافرون: ١ - ٦].

به نام خداوند بخشنده ي مهربان.

-1بگو: اي كافران!

-2آنچه را كه شما (بجز خدا) مي پرستيد من نمي پرستم.

-3و شما نيز نمي پرستيد آنچه را كه من مي پرستم.

-4همچنين نه من بگونه ي شما پرستش را انجام مي دهم.

-5و نه شما بگونه ي من پرستش را انجام مي دهيد.

-6آئين خودتان براي خودتان، و آئين خودم براي خودم!

ﭑ ﭒ ﭓ

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﮊ .[الإخلاص: ١ - ٤].

به نام خداوند بخشنده ي مهربان

-1بگو: خدا، يگانه ي يكتا است.

-2خدا، سُروُرِ والاي برآورنده ي اميدها و برطرف كننده ي نيازمنديها است.

-3نزاده است و زاده نشده است.

-4و كسي همتا و همگون او نمي باشد.

ﭑ ﭒ ﭓ

ﮋ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮊ .[الفلق: ١ - ٥].

به نام خداوند بخشنده ي مهربان

-1بگو پناه مي برم به خداوندگار سپيده دم.

-2از شر هر آنچه خداوند آفريده است.

-3و از شر شب بدانگاه كه كاملاً فرا مي رسد (و جهان را به زير تاريكي خود مي گيرد)

-4و از شر كساني كه در گره ها مي دهند (و با نيرنگ سازي و حقه بازي خود، اراده ها، ايمانها، عقيده ها، محبتها، و پيوندها را سست مي نمايند و فساد و تباهي مي كنند).

-5و از شر حسود بدانگاه كه حسد مي ورزد.

ﭑ ﭒ ﭓ

ﮋ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮊ .[الناس: ١ - ٦].

به نام خداوند بخشنده ي مهربان

-1بگو: پناه مي برم به پروردگار مردمان

-2به مالك و حاكم (واقعي) مردمان

-3به معبود (به حق) مردمان

-4از شر وسوسه گري كه واپس مي رود (اگر براي چيره شدن بر او، از خدا كمك بخواهي و خويشتن را در پناهش داري).

-5وسوسه گري است كه در سينه هاي مردمان به وسوسه مي پردازد (و ايشان را به سوي زشتي و گناه و ترك خوبيها و واجبات مي خواند).

-6(در سينه هاي مردماني) از جنيها و انسانها .

**تعويذ كوتاه از احاديث نبوي:**

تعويذهاي كوتاه برگرفته از احاديث نبوي به شرح ذيل است:

1- (أللُّهم إنّي أسألُكَ بِأنَّ لَكَ الحَمدُ لا إلهَ إلا أنتَ، الحنّان، بَديعَ السموات و الارضِ ذَا الجَلالِ وَ الاكرَامِ، يَا حَيُّ يا قَيُّومُ).[[51]](#footnote-51)

«بار خدايا! (تنها) خواسته هايم را نزد تو مطرح مي كنم، چرا كه حمد و ستايش را تنها تو سزايي و جز تو خدايي وجود ندارد تو آن بخشاينده اي هستي كه آسمان و زمين را پديد آورده اي (و همانا) تو صاحب عظمت و بزرگي هستي اي زنده ي پاينده».

2- (أللهُمَ إنِّي أسألك أني أشهَدُ أَنَكَ أَنتَ الله الذِي لا إلهَ إلا أَنتَ، الأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ كُفُواً أحَدٌ).[[52]](#footnote-52)

«بار خدايا! (تنها) خواسته هايم را نزد تو مطرح مي كنم. همانا گواهي مي دهم كه بي ترديد تو آن ذاتي هستي كه (معبودي) جز تو وجود ندارد. تو يگانه ي برآورنده ي اميدها و برطرف كننده ي نيازمنديها هستي كه نزاده اي و زاده نشده اي و همتا و همگوني (نيز) نداري».

3- (أللّهُمَ إنِّا نسألُكَ مِنْ خَير ما سأَلَكَ مِنْهُ نبيُّكَ مُحَمَدٌ صَلَّي اللهُ عَلَيهِ وَ سَلَّمَ َو نَعُوذُ بِكَ مِنْ شَر ما استَعَاذَ مِنهُ نَبِيُّكَ مُحَمَدٌ صَلَّي اللهُ عَلَيهِ وَ سَلَّمْ وَ أَنتَ المُستَعَانُ وَ عَلَيكَ البَلاغُ وَ لا حَولَ وَ لا قوَّةَ إلا باللهِ).[[53]](#footnote-53)

«بار الهي! هر آنچه از خير را كه نبي (بزرگوارت) محمد از حضرتت مطالبه كرده از تو مسالت مي داريم و از آنچه كه نبي تو محمد (مصطفي) از شر آن به تو پناه آورده، به درگاه تو پناه مي جوييم. و بر انسانها اتمام حجت مي كني. (همانا) هر تغيير و تحول و هر نيرو و (حركتي) تنها از تو نشات مي گيرد».

4- (أعُوذُ باللهِ السَّميعِ العَلِيمِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ وَ مِنْ هَمزِهِ وَ نَفخهِ وَ نَفثِهِ)[[54]](#footnote-54) [[55]](#footnote-55)

«پناه مي برم به خداوندگار شنواي دنا از (شر) شيطان رانده شده و از (شر) وساوس و كِبر و شعر (و سحر) او.»

5- (بِسمِ اللهِ أَرْقيكَ، من كُلِّ شَيٍ يُؤذيكَ، من شَرِّ كُلِّ نَفسٍ أو عَينِ حَاسِدٍ، اللهُ يَشفِيكَ، بِسمِ اللهِ أرْقِيكَ).[[56]](#footnote-56)

«به نام خداوند آنچه (از ارواح پليد و غيره كه) موجبات اذيت و آزار تو (بيمار) را فراهم مي كنند، از تو دور مي سازم و از گزند هر نفس (سركش) يا چشم زخم حسودي مي رهانمت. (بي ترديد) اين خداست كه تو را شفا مي دهد و من با نام (و ياد) او به مداوايت مي پردازم.»

6- (بِسم اللهِ الَّذي لا يَضُرُّ مَعَ إسمِه شَيٌ فِي الارْضِ و لا فِي السَّماء و هُوَ السَّميعُ العَلِيمْ).[[57]](#footnote-57)

«به نام خداوندگاري كه هيچ چيز را در زمين و آسمان ياراي ضرر رسانيدن به گوينده ي نام او (كه نام مباركش ورد خويش ساخته و كارهايش را به نام او آغاز مي كند) نيست و او شنواي داناست (كارم را آغاز مي كنم). اين دعا بايستي سه مرتبه خوانده شود.»

7- (بِسمِ اللهِ يُبرِيكَ وَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ يَشفِيكَ و مِنْ شَرِّ حاسِدٍ إذَا حَسَدَ وَ شَرِّ كلِّ ذي عَينٍ).[[58]](#footnote-58)

«با نام و ياد خداوند از او مي خواهم كه تو را (از آنچه بدان مبتلايي) رهايي بخشد و از هر در دو بلايي شفا داده از شر هر حسودي آنگاه كه حسد ورزد و شر هر چشم زخم زننده اي در امان بدارد».

8- (بِسمِ اللهِ (ثلاثاً)، أعُوذُ باللهِ و قُدْرَتِه من شرِّ ما أَجَدُ احاذِرُ).[[59]](#footnote-59)

«به نام خداوند، پناه مي برم به خدا و قدرت (لايزالش) از گزند آنچه (هم اكنون) با آن مواجه هستم و آنچه ترس دارم (بدان مبتلا گردم).»

در اين تعويذ بايد سه مرتبه (بسم الله) و هفت مرتبه باقي دعا تكرار شود.

9- (أَذْهِبِ البَأس، ربَّ الناس، و أشفِ أنتَ الشَّافِي لا شِفاءَ الا شفاءُكَ شِفاءً لا يغادُر سَقَماً).[[60]](#footnote-60)

«اي پروردگار انسانها! (هرگونه) زيان و ترس را زايل فرما و شفا (ي عاجل) عنايت كن كه همانا تو (تنها) شفا دهنده هستي و جز شفاي تو كه تمامي بيماري ها را درمان مي بخشد شفايي وجود ندارد».

10- (أعُوذُ بِكَلِماتِ اللهِ التّامَّةِ[[61]](#footnote-61)\* مِنْ كُلِّ شَيطانٍ و هامَّةٍ و مِنْ كُلِّ عَينٍ لامَّةٍ)[[62]](#footnote-62)

«پناه مي برم به كلمات تامه ي الهي از گزند شيطان و هر جنبنده ي مضر (و زيان دهنده اي) و هر (كسي كه داراي) چشم بدي[[63]](#footnote-63) (باشد)».

11-( أعُوذُ بِكَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقْ)[[64]](#footnote-64)

(از گزند مخلوقات خداوند به كلمات تامه ي او پناه مي برم).

12- (أسألُ اللهَ العَظيمَ ربَّ العَرشِ العَظِيمِ أنْ يشفيكَ)[[65]](#footnote-65)

(از خداوند بزرگ كه پروردگار عرش عظيم است مي خواهم كه تو (بيمار) را شفا دهد). اين دعا بايد هفت بار خوانده شود.

13- (أللّهُمَّ صَلِّ عَلي مُحَمَدٍ وَ عَلي آلِ مُحَمَدٍ كَما صَلَّيتَ عَلي إبراهِيمَ وَ عَلي آلِ ابراهيم إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ، اللَّهُمَّ بارِكْ عَلي مُحَمَّدٍ وَ عَلي آلِ مُحَمَّد كَما بارَكتَ عَلي إبراهِيمَ وَ عَلي آلِ إبراهِيمَ في العَالمِينَ إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ).[[66]](#footnote-66)

(بار خدايا! بر محمد و آل محمد درو فرست آنگونه كه بر ابراهيم و آل او درود فرستادي. همانا تو (خداوندگار) ستوده و عالي مرتبه هستي، بار خدايا! محمد و آل محمد را بزرگي و كرامت عنايت كن آنگونه كه در ميان جهانيان ابراهيم و آل ابراهيم را (بركت و بزرگي) عنايت فرمودي. همانا تو (پروردگار) ستوده و عالي مقام هستي).

فصل دوم

(تعويذ متوسط)

**تعويذ متوسط قرآني:**

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﮊ .[الفاتحة: ١ - ٧ ].

پناه مي برم به خداوند از شر شيطان رانده شده.

-1به نام خداوند بخشنده ي مهربان.

-2ستايش خداوندي را سزاست كه پروردگار جهانيان است.

-3بخشنده ي مهربان است .

-4مالك روز سزا و جزا است.

-5تنها تو را مي پرستيم و تنها از تو ياري مي طلبيم.

-6ما را به راه راست راهنمايي فرما.

-7راه كساني كه بدانان نعمت داده اي؛ نه راه آنان كه برايشان خشم گرفته اي، ونه راه گمراهان و سرگشتگان.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖﭗ ﭘﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢﭣ ﭤ ﭥ ﭦﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﮊ .[البقرة: ١ - ٧]. به نام خداوند بخشنده ي مهربان

-1الف. لام. ميم.

-2اين كتابي است كه هيچ گماني در آن نيست و راهنماي پرهيزگاران است.

-3آن كساني كه به دنياي ناديده باور مي دارند، و نماز را بگونه ي شايسته مي خوانند، و از آنچه بهره ي آنان ساخته ايم مي بخشند.

-4و آن كساني كه باور مي دارند به آنچه بر تو نازل گشته و به آنچه پيش از تو فرو آمده، و به روز رستاخيز اطمينان دارند.

-5اين چنين كساني، هدايت و رهنمود خداي خويش را دريافت كرده و حتماً رستگارند.

-6بي گمان كفر پيشگان برايشان يكسان است. چه آنان را بيم دهي و چه بيم ندهي، ايمان نمي آورند.

-7خداوند دلها و گوشهايشان را مسهر زده است، و بر چشمانشان پرده اي است و عذاب بزرگي در انتظارشان است.

ﮋ ﯖ ﯗ ﯘﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﮊ .[البقرة: ١١٧].

«هستي بخشي آسمانها و زمين، او است. و هنگامي كه فرمان وجود چيزي را صادر كند، تنها بدو مي گويد: باش! پس مي شود.»

ﮋ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑﮒ ﮓ ﮔﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮊ .[البقرة: ١٣٧].

«اگر آنان ايمان بياورند، همچنان كه شما ايمان آورده ايد، و بدان چيزهايي كه شما ايمان داريد، ايشان نيز ايمان داشته باشند، بي گمان (به راه درست خدايي) رهنمود گشته اند، و اگر پشت كنند (و از حقيقت سرپيچي نمايند ودوباره به رسوم و آداب موروثي چنگ بزنند) پس راه اختلاف و دشمنانگي را (با شما) در پيش گرفته اند، و خدا تو را بسنده خواهد بود و او تو را از (اذيت و آزار و نيرنگ و دسيسه هاي) ايشان نجات خواهد داد، و او شنوا و بينا است (و گفتار ايشان را مي شنود و كردار آنان را مي بيند)».

ﮋ ﯽ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﮊ .[البقرة: ١٦٣ - ١٦٤].

163- خداوند شما، خداوند يكتا و يگانه است و هيچ خدايي جزا و كه رحمان و رحيم است وجود ندارد.

164 -مسلماً در آفرينش آسمانها و زمين و آمد و شد شب و روز (و اختلاف آن دو در درازي و كوتاهي و منافع بي شمار آنها) و كشتي هايي كه به سود مردم در دريا در حركتند (و برابر قانون وزن مخصوص اجسام و سرشت آب و باد و بخار و برق، و غيره كه از ساخته هاي پروردگارند در جريانند) و آبي كه خداوند از آسمان نازل كرده (كه برابر قوانين منظمي بخارها به ابرها تبديل و بر پشت بادها به جاهايي كه خدا خواسته باشد رهسپار مي گردند و پس از تلقيح، به صورت برف و تگرگ و باران مجدداً بر زمين فرو مي ريزند) و با آن زمين را پس از مرگش زنده ساخته و انواع جنبندگان را در آن گسترده، و در تغيير مسير بادها و ابرهايي كه در ميان آسمان و زمين معلق مي باشند (و برابر قوانين و ضوابط ويژه اي در پهنه ي فضا پراكنده نمي گردند و هدر نمي روند)، بي گمان نشانه هايي (براي پي بردن به ذات پاك پروردگار و يگانگي خداوندگار) است براي مردمي كه تعقل ورزند.

ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﰔ ﰕﰖ ﰗ ﰘ ﰙ ﰚ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣﭤ ﭥ ﭦ ﭧﭨ ﭩ ﭪ ﭫﭬ ﮊ .[البقرة: ٢٥٤ - ٢٥٧].

254- اي كساني كه ايمان آورده ايد! (برخي) از آنچه بهره ي شما كرده ايم (در راه خدا) صرف كنيم، پيش از آنكه روزي فرا رسيد كه در آن نه داد و ستدي و نه دوستي و رفاقتي و نه ميانجيگري و شفاعتي است و كافران ستمگرند (و به خود و جامعه خود ظلم مي كنند).

255- خدايي به جز الله وجود ندارد و او زنده ي پايدار (و جهان هستي را) نگهدار است. او را نه چرتي و نه خوابي فرا نمي گيرد. از آن اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است. كيست آنكه در پيشگاه او ميانجيگري كند مگر با اجازه ي او؟ مي داند آنچه را كه در پيش روي مردمان است و آنچه را كه در پشت سر آنان است. چيزي از علم او را فراچنگ نمي آورند جز آن مقداري را كه وي بخواهد. فرماندهي و فرمانروايي او آسمانها و زمين را در برگرفته است، و نگاهداري آن دو (براي او گران نيست و) وي را درمانده نمي سازد و او بلندمرتبه و سترگ است.

256- اجبار و اكراهي در (قبول) دين نيست، چرا كه هدايت و كمال از گمراهي و ضلال مشخص شده است، بنابراين كسي كه از طاغوت نافرماني كند و به خدا ايمان آورد، به محكم ترين دستاويز در آويخته است و اصلاً گسستن ندارد. و خداوند شنوا و دانا است.

257- خداوند متولي و عهده دار (امور) كساني است كه ايمان آورده اند. ايشان را از تاريكي هاي (زمخت گمراهي شك و حيرت) بيرون مي آورد و به سوي نور رهنمون مي شود. و اما كساني كه كفر ورزيده اند، طاغوت متولي و سرپرست ايشانند. آنان را از نور (ايمان و قطرات پاك) بيرون آورده و به سوي تاريكي هاي (زمخت كفر و فساد) مي كشانند. اينان اهل آتشند و در آنجا جاويدانه مي مانند.

ﮋ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﮊ .[البقرة: ٢٨٤ - ٢٨٦].

284- آنچه در آسمانها است و آنچه در زمين است، از آن خدا است، و (لذا) اگر آنچه را كه در دل داريد آشكار سازيد يا پنهان داريد، خداوند شما را طبق آن محاسبه مي كند، سپس هر كه را بخواهد مي بخشد و هر كس را بخواهد عذاب مي كند، و خدا بر هر چيزي توانا است.

285- فرستاده ي (خدا، محمد) معتقد است بدانچه از سوي پروردگارش بر او نازل شده است و مومنان بدان باور دارند. همگي به خدا و فرشتگان او و كتابهاي وي و پيغمبرانش ايمان داشته (و مي گويند) ميان هيچ يك از پيغمبران او فرق نمي گذاريم و مي گويند: شنيديم و اطاعت كردمي. پروردگارا! آمرزش تو را خواهانيم، و بازگشت به سوي تو است.

286- خداوند به هيچ كس جز به اندازه ي توانايي اش تكليف نمي كند. هر كار (نيكي كه) انجام دهد براي خود انجام داده و هر كار (بدي كه) بكند به زيان خود كرده است. پروردگارا! اگر ما فراموش كرديم يا به خطا رفتيم، ما را مگير، پروردگارا! بار سنگين را بر دوش ما مگذار آن چنان كه بر دوش كساني كه پيش از ما بودند گذاشتي. پروردگارا! آنچه را كه ياراي آن را نداريم بر ما بار مكن و از ما درگذر و ما را ببخشاي و به ما رحم فرماي. تو ياور و سرور مائي، پس ما را بر جمعيت كافران پيروز گردان.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮊ .[آل عمران: ١ - ٦ ].

-1الف. لام. ميم.

-2جز خدا، خدايي نيست و او زنده و متصرف (جهان) است.

-3كتاب را بر تو نازل كرده است كه مشتمل بر حق است، تصديق كننده ي كتابهايي است كه قبل از آن بوده اند. و خداوند پيش از آن تورات و انجيل را (بر موسي و عيسي) نازل كرده است.

-4پيش از (قرآن، تورات و انجيل را نازل كرده است) جهت رهنمون مردمان، چون خدا سازنده حق از باطل (قرآن) را فرو فرستاده است . بيگمان كساني كه نسبت به آيات خدا كفر ورزند، عذاب سختي دارند، و خداوند توانا و انتقام گيرنده است.

-5شكي نيست كه هيچ چيز نه در زمين و نه در آسمان بر خدا پنهان نمي ماند.

-6او است كه شكا را در رحمهاي (مادران) هر آنگونه كه بخواهد شكي مي بخشد، جز او خدايي نيست، عزيز و حكيم است.

ﮋ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﮊ .[آل عمران: ١٨].

18- خداوند گواهي مي دهد اينكه معبودي جز او نيست، و اينكه او دادگري مي كند، و فرشتگان و صاحبان دانش گواهي مي دهند جز او معبودي نيست كه هم توانا است و هم حكيم.

ﮋ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘﮙ ﮚ ﮛﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮊ .[آل عمران: ٢٦].

« بگو: پروردگارا! اي همه چيز از آن تو! تو هر كه را بخواهي حكومت و دارايي مي بخشي و از هر كه بخواهي حكومت و دارايي را باز پس مي گيري، و هر كسي را بخواهي عزت و قدرت مي دهي و هر كسي را بخواهي خوار مي داري، خوبي در دست تو است و بي گمان تو بر هر چيزي توانايي.»

ﮋ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﮊ .[آل عمران: ٨٥].

«و كسي كه غير از اسلام، آئيني برگزيند، از او پذيرفته نمي شود، و او در آخرت از زمره ي زيانكاران خواهد بود. »

ﮋ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣﮊ .[الأعراف: ٥٤ - ٥٦].

54- پروردگار شما خداوندي است كه آسمانها و زمين را در شش دوره بيافريد، سپس به اداره ي جهان هستي پرداخت. با شب، روز را مي پوشاند و شب شتابان به دنبال روز روان است. خورشيد و ماه و ستارگان را بيافريده است و جملگي مسخر فرمان او هستند. آگاه باشيد كه تنها او مي آفريند و تنها او فرمان مي دهد. بزرگوار و جاويدان و داراي خيرات فراوان، خداوندي است كه پروردگار جهانيان است.

55- پروردگار خود را فروتنانه و پنهاني ؟؟؟ بخواهيد او تجاوزكاران را دوست نمي دارد.

56-در زمين بعد از اصلاح آن فساد و تباهي مكنيد. و خدا را بيمناكانه و اميدوارانه بفرياد خوانيد؛ بيگمان رحمت يزدان به نيكوكاران نزديك است.

ﮋ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥﮊ .[الأنبياء: ٨٧].

87- ذوالنون را در آن هنگام كه خشمناك بيرون رفت و گمان برد كه بر او سخت و گران نمي گيريم در ميان تاريكي ها فرياد برآورد كه پروردگاري جز تو نيست و تو پاك و منزهي. من از جمله ستمكاران شده ام (مرا درياب).

ﮋ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﮊ .[الإسراء: ١١١].

111- بگو: حمد و سپاس خداوندي را سزا است كه براي خود فرزندي برنگزيده است و در فرمانروايي و مالكيت (جهان) انبازي انتخاب ننموده است و ياوري بخاطر ناتواني نداشته است. بنابراين او را چنانكه بايد به عظمت ؟؟؟؟

ﮋ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﮊ .[البقرة: ١٠٩].

109- بسياري از اهل كتاب، از روي رشك و حسدي كه در وجودشان ريشه دوانده است، آرزو دارند اگر بشود شما را بعد از پذيرش ايمان بازگردانند با اينكه حقانيت (اسلام) برايشان كاملاً روشن گشته است. پس گذشت نماييد و چشم پوشي كنيد تا خدا فرمان دهد. بي گمان خداوند بر هر چيزي توانا است.

ﮋ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﮊ .[النساء: ٥٤ ].

54- آيا آنان بر چيزي حسد مي برند كه خداوند از روي فضل و رحمت خود به مردم داده است؟ ما كه به آل ابراهيم كتاب و پيغمبري و پادشاهي عظيمي داديم (يوسف در مصر، داود و سليمان در شام).

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﮊ .[يونس: ١٠٧].

107- اگر خداوند زياني به تو برساند، هيچ كسي جز او نمي تواند آن را برطرف گرداند، و اگر بخواهد خيري به تو برساند، هيچ كسي نمي تواند فضل و لطف او را از تو برگرداند. خداوند فضل و لطف خود را شامل هر كسي از بندگانش كه بخواهد مي كند و او داراي مغفرت و مهر فراوان است.

ﮋ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕﯖ ﯗ ﯘﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﮊ .[يوسف: ٦٧ ].

67- و گفت (يعقوب): اي فرزندانم از يك در (به مصر) داخل نشويد بلكه از درهاي گوناگون وارد شويد (تا از حسادت حسودان در امان باشيد) نمي توانم چيزي را كه خدا مقرر كرده باشد از شما بدور سازم. تنها حكم و فرمان از آن يزدان است. بر او توكل مي كنم و بايد كه توكل كنندگان بر او توكل كنند و بس.

ﮋ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮊ .[الكهف: ٣٩].

39- كاش وقتي كه وارد باغ مي شدي مي گفتي ماشاء الله، هيچ قوت و قدرتي جز از ناحيه ي خدا نيست (و اگر مدد و توفيق او نباشد توانايي عبادت و پرستش را نخواهيم داشت اي رفيق ناسپاس) اگر مي بيني كه از نظر اموال و اولاد از تو كمترم (اما ....).

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮊ .[الملك: ١-٤].

-1بزرگوار و داراي بركات بسيار، آن كسي كه فرمانروايي از آن اوست و او بر هر چيزي قادر است.

-2همان كسي كه مرگ و زندگي را پديد آورده است تا شما را بيازمايد كدامتان كارتان بهتر و نيكوتر خواهد بود. او چيره و توانا و آمرزگار و بخشاينده است.

-3آن كه هفت آسمان را بالاي يكديگر و هماهنگ آفريده است. اصلاً در آفرينش و آفريده هاي خداوند مهربان خلل و تضاد و عدم تناسبي نمي بيني. پس ديگر باره بنگر آيا هيچ گونه خلل و رخنه اي مي بيني؟

-4باز هم بارها و بارها بنگر و ورانداز كن. ديده سرانجام فروهشته و حيران و درمانده و ناتوان به سويت باز مي گردد.

ﮋ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮊ .[القلم: ٥١ - ٥٢].

51- نزديك است كافران هنگامي كه آيات قرآن را مي شنوند، تو را چشمان خود به سر در آورند و هلاك سازند و مي گويند: او قطعاً ديوانه است.

52- در صورتي كه قرآن جز اندرز و پند جهانيان و مايه ي بيداري و هوشياري ايشان نيست.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮊ .[البقرة: ١٠٢].

102- و (گروهي از ؟؟؟ يهود) به آنچه شياطين صفتان و گناه پيشگان درباره ي سلطنت سليمان مي خوانند، باور داشتند و از آن پيروي نمودند. و حال آنكه سليمان هرگز كفر نورزيده است. و بلكه شياطين صفتان گناه پيشه، كفر ورزيده اند جادو و آنچه در بابل بر دو فرشته هاروت و ماروت نازل گرديده بود مي آموزند. و به هيچ كس چيزي نمي آموختند، مگر اينكه پيشاپيش بدو مي گفتند: ما وسيله ي آزمايش هستيم كافر نشو. از ايشان چيزهايي آموختند كه با آن ميان مرد و همسرش جدايي مي افكندند. و حال آنكه با چنين جادويي نمي توانند به كسي زيان برسانند مگر اينكه با اجازه و خواست خدا باشد. و آنان قسمتهايي را فرا مي گرفتند كه برايشان زيان داشت و بديشان سودي نمي رساند. و مسلماً مي دانستند هر كسي خريدار اينگونه متاع باشد، بهره اي در آخرت نخواهد داشت و چه زشت و ناپسند است آنچه خود را بدان فروخته اگر مي دانستند .

103- و اگر آنان ايمان مي آورند و پرهيزگاري مي كردند. پاداشي كه نزد خدا است بهتر است اگر مي دانستند.

ﮋ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﮊ .[الأعراف: ١١٧ – ١ ٢٢].

117- به موسي وحي كرديم كه عصاي خود را بينداز، ناگهان به سرعت آنچه را بهم مي بافتند بلعيد.

118- پس حق ثاقت و ظاهر گرديد و آنچه آنان مي كردند باطل شد.

119- در آنجا (فرعونيان) شكست خوردند و خوار و رسوا برگشتند .

120- و جادوگران به سجده افتادند.

121- گفتند به پروردگار جهانيان ايمان آورديم.

122- به پروردگار موسي و هارون.

ﮋ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﮊ .[يونس: ٧٧].

77- موسي گفت: آيا به حق كه به سوي شما آمده است سحر مي گوييد؟ آيا اين جادو است؟ به هر حال جادوگران پيروز نمي شوند.

ﮋ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪﭫ ﭬ ﭭ ﭮﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﮊ .[يونس: ٨١ - ٨٢].

81- هنگامي كه (ريسمانها و عصاهاي خود را) انداختند، موسي گفت: آنچه ارائه داده ايد واقعاً جادو است. قطعاً خداوند آن را پوچ و نابود خواهد كرد و خداوند كار تبهكاران را شايسته و سودمند نمي گرداند.

82- خداوند با سخنان خود حق را پايدار و ماندگار مي گرداند، هرچند كه گناهكاران و بزهكاران نپسندند.

ﮋ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮊ .[طه: ٦٩].

69- و چيزي را كه در دست راست داري بيفكن تا همه ي ساخته هاي ايشان را بسرعت ببلعد. چرا كه كارهايي را كه كرده اند، نيرنگ جادوگر است و جادوگر هركجا برود پيروز نمي شود.

ﮋ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﮊ .[المؤمنون: ١١٥ - ١١٨].

115- آيا گمان برده ايد كه ما شما را بيهوده آفريده ايم و به سوي ما برگردانده نمي شويد.

116- خداوندي كه فرمانرواي راستين است و هيچ معبودي جز او نيست و صاحب عرش عظيم است برتر از آن است (كه جهان را بي هدف آفريده باشد).

117- هر كس كه با خدا، معبود ديگري را به فرياد خواند – و مسلماً هيچ دليل بر حقانيت آن نخواهد داشت – حساب او با خداست قطعاً كافران رستگار نمي گردند.

118- بگو: پروردگارا! (گناهانم را) ببخشاي و مرحمت فرماي، چرا كه تو بهترين مهرباناني.

ﮋ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮊ .[الأحقاف: ٣١].

31- اي قوم ما! سخنان فراخواننده ي الهي را بپذيريد، و به او ايمان بياوريد، تا خدا گناهانتان را بيامرزد و شما را در پناه خويش دارد.

ﮋ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﮊ .[الرحمن: ٣٣ - ٣٦].

33- اي گروه پريها و انسانها! اگر مي توانيد از نواهي آسمانها و زمين بگذريد، بگذريد، و لكن نمي توانيد بگذريد مگر با قدرت عظيم.

34- پس كداميك از نعمتهاي پروردگارتان را تكذيب و انكار مي كنيد؟!

35- آتش بي دود و مس گداخته به سوي شما روانه مي گردد و بر سر شما ريخته مي شود، و شما همديگر را نمي توانيد ياري بدهيد.

36- پس كدامين نعمت پروردگارتان را تكذيب و انكار مي كنيد؟!

ﮋ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣﮤ ﮥ ﮦ ﮧﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﮊ .[الحشر: ٢١ - ٢٤].

21- اگر ما اين قرآن را براي كوهي مي فرستاديم، كوه را از ترس خدا، كرنش كنان و شكافته مي ديدي! ما اين مثالها را براي مردمان بيان مي داريم شايد كه ايشان بينديشند.

22-خدا كسي است كه جز او پروردگار معبودي نيست، آگاه از جهان نهان و آشكار است او داراي مرحمت عامه و خاصه است.

23- خدا كسي است كه جز او پروردگار و معبودي نيست. او فرمانروا، منزه ، بي عيب و نقص، امان دهنده و امنيت بخشنده و محافظ و مراقب، قدرتمند چيره، بزرگوار و شكوهمند، والامقام و فرازمند است خداوند دور و فرا از چيزهايي است كه انباز او مي كنند.

24 -او خداوندي است كه طراح هستي و آفريگار آن از نيستي و صورتگر جهان است. داراي نامهاي نيك و زيبا است چيزهايي كه در آسمانها و زمين هستند، تسبيح و تقديس او مي گويند، و او چيره ي كار بجا است .

ﮋ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﮊ .[الأنعام: ١٧].

17- اگر خداوند زياني به تو برساند، هيچ كسي جز او نمي تواند آن را برطرف سازد، و اگر چيزي به تو برساند، چرا كه او بر هر چيزي توانا است.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮊ .[الصافات: ١ - ١١].

1. قسم به آنان كه محكم صف كشيده اند!
2. و قسم به آنان كه سخت باز مي دارند!
3. و قسم به آنان كه پياپي تلاوت مي كنند.
4. قطعاً معبود شما يكي است.
5. آن كسي كه خداوند آسمانها و زمين و همه ي چيزهايي است كه در ميان آن دو قرار دارد و خداوند مشرقها است.
6. ما نزديكترين آسمان را به زينت ستارگان آراسته ايم.
7. ما آن را از هر شيطان متمردي، كاملاً حفظ كرده ايم.
8. آنان نمي توانند به گروه والامقام دزدكي گوشي فرا دهند. چرا كه از هر سو به سويشان نشانه مي رود.
9. آنان سخت مراد مي گردند، و عذاب به تمام و كمالي و دائمي و سودي دارند.
10. و اما از آنان هر كه با سرعت استراق سمعي كند، فوراً آذرخشي سوراخ كننده ي بدنبال او روان مي گردد.
11. از ايشان پرس و جو كن كه آيا آفرينش ايشان سخت تر و دشوارتر است يا آفرينش چيزهايي كه آفريده ايم؟ ما كه ايشان را از گل چسبنده ناچيز آفريده ايم.

ﮋ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮊ .[الأنعام: ١٣].

13- و از آن او است آنچه در شب و روز قرار دارد و او شنواي آگاه است.

ﮋ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤﯥ ﯦ ﯧﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﮊ .[التوبة: ١٢٩].

129- اگر آنان (از ايمان به تو) روي بگردانند. بگو: خدا مرا كافي و بسنده است. جز او معبودي نيست. و به او دلبسته ام و كارهايم را بدو واگذار كرده ام، و او صاحب پادشاهي بزرگ است .

ﮋ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟﯠ ﯡﯢﯣﯤ ﯥ ﯦ ﯧﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﮊ .[الزمر: ٣٨].

38- اگر از مشركان بپرسي چه كسي آسمانها و زمين را آفريده است؟ خواهند گفت: خدا. بگو: آيا چيزهايي را كه بجز خدا بفرياد مي خوانيد چنين مي بينيد كه اگر خدا بخواهد زيان و گزندي به من برساند، آنها بتوانند آن زيان و گزند خداوندي را برطرف سازند؟ و يا اگر خدا بخواهد لطف و مرحمتي در حق من روا دارد، آنها بتوانند جلو لطف و مرحمتش را بگيرند و آن را بازدارند؟ بگو: خدا مرا بس است. توكل كنندگان تنها بر او تكيه و توكل مي كنند و بس.

ﮋ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮊ .[الطلاق: ٧].

7- آنان كه دارا هستند، از دارايي خود خرج كنند، و آنان كه تنگدست هستند، از چيزي كه خدا بديشان كه خدا بديشان داده است خرج كنند، خداوند هيچ كسي را جز بدان اندازه كه بدو داده است مكلف نمي سازد. خدا بعد از سختي و ناخوشي، گشايش و خوشي پيش مي آورد.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﮊ .[يونس: ٦٢ -٦٣ ].

62- هان! بيگمان دوستان خداوند ترسي بر آنان نيست و غمگين نمي گردند.

63- (دوستان خدا) كساني اند كه ايمان آورده اند و تقوا پيشه كرده اند.

ﮋ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﮊ .[يوسف: ٨٦ ].

86- گفت: شكايت پريشان حالي و اندوه خود را تنها و تنها به خدا مي برم و من از سوي خدا چيزهايي مي دانم كه شما نمي دانيد.

ﮋ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﰔ ﮊ .[الرعد: ٢٨].

28- آن كساني كه ايمان مي آورند و دلهايشان با ياد خدا سكون و آرامش پيدا مي كند. هان! دلها به ياد خدا آرام مي گيرد.

ﮋ ﭭ ﭮ ﭯ ﭱ ﭲ ﭳﭴ ﭵ ﭶ ﭷﭸ ﭹ ﭺ ﭻﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮊ .[إبراهيم: ٢٧].

27- خداوند مومنان را به خاطر گفتار استوار هم در اين جان وهم در آن جهان ماندگار مي دارد و كافران را گمراه و سرگشته مي سازد و خداوند هرچه بخواهد انجام مي دهد.

ﮋ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮊ .[فاطر: ٣٤].

34- و خواهند گفت سپاس خداوندي را سزاست كه غم و اندوه را از ما زدود بي گمان پروردگار آمرزنده سپاسگزار است.

ﭑ ﭒ ﭓ

ﮋ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﮊ .[الشرح: ١ - ٨].

به نام خداوند بخشنده مهربان

1. آيا ما سينه تو را نگشوديم.
2. و بار سنگين از دوش تو برنداشتيم.
3. همان بار سنگيني كه پشت تو را در هم شكسته بود.
4. و آوازه تو را بلند نكرديم و بالا نبرديم.
5. چرا كه همراه با سختي و دشواري آسايش و آسودگي است.
6. مسلماً با سختي و دشواري آسايش و آسودگي است.
7. هرگاه از كار مهمي بپرداختي بدنبال آن رنج ببر.
8. و يكسره به سوي پروردگارت روي آر.

ﮋ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﮊ .[فصلت: ٤٤].

44- چنانكه قرآن را به زباني جز زبان عربي فرو مي فرستاديم حتماً مي گفتند اگر آيات آن توضيح و تبيين مي گرديد آيا كتاب غير عربي و پيغمبر عربي؟ بگو قرآن برا ي مومنان مايه راهنمايي و بهبودي است و اما براي غير مومنان كري گوشهاي ايشان و كوري چشمان آنان است آنان كساني اند كه از دور صدا زده مي شوند .

ﮋ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮊ .[يونس: ٥٧].

57- اي مردمان از سوي پروردگارتان براي شما اندرزي و درماني براي چيزهايي كه در سينه هاست آمده است و هدايت و رحمت براي مومنان است.

ﮋ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﮊ .[الإسراء: ٨٢ ].

82 -ما آياتي از قرآن را فرو مي فرستيم كه مايه بهبودي و رحمت مومنان است ولي بر ستمگران جز زيان نمي افزايد.

ﮋ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﮊ .[الشعراء: ٨٠ ].

80- و هنگامي كه بيمار شوم اوست كه مرا شفا مي دهد.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﮊ .[التوبة: ١٤ - ١٥ ].

15 - با آن كافران بجنگيد تا خدا آنان را با دست شما عذاب كند و خوارشان دارد و شما را برايشان پيروز دارد و سينه هاي اهل ايمان را شفا بخشد.

14- و كينه را از دلهايشان بردارد خداوند توبه هر كس بخواهد مي پذيرد خداوند آگاه از كار بندگان و دارا حكمت فراوان است.

ﮋ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮊ .[الإسراء: ٨١ ].

81 -و بگو حق فرا رسيده است و باطل از ميان رفته و نابود گشته است اصولاً باطل هميشه از ميان رفتني و نابود شدني است.

ﮋ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﮊ المؤمنون: ١٠٧

107 -پروردگارا ما را از آتش دوزخ بيرون بياور و اگر (بعد از اين به كفر و عصيان و انجام گناهان) برگشتيم ما ستمگر خواهيم بود.

ﮋ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ .[البقرة: ٧٢ ].

72 -و (به ياد بياوريد) آنگاه را كه كسي را كشتيد و درباره ي آن به نزاع برخاستيد و يكديگر را بدان متهم كرديد، و خدا حقيقت ام را مي دانست و آنچه را كه پنهان مي كرديد، آشكار و نمايان مي نمود.

ﮋ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﮊ .[الفرقان: ٢٣ ].

23 -ما به سراغ تمام اعمالي كه (به ظاهر نيك بوده و در دنيا) آنان انجام داده اند مي رويم و همه را همچون ذرات غبار پراكنده ي در هوا مي سازيم.

ﮋ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﮊ .[الطلاق: ٢ - ٣ ].

1 -هر كس هم از خدا بترسد و پرهيزگاري كند خدا راه نجات (از هر تنگنائي) را براي او فراهم مي سازد.

2 -و به او از جايي كه تصورش نمي كند روزي مي رساند. هر كس بر خداوند توكل كند خدا او را بسنده است. خداوند فرمان خويش را به انجام مي رساند و هرچه را بخواهد بدان دسترسي پيدا مي كند. خدا براي هر چيزي زمان و اندازه اي را قرار داده است.

ﮋ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮊ .[الأعلى: ٤ ].

4 -خداوندي كه چراگاه را (براي تغذيه ي جانداران از زمين مي روياند و) بيرون مي آورد.

ﮋ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮊ .[الزلزلة: ١ - ٨ ].

1. هنگامي كه زمين سخت به لرزه در انداخته مي شود .
2. و زمين سنگينيها و بارهاي خود را بيرون مي آورد .
3. و انسان مي گويد: زمين را چه شده است؟
4. در آن روز (كه سرآغاز قيامت است) زمين خبرهاي خود را بازگو مي كند (و به زبان قال يا حال خواهد گفت كه چه چيزهايي بر آن گذشته است).
5. (اين احوال و اقوال زمين) بدان سبب است كه پروردگار تو بدو پيام مي دهد (كه چه بشود و چه بگويد).
6. در آن روز مردمان (از گورهاي خود) دسته دسته و پراكنده بيرون مي آيند تا كارهايشان بديشان نموده شود و نتيجه ي اعمال خويش را ببينند.
7. پس هر كس به اندازه ي ذره ي غباري كار نيكو كرده باشد آن را خواهد ديد (و پاداش را خواهد گرفت).
8. و هر كس به اندازه ي ذره ي غباري كار بد كرده باشد، آن را خواهد ديد (و سزايش خواهد چشيد).

ﮋ ﭝ ﭞ ﭟﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﮊ .[يوسف: ٦٤].

64 -و خدا بهترين حافظ و نگهدار است و از همه ي مهربانان مهربانتر است.

ﮋ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﮊ .[الحجر: ١٧].

17 -(و آسمان را از (دستبرد و دسترس) هر اهريمن ملعون و مطرودي محفوظ و مصون داشته ايم).

ﮋ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮊ .[غافر: ٤٤ - ٤٥].

45-44 -به زودي آنچه من به شما مي گويم به خاطر خواهيد آورد (و به صدق گفتار من پي خواهيد برد) من كار و بار خود را به خدا وامي گذارم و حوالت مي دارم. خداوند بندگان را مي بيند (و پندار و گفتار و كردارشان را مي پايد). خداوند (چنين بنده ي مومني را تنها نگذاشت و) او را از سوء توطئه ها و نيرنگهاي ايشان محفوظ و مصون داشت ولي عذاب بدي خاندان فرعون را در بر گرفت.

ﮋ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ .[الانفطار: ١٠ – ١٢].

12-10 -بدون شك نگاهباناني بر شما گمارده شده اند. نگاهباناني كه (در پيشگاه پروردگار مقرب و) محترم هستند و پيوسته (اعمال شما را) مي نويسند. مي دانند هر كاري را كه مي كنند.

ﮋ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﮊ .[الطارق: ٤ ].

4 -كسي وجود ندار مگر انيكه بر او نگهباني است (كه او را مي پايد و كردار و گفتارش را ثبت و ضبط و حفظ مي نمايد).

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﮊ .[الكافرون: ١ - ٦].

-1بگو: اي كافران!

-2آنچه را كه شما (به جز خدا) مي پرستيد، من نمي پرستم.

-3و شما نيز نمي پرستيد آنچه را كه من مي پرستم.

-4همچنين نه من به گونه ي شما پرستش را انجام مي دهم .

-5و نه شما بگونه ي من پرستش را انجام مي دهيد.

-6آيين خودتان براي خودتان و آيين خودم براي خودم!

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﮊ .[الإخلاص: ١ - ٤].

-1بگو: خدا، يگانه ي يكتاست.

-2خدا، سرور والاي برآورنده ي اميدها و برطرف كننده ي نيازمنديها است.

-3نزاده است و زاده نشده است.

-4و كسي همتا و همگون او نمي باشد.

1. ﮋ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮊ .[الفلق: ١ - ٥].
2. بگو: پناه مي برم به خداوندگار سپيده دم.
3. از شر هر آنچه خداوند آفريده است.
4. و از هر شب بدانگاه كه كاملاً فرا مي رسد (و جهان را به زير تاريكي خود مي گيرد).
5. و از شر كساني كه در گره هاي مي دمند (و با نيرنگ سازي و حقه بازيِ خود، اراده ها، ايمان ها، عقيده ها، محبتها و پيوندها را سست مي نمايند و فساد و تباهي مي كنند).
6. و از شر حسود بدانگاه كه حسد مي ورزد.

ﮋ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮊ .[الناس: ١ - ٦].

بگو پناه مي برم به پروردگار مردمان.

1. به مالك و حاكم (واقعي) مردمان.
2. به معبود (به حق) مردمان.
3. از شر وسوسه گري كه واپس مي رود (اگر براي چيره شدن بر او، از خدا كمك بخواهي و خويشتن را در پناهش داري).
4. وسوسه گري كه در سينه هاي مردمان به وسوسه مي پردازد (و ايشان را به سوي زشتي و ... مي خواند).
5. (در سينه هاي مردماني) از جنيها و انسانها.

**ادعيه و تعويذ (متوسط)[[67]](#footnote-67) از احاديث نبوي**

1- (ألّلهُمً إنِّي أسألُكَ بِأنَّ لَكَ الحَمدَ لا إله الّا أنت، الحنّانُ، بيدع السَّمواتِ وَ الارْضِ، ذَالجَلالِ وَ الاكرامِ، يَا حيُّ يا قَيُّومُ).[[68]](#footnote-68)

«بار خدايا! (تنها) خواسته هايم را نزد تو مطرح مي كنم، چرا كه حمد و ستايش را تنها تو سزايي و جز تو خدايي وجود ندارد. تو آن بخشاينده اي هستي كه آسمان و زمين را پديد آورده اي (و همانا) تو صاحب عظمت و بزرگي هستي اي زنده ي پاينده!»

2- (ألّلهُمً إنِّي أسألُكَ إنِّي أشهَدُ أنَّكَ أنتَ اللهُ الَّذي لا إله إلا أنتَ، الاَحَدُ الصَّمَدُ، الّذي لَم يَلِدْ وَ لَمْ يولَدْ و لَمْ يَكُنْ لَهُ كفواً أحَدٌ).[[69]](#footnote-69)

«بار خدايا! (تنها) خواسته هايم را نزد تو مطرح مي كنم. همانا گواهي مي دهم كه بي ترديد تو آن ذاتي هستي كه (معبودي) جز تو وجود ندارد. تو يگانه ي برآورنده ي اميدها و برطرف كننده ي نيازمنديها هستي كه نزاده اي و زاده نشده اي و همتا و همگوني (نيز) نداري».

3- (ألّلهُمً إنا نسألكَ مِنْ خَير مَا سَألَكَ مِنهُ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ صَلي الله عَلَيه وَ سَلَم، وَ نعوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ما إستَعاذَ مِنهُ نَبِيَّكَ مُحَمَدٌ صَلي الله عَلَيه وَ سَلم وَ أنت المستعانُ و عَلَيكَ البَلاغُ و لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةً الا بِاللهِ). [[70]](#footnote-70)

«بار الهي! هر آنچه از خير را كه نبي (بزرگوارت) محمد (ص) از حضرتت مطالبه كرده را از تو مسالت مي داريم و از آنچه كه نبي تو محمد (مصطفي) از شر آن به تو پناه آورده، به درگاه تو پناه مي جوييم و (بي شك) توذاتي مددگار هستي (كه انسانها از تو مدد مي خواهند)».

4- (ألّلهُمً إنِّي أعوذُ برضاكَ مِنْ سَخَطِكَ و (أعوُذ) بمعافاتك من عقوبتك و اعوذ بكَ منكَ، لا أُحصِي ثناءً عَلَيكَ، أنْتَ كَمَا اثنيتَ عَلي نَفْسِكَ). [[71]](#footnote-71)

«خداوندگارا! از خشم و غضبت به رضا (و خشنود) به تو پناه مي برم و از عذاب تو به بخشش (و رحمت لايتناهي) به تو پناهنده مي شوم. (الهي) از (ترس) تو به تو پناه مي برم. (چرا كه اين حقير) نتوانم ثناي تو را آنگونه كه شايسته ي توست بازگو كنم و (راستي كه) تو آنگونه هستي كه خود (توصيف و) ثناي خويش گفته اي».

5- (لاإله إلااللهُ العَظيمُ الحَليمُ، لاإلهَ إلااللهُ ربُّ العرشِ العظيمِ، لاإلهَ إلااللهُ ربُ السموات وربُّ الارضِ وَربُّ العَرْضِ الكَريم). [[72]](#footnote-72)

«هيچ معبودي جز خداوند بزرگ و بردبار وجود ندارد. هيچ معبودي جز خداوند كه پروردگار عرش عظيم است وجود ندارد. هيچ معبودي جز خداوند كه پروردگار آسمان و زمين و پروردگار عرش باعظمت و بزرگ است وجود ندارد».

6- (ألّلهُمً رَحْمَتكَ أَرجُوا، فَلا تكِلنِي إلي نَفْسِي طرفَةَ عَينٍ و أصْلِحْ لِيْ شأنِي كُلَّهُ، لا إله الا أنْتَ). [[73]](#footnote-73)

«خداوندا! رحمتت را از تو مطالبه مي كنم (و از تو مي خواهم) لحظه اي مرا به خودم واگذار نكني و (تمام) حوائج و دشواريهاي كارم را سامان بخشي. (بي ترديد) جز تو معبودي وجود ندارد.»

7- (أعُوذُ باللهِ السَّمِيْعِ العَلِيْمِ مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ، من همزه و نفخه). [[74]](#footnote-74)

«پناه مي برم به خداوندگار شنواي دانا از (شر) شيطان رانده شده و از (شر) وساوس و كبر و شعر (و سحر و ساحري) او». [[75]](#footnote-75)

8- (بِسْمِ اللهِ أرقيِكَ، مِن كُلِّ شيٍ يُوذيكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أو عَينِ حَاسِدٍ، اللهُ يَشْفِيكَ، بِسم اللهِ أرقيكَ). [[76]](#footnote-76)

«به نام خداوند آنچه (از ارواح پليد و غيره كه) موجبات اذيت و آزار تو (بيمار) را فراهم مي كنند از تو دور مي سازم و از گزند هر نفس (سركش) يا چشم زخم حسودي مي رهانمت. (بي ترديد) اين خداست كه تو را شفا مي دهد و من (تنها) با نام و ياد او به مداوايت مي پردازم».

9- (بسم الله الذِي لا يَضُرُّ مَعَ إسمِه شيٌ في الارْضِ و لا في السماءِ وَ هو السَّميعُ العليم). [[77]](#footnote-77)

«به نام خداوندگاري كه هيچ چيز را در زمين و آسمان ياراي ضرر رسانيدن به گوينده ي نام او (كه نام مباركش ورد خويش ساخته و كارهايش را با نام او آغاز مي كند) نيست و او شنواي داناست». اين دعا بايستي سه مرتبه تكرار شود.

10- (بِسْمِ اللهِ يُبريِكَ و مِنْ كُلِّ دَاءٍ يَشْفِيكَ و مِنْ شَرِّّ حَاسِدٍ إذا حَسَدَ و شَرِّ كُلِّ ذي عَينٍ). [[78]](#footnote-78)

«با نام و ياد خداوند از او مي خواهم كه تو را (از آنچه بدان مبتلايي) رهايي بخشد و از هر درد و بلايي شفا داده از شر هر حسود آنگاه كه حسد ورزد و شر هر چشم زخم زننده اي در امان بدارد».

11- (بسم الله (ثلاثا)، أعوذ بِاللهِ و قُدْرَتَه، مِنْ شَرِّ ما اَجِدُ و اُحاذرُ).[[79]](#footnote-79) (سبع مرات)

«به نام خداوند، پناه مي برم به خدا و قدرت (لا يزالش) از گزند آنچه (هم اكنون) با آن مواجه هستم و آنچه ترس دارم (بدان مبتلا گردم». (در اين تعويذ بايد سه بار (بسم الله) و هفت بار باقي تعويذ تكرار گردد).

12- (بسم اللهِ الكَبِير، أَعُوذُ بِاللهِ العَظِيْمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرقٍ نَعّارٍ[[80]](#footnote-80) و مِنْ شَرِّ حَرِّ النّارِ). [[81]](#footnote-81)

«به نام (و ياد) خداوند بلند مرتبه، از شر فوران خون (كه چون شدت يابد موجب هلاك شود) و شر حرارت (و تب) به ذات عظيم او پناه مي برم».

13- (أذْهِبِ البأسَ، ربَّ الناسِ، وَ اشْفِ أنتَ الشَّافِي، لا شفاءَ إلا شِفاوك، شفاء لا يغادر سقماً).[[82]](#footnote-82)

«اي پروردگار انسانها! (هرگونه) زيان و ترس را زايل كن و شفا (ي عاجل) عنايت فرما كه همانا تو (تنها) شفا دهنده هستي و جز شفاي تو كه تمامي بيماريها را در مان مي بخشد شفايي وجود ندارد».

14- (ألّلهُمَ أشفِ عبدَكَ و صَدَّقَ رَسُولَكَ ()). [[83]](#footnote-83)

«بار خدايا! (اين) بنده ي خويش را شفا (و عافيت) عنايت كن و رسول گرامي خود تصديق (و باور) فرما».

15- (ألّلهُمَ اشفِ عبدَكَ ينكا[[84]](#footnote-84) لكَ عَدُوّاً و يَمشي لَكَ إلي الصلا‌ة).[[85]](#footnote-85)

«بار خدايا! بنده ي خويش كه براي رضاي تو (به ميدان نبرد مي رود تا) دمار از روزگار دشمنت برآورد و صرفاً براي جلب رضايت تو به سوي نماز مي شتابد را شفاي (كامل) عنايت فرما».

16- (ألّلهُمَ بارِكْ عَلَيْهِ وَ أذْهِبْ عَنْهُ حَرَّ العَينِ وَ بَردَها وَ وصَبَها). [[86]](#footnote-86)

«بار خدايا به وي بركت عنايت كن و حرارت (تب) و سرد شدن بدن و همچنين سستي و كسالت حاصل از چشم زخم را از وي زايل كن».

17- (رَبنا الله الذي في السماء، تَقَدَّس َاسمُكَ، أمرُك في السماء و الارضِ، كما رحمتك في السماء فَاجْعَلْ رَحْمَتِكَ فِي الارضِ، إغفرلنا حُوبَنا و خطايانا، أنْتَ رَبُّ الطيبينَ، أنْزِلْ رحمةً من رَحْمَتِكَ و شفاءً من شِفائِكَ عَلي هَذَا الوَجَع، فَيْبرَأ).[[87]](#footnote-87) (ثلاث مرات)

«پروردگارا! اي خدايي كه در آسمان ماوي گرفته اي. نام تو پاك و مقدس است و فرمان تو آسمان و زمين را احاطه كرده (و همه مخلوقات تحت سيطره و فرمان تواند). (خداوندا!) از تو مي خواهيم كه همانگونه كه (درياي) رحمتت را در آسمان (بر اهل آن) ارزاني داشته اي همچنان (اهل) زمين را نيز از آن برخوردار نمايي و از گناهان و لغزشهاي ما درگذري، همانا تو پروردگار پاكان هستي. (پس) گوشه اي از (درياي) رحمت و شفاي خويش را بر اين بيمار دردمند سرازير كن تا از اين دردمندي رهايي يابد. (اين دعا بايد سه مرتبه خوانده شود».

18- (أعُوذُ بِكَلِماتِ الله ِالتّامَّةِ مِنْ كُلّ شيطانٍ و هامَّةٍ و َمِنْ كُلِّ عَينٍ لامَّةٍ). [[88]](#footnote-88)

«پناه مي برم به كلمات تامه ي الهي از گزند شيطان و هر جنبنده ي مضر (و زيانبخش) و هر (كسي كه داراي) چشم بد (چشم زخم زننده باشد».[[89]](#footnote-89)

19- (أعُوذُ بِكَلِماتِ الِله التَّامّات مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْ). [[90]](#footnote-90)

(از گزند مخلوقات خداوند به كلمات تامه ي او پناه مي برم).

20- (أعوذُ بوجه الله ِالكريم و بكلماتِ اللهِ التَّامّات اللاتي لا يجاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لا فاجِرٌ مِنْ شَرِّ ما ينزِلُ مِنْ السَّماءِ و شَرِّ ما يعرج فيها و شَرِّ ما ذَرا فِي الارضِ و شَرِّ ما يَخْرُجُ مِنْها، و مِنْ فِتَنِ الليلِ وَ النّهَارِ وَ مِنْ طَوَارِقِ الليلِ و النّهَار إلا طَارقاً يَطرُقُ بِخَيْرٍ يَا رَحْمنُ).[[91]](#footnote-91)

«پناه مي برم به ذات كريم الهي و به كلمات تامه ي او كه هيچ كس چه فاجر و چه نيكوكار از آن مستغني نيست از شر هر آنچه (از زيان و ضرر) كه از آسمان فرود آيد يا بدان عروج نمايد. و (همچنين) از شر آنچه كه در زمين خلق شده و شر آنچه از آن برايد و از شر فتنه ها و حوادث ناخوشايندي كه در شب و روز حادث مي شود به ذات خداوند و كلمات تامه ي او پناه مي برم. اي خداوند رحمان! (من را ياري كن)».

21- (بِسم اللهِ، أعُوذُ بِكَلِماتِ اللهِ التّامَّةَ مِنْ غَضَبَه و عِقابِه، و شَرِّ عِبادِهِ و من هَمَزاتِ الشياطِيْنِ وَ أنْ يَحضُرُونِ). [[92]](#footnote-92)

«با نام و ياد خداوند، از خشم و عذاب خداوندي و از شر بندگان وي و از شر وساوس و اغواگري هاي شياطين و از اينكه با آنان (شياطين) مواجه شوم به كلمات تامه ي الهي پناه مي برم».

22- (أسْأَلُ الله َالعَظِيْمَ رَبَّ العَرْشِ العَظِيمِ أنْ يَشْفِيَكَ).[[93]](#footnote-93) (سبع مرات)

«از خداوند بزرگ كه پروردگار عرش عظيم است مي خواهم كه تو (بيمار) را شفا دهد». (اين دعا بايستي هفت مرتبه تكرار شود).

23- (حَسْبِيَ الله ُلا لله إلا هُوَ عَلَيهِ تَوَكَّلتُ و هُوَ ربُّ العَرشِ العَظيمِ).[[94]](#footnote-94) (سبع مرات)

«خداوندي كه هيچ معبودي جز او نيست مرا بسنده است. بر او توكل مي كنم كه او پروردگار عرش عظيم است». (اين دعا بايد هفت مرتبه خوانده شود).

24- (يا ذَاالجَلالِ وَ الاكرام، يا حَيُّ يا قَيُّومُ، بِرَحْمَتِكَ أسْتَغِيثُ).[[95]](#footnote-95)

«اي صاحب بزرگي و كرامت، اي زنده ي پاينده، به رحمت (بي پايان) توْ استغاثه مي كنم (و از تو مي خواهم من را ياري كني)».

25- (ألّلهُمَ إني أعُوذُ بِوجهِكَ الكَريم وَ كَلَمِاتِكَ التّامه مِنْ شَرِّ مَا أنتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتهِ، ألّلهُمَّ أنْتَ تكشِفُ المَغْرَمَ وَ المأثَمَ، ألّلهُمَّ لا يُهزَمُ جُنْدٌكَ وَ لا يُخْلَفُ وَعْدَكَ، وَ لا يَنفَعُ ذالجَدِّ مِنكَ الجَدُّ، سُبْحانَكَ و بحَمْدِكَ).[[96]](#footnote-96)

«بار خدايا! از شر هر آنچه كه تحت تو قرار دارد به ذات كريم و كلمات تامه ي تو پناه مي جويم. خداوندگارا! اين تو هستي كه ديون و بدي هاي بدهكاران را زايل مي كني (و با استعانت آنها مددشان مي كني) و گناهان گنهكاران را قلم عفو مي كشي! خداوندا! نيرو (و سپاه) تو شكست ناپذير است و تو هيچگاه خلف وعده نمي كني. (بي ترديد) دارايي (و قدرت) هيچكس وي را از تو مستغني نمي سازد (و) تو پاك و منزهي و ستايش تو را سزاست».

26- (ألّلهُمَ إني عَبدُكَ وَ ابنُ عبدِكَ و ابنُ أمَتِكَ، ناصِيَتي بِيَدِكَ مَاضٍ فِيَّ حُكْمُكَ عَدْلٌ فِيَّ قَضَاؤكَ، أسْألُكَ بِكُلِّ إسمٍ هُوَ لَكَ، سَمَّيتَ بِه نَفْسَكَ أو عَلَّمْتَهُ أحَداً مِنْ خُلْقِكَ، أو أنْزَلْتَهُ فِي كِتابِكَ أوِ استأثَرتَ بِه فِي عِلْمٍ الغيبِ عِندَكَ، أن تَجْعَلَ القرآنَ رَبيعَ قَلْبِي و نورَ صَدْرِي و جَلاءَ حُزنِي وَ ذَهَابَ هَمِّي).[[97]](#footnote-97)

«بار خدايا! من و پدر و مادرم نيز بنده ي توايم، سرنوشتم بدست توست و هرآنچه در مورد من حكم كرده اي قطعي است (و تحقيق خواهد يافت) و قضاوت و داوري تو در مورد من مبتني بر عدل (و انصاف) است. (بار خدايا!) با تمام اسماي (حسناي) تو و آنچه خود خويش را بدان مسمي نموده اي و آنچه از اسماء كه (بطور خصوص) به بنده اي از بندگان خود آموخته اي و اسماي (مباركي) كه در كتاب (جاويد) خويش ذكر نموده يا به عنوان راز آن را جزو علم غيب خويش قرار داده اي (اسم غيب) تو را مي خوانم و از تو مي خواهم كه قرآن را بهار دل و نور سينه ام قرار دهي و حزن و اندوه را از من بزدايي».

27- (ألّلهُمَ إني أسْألْكَ العَافِيةَ فِي الدُّنيا وَ الاخِرَةِ، ألّلهُمَ إني أسْألْكَ العَفْوَ و العَافِيةَ فِي دِيني و دُنيايَ، وَ أهْلِيْ وَ مَالِي، ألّلهُمَّ اسْتُر عَورابي و آمِنْ رَوْعَاتِي، ألّلهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيِنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَن يَمينِي وَ عَنْ شِمَاليِ وَ مِنَ فَوقِي وَ أعُوذُ بِعَظِمَتِكَ أن اُغتالَ مِنْ تَحْتِي). [[98]](#footnote-98)

«بار خدايا! در دنيا و آخرت عافيت را نصيبم كن، خداوندگارا! از تو عفو (لذت) و عافيت را در مورد (امور) دين ودنيا و اهل و مالم مسالت مي دارم، خدايا! عيوبم بپوشان و آرامش نصيبم كن. خدايا من (بطور كامل) از جلو و عقب و راست و چپ و از بالا و پايين (از گزند حوادث) حفاظت كن و از اينكه به بلايي ناگهاني مبتلا شوم (خسف شوم) به عظمت تو پناه مي برم».

28- (ألّلهُمَّ عافِنِي فِي بَدَنِي، ألّلهُمَّ عافِنِي فِي سَمْعِي، ألّلهُمَّ عافِنِي فِي بَصَرِي، لا إله إلا أنْتَ).[[99]](#footnote-99) (ثلاث مرات)

(خداوندا! در بدن و شنوايي و بينائي ام عافيت و سلامتي عنايت كن (كه) جز تو معبودي وجود ندارد. (اين دعا سه مرتبه بايد خوانده شود).

29- (ألّلهُمَّ آت نَفْسِيْ تَقْواهَا وَ زَكِّها أنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكّاها، أنْتَ وَلِيُّها وَ مَولاها، ألّلهُمَّ إنِّي أعُوذُبِكَ مِن عِلْمٍ لا يَنْفَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لا يَخْشَعُ وَ مِنْ نَفْسٍ لا تَشبَعُ وَ مِنْ دَعوَةٍ لا يُستَجَابُ لَها). [[100]](#footnote-100)

«بار خدايا! تو مولا و سرپرست نفس مني پس نفسم را از گناهان بيالاي و تقوا بدان عنايت كن (كه) تو بهترين تزكيه كنندگاني، خداوندا! از هر علمي كه نافع نباشد و از هر قلبي كه (در مقابل تو) فروتن و خاشع نباشد و از هر نفس سيري ناپذير (حريص) و هر دعايي كه قابليت اجابت (در درگاه تو را) نداشته باشد به تو پناه مي برم».

30- (ألّلهُمَّ بَرِّدْ قَلْبِي بِالثَلْجِ وَ البَرَدِ وَ الماءِ البارِدِ، ألّلهُمَّ نَقِّ قَلْبِي مِنَ الخَطايا كما نَقَيتَ الثَوبَ الابَيضَ مِنَ الدَّنَسِ). [[101]](#footnote-101)

«خداوندا! دلم با برف و تگرگ و آب سردخنك گردان، بار خدايا قلبم را آنچنان كه پارچه ي سفيد را از آلودگي تطهير نموده اي پاك و مطهر گردان».

31- (ألّلهُمَّ صَليِّ عَلي مُحَمدٍ وَ عَلي آلِ مُحَمدٍ كَما صَليتَ عَليإبراهِيمَ وَ عَلي آل إبراهيمَ إنكَ حَميدٌ مَجِيدٌ، ألّلهُمَّ بارِكْ عَلي مُحَمَدٍ وَ عَلي آلِ مُحَمدٍ كَما بارِكتَ عَلي إبراهيمِ وَ عَلي آل إبراهيم إنك حَميدٌ مَجيدٌ). [[102]](#footnote-102)

«بار خدايا! بر محمد و آل محمد درود فرست آنگونه كه بر ابراهيم و آل او درود فرستادي. همانا تو (خداوندگار) ستوده و عالي مرتبه هستي، بارخدايا! محمد و آل محمد را بزرگي و كرامت عنايت كن آنگونه كه (در ميان جهانيان) ابراهيم و آل ابراهيم را (بركت و بزرگي) عنايت فرمودي. همانا تو (پروردگار) ستوده و عالي مقام هستي».

فصلسوم

تعويذ طولاني (مفصل)

تعويذ طولاني از قرآن

تعويذهاي طولاني از قرآن مجيدعبارتند از:

1. ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﮊ .[الفاتحة: ١ - ٧ ].
2. به نام خداوند بخشنده ي مهربان.
3. ستايش خداوندي را سزاست كه پروردگار جهانيان است.
4. بخشنده و مهربان است.
5. مالك روز سزا و جزاست.
6. تنها تو را مي پرستيم و تنها از تو ياري مي طلبيم.
7. ما را به راه راست راهنمايي فرما.
8. راه كساني كه نعمت داده اي نه راه آنان كه برايشان خشم گرفته اي، و نه راه گمراهان.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢﭣ ﭤ ﭥ ﭦﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﮊ .[البقرة: ١ - ٧].

1. الف. لام. ميم.
2. اين كتابي است كه هيچ گماني در آن نيست و راهنماي پرهيزگاران است.
3. آن كساني كه به دنياي ناديده باور مي دارند، و نماز را به گونه ي شايسته مي خوانند، و از آنچه بهره آنان ساخته ايم مي بخشند.
4. و آن كساني كه باور مي دارند به آنچه بر تو نازل گشته و به آنچه پيش از تو فرو آمده، و به روز رستاخيز اطمينان دارند.
5. اين چنين كساني، هدايت و رهنمود خداي خويش را دريافت كرده و حتماً رستگارند.
6. بيگمان كفر پيشگان برايشان يكسان است چه آنان را بيم دهي و چه بيم ندهي، ايمان نمي آورند.
7. خداوند دلها و گوشهايشان را مهر زده است، و بر چشمانشان پرده اي است، و عذاب بزرگي در انتظارشان است.

ﮋ ﯖ ﯗ ﯘﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﮊ .[البقرة: ١١٧].

117- هستي بخش آسمانها و زمين، او است. و هنگامي كه فرمان وجود چيزي را صادر كند، تنها بدو مي گويد: باش! بس مي شود.

ﮋ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑﮒ ﮓ ﮔﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮊ .[البقرة: ١٣٧ - ١٣٨].

137- اگر آنان ايمان بياورند، همچنان كه شما ايمان آورده ايد، و بدان چيزهاي كه شما ايمان داريد، ايشان نيز ايمان داشته باشند، بي گمان (به راه درست خدايي) رهنمود گشته اند، و اگر پشت كنند (و از حقيقت سرپيچي نمايند و دوباره به رسوم و آداب موروثي چنگ زنند) پس راه اختلاف و دشمنانگي را (با شما) در پيش گرفته اند، و خدا تو را بسنده خواهد بود و او تو را از (اذيت و آزار و نيرنگ و دسيسه هاي) ايشان نجات خواهد داد، و او شنوا و بينا است (و گفتار ايشان را مي شنود و كردار آنان را مي بيند).

138- (خداوند ما را با آئين توحيدي و ايمان راستين زينت داده است و) اين رنگ و زينت خداست و چه كسي از خدا (مي تواند) زيباتر بيارايد و بپيرايد؟ و ما تنها او را مي پرستيم.

ﮋ ﯽ ﯾ ﯿﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﮊ .[البقرة: ١٦٣ - ١٦٤].

163- خداوند شما، خداوند يكتا و يگانه است و هيچ خدايي جز او كه رحمان و رحيم است وجود ندارد.

164- مسلماً در آفرينش آسمانها و زمين و آمد و شد شب و روز (و اختلاف آن دو در درازي و كوتاهي و منافع بيشمار آنها) و كشتيهايي كه به سود مردم در درياها در حركتند (و برابر قانون وزن مخصوص اجسام و سرشت آب و باد و بخار و برق، و غيره كه از ساخته هاي پروردگارند در جريانند) و آبي كه خداوند از آسمان نازل كرده (كه برابر قوانين منظمي بخارها به ابرها تبديل و بر پشت بادها به جاهايي كه خدا خواسته باشد رهسپار مي گردند و پس از تلقيح، بصورت برف و تگرگ و باران مجدداً بر زمين فرو مي ريزند) و با آن زمين را پس از مرگش زنده ساخته و انواع جنبندگان را در آن گسترده، و در تغيير مسير بادها و ابرهايي كه در ميان آسمان و زمين معلق مي باشند (و برابر قوانين و ضوابط ويژه اي در پهنه فضا پراكنده نمي گردند و هدر نمي روند)، بي گمان نشانه هايي (براي پي بردن به ذات پاك پروردگار و يگانگي خداوندگار) است براي مردمي كه تعقل ورزند.

ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵﯶ ﯷ ﯸ ﯹﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﰔ ﰕﰖ ﰗ ﰘ ﰙ ﰚ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣﭤ ﭥ ﭦ ﭧﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﮊ .[البقرة: ٢٥٤ - ٢٥٧].

254- اي كساني كه ايمان آورده ايد! (برخي) از آنچه بهره شما كرده ايم (در راه خدا) صرف كنيد، پيش از آنكه روزي فرا رسد كه در آن نه داد و ستدي و نه دوستي و رفاقتي و نه ميانجيگري و شفاعتي است، و كافران ستمگرند (و به خود و جامعه خود ظلم مي كنند و نتيجه ظلم آنان در آن روز ظاهر خواهد شد).

255- خدايي به جز الله وجود ندارد و او زنده ي پايدار (و جهان هستي را) نگهدار است. او را نه چرتي و نه خوابي فرا نمي گيرد (و همواره بيدار است و سستي و رخوت بدو راه ندارد). از آن اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است (و در ملك كائنات، او را انبازي نيست). كيست آنكه در پيشگاه او ميانجيگري كند مگر با اجازه او؟ مي داند آنچه را كه در پيش روي مردمان است و آنچه را در پشت سر آنان است (و مطلع بر گذشته و حال و آينده، و آگاه بر بود و نبود جهان است و اصلاً همه زمانها و مكانها در پيشگاه علم او يكسان است. مردمان) چيزي از علم او را فراچنگ نمي آورند جز آن مقداري را كه وي بخواهد. (علم و دانش محدود ديگران، پرتوي از علم بي پايان و بي كران او است). فرماندهي و فرمانروايي او آسمانها و زمين را در برگرفته است. و نگاهداري آن دو (براي او گران نيست و) وي را درمانده نمي سازد و او بلندمرتبه و سترگ است.

256- اجبار و اكراهي در (قبول) دين نيست، چرا كه هدايت و كمال از گمراهي و ضلال مشخص شده است، بنابراين كسي كه از طاغوت (شيطان و بتها و معبودهاي پوشالي و هر موجودي كه بر عقل بشورد و آن را از حق منصرف كند) نافرماني كند و به خدا ايمان بياورد، به محكم ترين دستاويز درآويخته است (و او را از سقوط و هلاكت مي رهاند و) اصلاً گسستن ندارد. و خداوند شنوا و دانا است (و سخنان پنهان و آشكار مردمان را مي شنود و از كردار كوچك و بزرگ همگان آگاهي دارد).

257- خداوند متولي و عهده دار (امور) كساني است كه ايمان آورده اند. ايشان را از تاريكي هاي (زمخت گمراهي شك و حيرت) بيرون مي آورد و به سوي نور (حق و اطمينان) رهنمون مي شود. و (اما) كساني كه كفر ورزيده اند، طاغوت (شياطين و داعيان شر و ضلال) متولي و سرپرست ايشانند. آنان را از نور (ايمان و فطرت پاك) بيرون آورده و به سوي تاريكي هاي (زمخت كفر و فساد) مي كشانند. اينان اهل آتشند و در آنجا جاويدان مي مانند.

ﮋ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛﮜ ﮝ ﮞﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﮊ .[البقرة: ٢٨٤ - ٢٨٦].

284- آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است، از آن خداست، و (لذا) اگر آنچه را كه در دل داريد آشكار سازيد يا پنهان داريد، خداوند شما را طبق آن محاسبه مي كند، سپس هر كه را بخواهد (و شايستگي داشته باشد) مي بخشد و هر كه را بخواهد (و مستحق باشد) عذاب مي كند، و خدا بر هر چيزي توانا است.

285- فرستاده (خدا، محمد) معتقد است بدانچه از سوي پروردگارش بر او نازل شده است (و شكي در رسالت آسماني خود ندارد) و مومنان (نيز) بدان باور دارند. همگي به خدا و فرشتگان او و كتابهاي وي و پيغمبرانش ايمان داشته (و مي گويند:) ميان هيچ يك از پيغمبران او فرق نمي گذاريم (و سرچشمه رسالت ايشان را يكي مي دانيم). و مي گويند: (اوامر و نواهي رباني را توسط محمد) شنيديم و اطاعت كرديم. پروردگارا! آمرزش تو را خواهانيم. و بازگشت بسوي تو است.

286- خداوند به هيچ كس جز به اندازه توانايي اش تكليف نمي كند (و هيچگاه بالاتر از ميزان قدرت شخص از او وظائف و تكاليف نمي خواهد. انسان) هر كار (نيكي كه) انجام دهد براي خود انجام داده و هر كار (بدي كه) بكند به زيان خود كرده است. پروردگارا! اگر ما فراموش كرديم يا به خطا رفتيم، ما را (بدان) مگير (و مورد مواخذه و پرس و جو قرار مده)، پروردگارا! بار سنگين (تكاليف دشوار) را بر (دوش) ما مگذار آنچنانكه (بخاطر گناه و طغيان) بر (دوش) كساني كه پيش از ما بودند گذاشتي. پروردگارا! آنچه را كه ياراي آن را نداريم بر ما بار مكن (و ما را به بلاها و محنتها گرفتار مساز) و از ما درگذر (و قلم عفو بر گناهانمان كش) و ما را ببخشاي و به ما رحم فرماي. تو ياور و سرور مائي، پس ما را بر جمعيت كافران پيروز گردان.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﮊ .[آل عمران: ١ - ١٠].

- 1الف. لام. ميم.

-2جز خدا، خدايي نيست و او زنده (به خود) و متصرف (در كار و بار جهان) است.

-3همان كسي كه كتاب قرآن را بر تو نازل كرده است كه مشتمل بر حق است و متضمن اصول رسالتهاي آسماني پيشين، و تصديق كننده ي كتابهايي است كه قبل از آن (براي پيغمبران فرستاده شده اند و) بوده اند. و خداوند پيش از آن، تورات را (براي موسي) و انجيل را (براي عيسي) نازل كرده است.

-4پي از (قرآن تورات و انجيل را نازل كرده است) جهت رهنمود مردمان، و (چون منحرف گشتند، قرآن يعني) جدا سازنده ي (حق از باطل) را فرو فرستاده است. بيگمان كساني كه نسبت به آيات خدا كفر ورزند، عذاب سختي دارند و خداوند توانا و انتقام گيرنده است.

-5شكي نيست كه هيچ چيز نه در زمين و نه در آسمان بر خدا پنهان نمي ماند.

-6او است كه شما را در رحمهاي (مادران) هر آنگونه كه بخواهد شكل مي بخشد (و بصورتهاي مختلف مي آفريند). جز او خدايي نيست (و همو) عزيز و حكيم است.

-7او است كه كتاب (قرآن) را بر تو نازل كرده است. بخشي از آن، آيه هاي (متشابهات) است، (و معاني دقيقي دارند و احتمالات مختلفي در آنها مي رود). و اما كساني كه در دلهايشان كژي است (و گريز از حق، زواياي وجودشان را فرا گرفته است) براي فتنه انگيزي و تاويل (نادرست) به دنبال متشابهات مي افتند. در حالي كه تاويل (درست) آنها را جز خدا و كساني نمي دانند كه راسخان (و ثابت قدمان) در دانش هستند. (اين چنين وارستگان و فرزانگاني) مي گويند: ما به همه آنها ايمان داريم (و در پرتو دانش مي دانيم كه محكمات و متشابهات) همه از سوي خداي ما است. و (اين را) جز صاحبان عقل (سليمي كه از هوي و هوس فرمان نمي برند، نمي دانند و) متذكر نمي شوند.

-8(چنين فرزانگان خردمندي مي گويند:) پروردگارا! دلهاي ما را (از راه حق) منحرف مگردان بعد از آنكه ما را (حلاوت هدايت چشانده و به سوي حقيقت) رهنمود نموده اي، و از جانب خود رحمتي به ما عطا كن بيگمان بخشايشگر تويي تو.

-9پروردگارا! تو مردمان را در روزي كه ترديدي در آن نيست جمع خواهي كرد (تا همگان را در برابر كارشان پاداش دهي و بدين امر وعده داده اي و) بيگمان خدا خلاف وعده نمي كند.

10 -(در چنين روزي) بهيچوجه اموال و اولاد كافران آنان را نمي تواند از (عذاب) خدا نجات دهد (و مايه ي رهايي ايشان از عذاب خدا گردد) و ايشان افروزنيد آتش (دوزخ) هستند.

ﮋ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﮊ .[آل عمران: ١٨ - ٢٠].

18- خداوند (با نشان دادن جهان هستي بگونه يك واحد بهم پيوسته و يك نظام يگانه و ناگسسته، عملاً) گواهي مي دهد اينكه معبودي جز او نيست، و اينكه او (در كارهاي آفريدگان خود) دادگري مي كند، و فرشتگان و صاحبان دانش (هر يك بگونه اي در اين باره) گواهي مي دهند. جز او معبودي نيست كه هم توانا است و هم حكيم.

19- بيگمان دين (حق و پسنديده) در پيشگاه خدا اسلام (يعني خالصانه تسليم فرمان الله شدن) است (و اين، آئين همه پيغمبران بوده است) و اهل كتاب (در آن) به اختلاف برنخاستند مگر بعد از آگاهي (برحقيقت و صحت آن؛ اين كار هم) بسبب ستمگري و سركشي ميان خودشان بود (و انگيزه اي جز رياست خواهي و انحصارطلبي نداشت). و كسي كه به آيات خدا (اعم از آيات ديني در آفاق و انفس، يا آيات خواندني در كتابهاي آسماني پشت كند و) كفر ورزد (بداند كه) بيگمان خدا زود حسابرسي مي كند.

20- پس اگر با تو به ستيز پرداختند، بگو من و كساني كه از من پيروي نموده اند، خويشتن را تسليم خدا كرده ايم و رو بدو نموده ايم. و بگو به اهل كتاب (يعني يهوديان و مسيحيان) و به بيسوادان (يعني مشركان عرب): آيا شما تسليم شده ايد؟ اگر تسليم شوند، بيگمان هدايت يافته اند (و راه را از چاه باز شناخته اند) و اگر سرپيچي كنند (نگران مباش؛ زيرا) بر تو ابلاغ (رسالت) است و بس، و خدا بينا به (اعمال و عقائد) بندگان است.

ﮋ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘﮙ ﮚ ﮛﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢﮊ .[آل عمران: ٢٦].

26- بگو: پروردگارا! اي همه چيز از آن تو! تو هر كه را بخواهي حكومت و دارايي مي بخشي و از هر كه بخواهي حكومت و دارايي را بازپس مي گيري، و هر كس را بخواهي عزت و قدرت مي دهي و هر كس را بخواهي خوار مي داري، خوبي در دست تو است و بيگمان تو بر هر چيز توانايي.

ﮋ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﮊ .[آل عمران: ٨٥].

85- و كسي كه غير از (آئين و شريعت) اسلام، آئيني برگزيند، از او پذيرفته نمي شود، و او در آخرت از زمره ي زيانكاران خواهد بود.

ﮋ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣﮊ .[الأعراف: ٥٤ - ٥٦].

54- پروردگار شما خداوندي است كه آسمانها و زمين را در شش دوره بيافريد، سپس به اداره جهان هستي پرداخت. با (پرده تاريك) شب، روز را مي پوشاند و شب شتابان به دنبال روز روان است. خورشيد و ماه و ستارگان را بيافريده است و جملگي مسخر فرمان او هستند. آگاه باشيد كه تنها او مي آفريند و تنها او فرمان مي دهد. بزرگوار و جاويدان و داراي خيرات فراوان، خداوندي است كه پروردگار جهانيان است.

55- پروردگارِ خود را فروتنانه و پنهاني بكمك بخواهيد (و در دعا با بلند گرداندن صدا يا درخواست چيز ناروا از حد اعتدال تجاوز مكنيد كه) تجاوزكاران را دوست نمي دارد.

56- در زمينه بعد از اصلاح آن (توسط خدا يا بر دست انبياء علي الخصوص محمد مصطفي) فساد و تباهي مكنيد. و خدا را بيمناكانه و اميدوارانه بفرياد خوانيد؛ (بيم از عدم پذيرش، و اميد به رحمتش). بيگمان رحمت يزدان به نيكوكاران نزديك است. (پس نيكوكار باشيد تا دعاي شما پذيرفته گردد و رحمت خدا شامل شما شود).

ﮋ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯖﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﮊ .[الإسراء: ١١٠ - ١١١].

110- بگو: (خدا را) با (الله) يا (رحمن) به كمك طلبيد (فرقي نمي كند، و خدا را به نامها و صفات متعدد به فرياد خواندن، مخالف توحيد نيست) خدا را به هر كدام از (اسماء حسني) بخوانيد (مانعي) ندارد و تعداد اسماء نشانه ي تعدد مسمي نيست و) او داراي نامهاي زيبا است (كه هر يك معرف كاري از كارها و بيانگر زاويه اي از كمالات يزدان جهان است. اي پيغمبر هنگامي كه به نماز ايستادي) نمازت را بلند يا آهسته مخوان و بلكه ميان آن دو راهي پيش گير (كه ميانه روي و اعتدال است).

111- بگو: حمد و سپاس خداوندي را سزاست كه براي خود فرزنيد برنگزيده است و در فرمانروايي و مالكيت (جهان) انبازي انتخاب ننموده است و ياوري بخاطر ناتواني نداشته است. بنابراين او را چنانكه بايد به عظمت بستا (و زبان به بزرگواريش بگشا).

ﮋ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮊ .[الروم: ١٧- ٢٧].

17- پس به تنزيه خدا (از هر عيب و نقص و چيزهايي كه لايق جلال و كمال او نيست) سحرگاهان و شامگاهان (و همه اوقات و اوان) بپردازيد.

18- در آسمانها و زمين (و در همه اوقات، بويژه) عصرگاهان و زماني كه به دم ظهر رسيده ايد، خداي را حمد و ستايش كنيد.

19- خداوند همواره زنده را از مرده، و مرده را از زنده مي آفريند، و زمين موات را حيات مي بخشد، و همينگونه (سهل و ساده، به سادگي آفرينش مكرر و هميشگي حيات از ممات، شما آفرينش دوباره مي يابيد و از گورها بيرون آورده مي شويد (و رستاخيز برپا مي گردد).

20- يكي از نشانه هاي (دال بر عظمت و قدرت) خدا اين است كه (نياي) شما را از خاك آفريد و سپس شما انسانها (به مرور زمان زياد شديد و در روي زمين براي تلاش در پي معاش) پراكنده گشتيد.

21- و يكي از نشانه هاي (دال بر قدرت و عظمت) خدا اين است كه از جنش خودتان همسراني را براي شما آفريد تا در كنار آنان (در پرتو جاذبه و كشش قلبي) بياراميد، و در ميان شما و ايشان مهر و محبت انداخت (و هر يك را شيفته و دلباخته ي ديگري ساخت، تا با آرامش و آسايش، مايه شكوفايي و پرورش شخصيت همديگر شويد، و پيوند زندگي انسانها و تعادل جسماني و روحاني آنها برقرار و محفوظ باشد). مسلماً در اين (امور) نشانه ها و دلائلي (بر عظمت و قدرت خدا) است براي افرادي كه (درباره ي پديده هاي جهان و آفريده هاي يزدان) مي انديشند.

22- و از زمره ي نشانه هاي (دال بر قدرت و عظمت) خدا آفرينش آسمانها و مختلف بودن زبانها و رنگهاي شما است. بيگمان در اين (آفرينش كواكب فراوان جهان كه با نظم و نظام شگفت آور گردانند، و در اين تنوع خلقت) دلايلي است براي فرزانگان و دانشوران.

23- و از نشانه هاي (قدرت و عظمت) خدا، خواب شما در شب و روز است، و تلاش و كوششتان براي (كسب و كار و) بهره مندي از فضل خدا. قطعاً در اين (امور، يعني مساله خواب، و تلاش در پي معاش) دلائلي است براي كساني كه گوش شنوا داشته باشند (و حقيقت را بپذيرند).

24- و از زمره نشانه هاي (دال بر قدرت و عظمت) خدا، يكي اين است كه خدا برق را هم كه باعث ترس است و هم مايه ي اميد، به شما مي نماياند، و از آسمان آب مهمي را مي باراند، و زمين را بعد از مرگش، (يعني خشك و سوزان بودن) بوسيله آن آب زنده (و سرسبز) مي گرداند. بيگمان در اين (درخشش آذرخش آسمان و نزول باران و آبياري زمين و سرسبز شدن آن) دلائلي است براي فهميدگان و خردمندان.

25- و از جمله ي دلائل و نشانه هاي (كمال قدرت و نهايت عظمت) خدا يكي هم اين است كه آسمان و زمين (بدين ساختار استوار و صورت زيبا) ساخته و پرداخته ي او و به فرمان وي برپا است. بعدها وقتي (كه بخواهد مردمان را مي ميراند، و اين نظم و نظام را خراب مي گرداند، و براي زنده شدن) شما را از زمين با ندايي فرا مي خواند و شما فوراً (مطيعانه و شتابان از زمين) بيرون مي آييد.

26- هر كه و هرچه در آسمانها و زمين است، از آن خداست، و جملگي فرمانبردار او هستند.

27- او است كه آفرينش را آغاز كرده است و سپس آن را باز مي گرداند، و اين براي او آسانتر است. (زيرا كسي كه بتواند كاري را در آغاز انجام دهد، قدرت بر اعاده ي آن را نيز دارد). بالاترين وصف، در آسمانها و زمين متعلق به خدا است، و او بسيار باعزت و اقتدار، و سنجيده و كار بجا است. (لذا در عين قدرت نامحدود، كاري بي حساب انجام نمي دهد، و بلكه همه كارهاي او از روي حكمت است).

ﮋ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﮊ .[غافر: ١ - ٣].

-1حا. ميم.

-2فرو فرستادگان اين كتاب (قرآن) از سوي يزدان چيره و آگاه انجام مي پذيرد.

يزداني كه بخشنده ي گناه، پذيرنده ي توبه، داراي عذاب سخت، و صاحب انعام -3و احسان است. هيچ معبودي جز او وجود ندارد. بازگشت بسوي او است.

ﮋ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﮊ .[غافر: ٦٥].

65- زنده ي جاويد او است. جز او خدايي وجود ندارد، پس او را به فرياد خوانيد و عبادت را خاص او بدانيد. سپاس و ستايش الله را سزاست كه پروردگار جهانيان است.

ﮋ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﮊ .[فصلت: ٣٦].

36- هرگاه وسوسه اي از شيطان (در اين مسير) متوجه تو گرديد (به هوش باش و در مقابل آن مقاومت كن و) خود را به خداوند بسپار (و به سايه ي لطف او پناه بر) كه او بس شنوا و آگاه است (و تو را مي پايد و محافظت مي نمايد).

ﮋ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮊ .[الجاثية: ٣٦ - ٣٧].

36- ستايش تنها خداوندي را سزاست كه پروردگار آسمانها و پروردگار زمين و پروردگار همه جهانيان است.

37- بزرگواري و والايي در آسمانها و زمين، از آن اوست، و او صاحب عزت و قدرت، و داراي حكمت و فلسفه (در همه ي امور) است.

ﮋ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩﯪ ﯫ ﯬﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮊ .[الحديد: ١ - ٦ ].

-1هر آنچه در آسمانها و زمين است، خداي را تسبيح و تقديس مي كنند (و با كرنش و پرستش رضاي او را مي جويند) و خدا چيره ي كاردان است.

-2مالكيت و حاكميت آسمانها و زمين از آن خداست، و او زنده مي گرداند و مي ميراند، و او بر هر چيزي تواناست.

-3او پيشين و پسين و پيدا و ناپيداست، و او آگاه از همه چيز است.

-4او است كه آسمانها و زمين را در شش دوره آفريد و سپس بر تخت (فرمانروايي كائنات) قرار گرفت. و او مي داند چه چيز به زمين نازل و از آن خارج مي شود، و چه چيز از آسمان پايين مي آيد و بدان بالا مي رود. و او در هر كجا كه باشيد، با شما است. و خدا مي بيند هر چيزي را كه مي كنيد.

-5مالكيت و حاكميت آسمانها و زمين از آن اوست، و همه كارها بدو بگردانده مي شود.

-6او شب را در روز، و روز را در شب داخل مي گرداند (و گاهي از شب مي كاهد و بر روز مي افزايد، و گاهي از روز مي كاهد و بر شب مي افزايد، و نور و ظلمت را بدنبال هم آهسته و آرام روان مي دارد) و او از انسانها و رازهاي سينه ها مطلع و باخبر است.

ﮋ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮊ .[البقرة: ٢٠].

20- چنان است كه گويي آذرخش آسمان مي خواهد (نور) چشمانش را بربايد. هرگاه كه (پيش پاي ايشان را) روشن مي دارد، به پيش مي روند. و چون (محيط) ايشان تاريك شود، بر جاي خود مي مانند. و اگر خدا مي خواست گوش و چشمان ايشان را از ميان مي برد. چه خدا بر هر چيزي تواناست.

ﮋ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﮊ .[البقرة: ١٠٥].

105- كافران اهل كتاب و همچنين مشركان، دوست نمي دارند خير و بركتي از جانب خدايتان بر شما نازل گردد و به شما دست دهد، در حالي كه خداوند (به خواست و آرزوي ايشان توجهي نمي كند و) به هر كس كه بخواهد رحمت خويش را اختصاص مي دهد، و خدا داراي فضل سترگ و بخشش بزرگ است .

ﮋ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﮊ .[البقرة: ١٠٩].

109- بسياري از اهل كتاب، از روي رشك و حسدي كه در وجودشان ريشه دوانده است، آرزو دارند اگر بشود شما را بعد از پذيرش ايمان بازگردانند (به جانب كفر و به حال سابقي كه داشتيد!) با اينكه حقانيت (اسلام و درستي راهي كه برگزيده ايد، از روي خود كتابهاي آسماني شان) برايشان كاملاً روشن گشته است. پس گذشت نمائيد و چشم پوشي كنيد تا خدا فرمان دهد (كه در برابرشان چه كار كنيد). بيگمان خداوند بر هر چيزي تواناست.

ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰﮱ ﯓ ﯔ ﯕﯖﯗﯘ ﯙ ﯚﯛﯜﮊ .[البقرة: ٢٤٧].

247- و پيغمبرشان به آنان گفت: خداوند طالوت را براي زمامداري شما روانه كرده است. بزرگان قوم گفتند: چگونه او بر ما حكومت داشته باشد با اينكه ما از او براي زمامداري سزاوارتريم و او كه مال و دارايي زيادي ندارد؟ گفت: خدا او را بر شما برگزيده است و دانش و (قدرت) جسم او را وسعت بخشيده است و خداوند ملك خود را به هر كس كه بخواهد مي بخشد. و (احسان و تصرف و قدرت) خداوند فراخ، و آگاه (از لياقت افراد براي منصبها) است.

ﮋ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﮊ .[النساء: ٣٢].

32- آرزوي چيزي نكنيد كه خداوند برخي از شما را با (اعطاي) آن بر برخي ديگر برتري داده است (و مردان را در بعضي از چيزها بر زنان، و زنان را در بعضي از چيزها بر مردان فضيلت داده و مرحمت روا ديده است). مردان نصيبي دارند از آنچه فراچنگ مي آورند و زنان (هم) نصيبي دارند از آنچه بدست مي آورند (و هر يك از زنان و مردان داراي سرشتي و حقوقي فرا خود حال خود مي باشند. پس با تلاش و كوشش شبانه روزي رحمت و بركت خدا را بجوئيد) و طلب فضل او كنيد. بي گمان خداوند (كاملاً) آگاه از هر چيزي بوده (و به هر نوعي چيزي بخشيده است كه شايسته اش بوده است).

ﮋ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮊ .[النساء: ٥٤ - ٥٦].

54- آيا آنان بر چيزي حسد مي برند كه خداوند از روي فضل و رحمت خود (با برانگيختن محمد) به مردم (عرب) داده است؟ ما كه به آل ابراهيم (كه ابراهيم نياي شما و ايشان است) كتاب (آسماني) و پيغمبري و پادشاهي عظيمي داديم. (مانند: سلطنت يوسف در مصر، و شاهي داود و سليمان در شام).

ﮋ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﮊ .[النساء: ٧٣

73- و اگر رحمت خدا در برتان گرفت (و پيروزي و غنيمتي به شما دست داد) درست مثل اينكه هرگز ميان شما و ايشان مودت و دوستي نبوده، مي گويند: اي كاش! ما هم با آنان مي بوديم و (از اين پيروزي و دستاورد فراوانِ غنيمت) بس بهره مي برديم.

ﮋ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﮊ .[الأعراف: ١٩٨].

198- و اگر از آنها رهنمود بخواهيد، درخواست شما را نمي شنوند چه رسد به اينكه شما را ارشاد و راهنمايي كنند. و بظاهر پكيره ي آنها را مي بينيد كه انگار با چشمان خود به شما مي نگرند، و ليكن چيزي را نمي بينند.

ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮊ .[التوبة: ٥٩].

59- اگر آنان بدانچه خدا و پيغمبرش بديشان داده است (و قسمت ايشان كرده است) راضي مي شدند و مي گفتند: (دستور) خدا ما را بسنده است و خداوند از فضل و احسان خود به ما مي دهد و پيغمبرش (بيش از آنچه به ما داده است اين بار به ما عطا مي كند، و) ما (به فضل و بخشايش پروردگار خود چشم دوخته و) تنها رضاي خدا را مي جوييم، (اگر چنين مي گفتند و مي كردند، به سود آنان بود).

ﮋ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇﮉ ﮊﮋ ﮌﮍ ﮎ ﮏ ﮐﮑﮊ .[التوبة: ٧٤].

74- منافقان به خدا سوگند مي خورند كه (سخنان زننده اي) نگفته اند، در حالي كه قطعاً سخنان كفرآميز گفته اند و پس از ايمان آوردن، به كفر برگشته اند و قصد انجام كاري كرده اند كه بدان نرسيده اند (و آن گشتن پيغمبر به هنگام بازگش از جنگ تبوك بود). چيزي كه اين منافقان را بر سر خشم آورد و سبب انتقام گرفتن آنان شود وجود ندارد، مگر اينكه خدا و پيغمبرش به فضل و كرم خود آنان را (با اعطاء غنائم كه هدف ايشان در زندگي است) بي نياز گردانده اند (و اين هم نبايد مايه خشم و انتقام ايشان شود). اگر آنان توبه كنند، (خداوند توبه ايشان را مي پذيرد و) اين برايشان بهتر خواهد بود، و اگر روي بگردانند، خدا آنان را در دنيا و آخرت به عذاب بسيار دردناكي كيفر مي دهد، و در سراسر روي زمين نه دوستي و نه ياوري خواهند داشت.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﮊ .[يونس: ١٠٧].

107- اگر خداوند زياني به تو برساند، هيچكس جز او نمي تواند آن را برطرف گرداند، و اگر بخواهد خيري به تو برساند، هيچ كس نمي تواند فضل و لطف او را از تو برگرداند. خداوند فضل و لطف خود را شامل هر كس از بندگانش كه بخواهد مي كند (و كسي نمي تواند مانع آن گردد) و او داراي مغفرت و مهر فراوان است.

ﮋ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﮊ .[يوسف: ٦٧].

67- (يعقوب به عهد و پيمان موكد فرزندان خود دل بست و شفقت پدري او را بر آن داشت كه آنان را راهنمايي و نصيحت كند) و گفت: اي فرزندانم! از يك در (به مصر) داخل نشويد، بلكه از درهاي گوناگون وارد شويد (تا از حسادت حسودان و چشم زخم پليدان در امان بمانيد. ولي بدانيد كه من با اين تدبير) نمي توانم چيزي را كه خدا مقرر كرده باشد از شما بدور سازم. (يقيناً آنچه بايد بشود مي شود، و راهي براي دفع بلا جز رعايت اسباب و علل پيدا و توسل به خدا سراغ ندارم). تنها حكم و فرمان از آن يزدان است. (دافع شر و جالب خير جهان فقط ايزد سبحان است). بر او توكل مي كنم (و از او استمداد مي جويم و كارم را بدو واگذار مي كنم) و بايد كه توكل كنندگان بر او توكل كنند و بس (و كار خويش را بدو حوالت دارند).

ﮋ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﮊ .[الحجر: ١٤ - ١٨].

-1اگر (به فرض) دري از آسمان به روي آنان بگشاييم و ايشان از آنجا شروع به بالا رفتن كنند (و فرشتگان و شگفتيهاي جهان بالا را با چشم خود ببينند).

-2 بيگمان خواهند گفت: حتماً ما را چشم بندي كرده اند (و آنچه مي بينيم ابداً واقعيت ندارد!) و بلكه ما را جادو نموده اند (اين است كه چيزها را عوضي مي بينيم).

-3 ما در آسمان بر جهاني نجومي پديد آورده ايم (كه تقويم مجسم جهان و بيانگر نظام شگرف و حساب دقيق آن است) و آن را براي بينندگان آراسته ايم (تا از اين منظره ي زيباي بالا به قدرت آفريدگار تعالي پي ببرند).

-4و آسمان را از (دستبرد و دسترسي) هر اهريمن ملعون و مطرودي محفوظ و مصون داشته ايم.

-5 و اما هر كه از آنها دزدكي گوشي فرا دارد، آذرخش روشني به سراغ او مي رود.

ﮋ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮊ .[الكهف: ٣٩].

39- كاش! وقتي كه وارد باغ مي شدي (و اين همه نعمت و مرحمت، و آثار قدرت و عظمت را مي ديدي) مي گفتي: ما شاء الله! (اين نعمت از فضل و لطف خدا است، و آنچه خدا بخواهد شدني است!) هيچ قوت و قدرتي جز از ناحيه ي خدا نيست (و اگر مدد و توفيق او نباشد، توانايي عبادت و پرستش را نخواهيم داشت. اي رفيق ناسپاس) اگر مي بيني كه از نظر اموال و اولاد از تو كمترم، (اما ....).

ﮋ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﰔﰕ ﰖ ﰗ ﰘ ﰙ ﰚ ﰛ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﮊ .[النور: ٤٣ - ٤٤].

43- مگر نمي داني كه خداوند ابرها را آهسته (به سوي هم) مي راند، سپس آنها را گرد مي آورد، بعد آنها را متراكم و انباشته مي سازد، آنگاه مي بيني كه باران از لا به بالاي آنها بيرون مي ريزد، و نيز خدا از آسمان، از ابرهاي كوه مانند آن، تگرگهاي بزرگي را فرود مي آورد، و هر كس را بخواهد با آن زيان مي رساند، و هر كس را بخواهد از زيان آن بدور مي دارد. درخشش برق (حاصل از اصطكاك) ابرها (آن اندازه نيرومند است) نزديك است چشمها را (خيره و) از ميان بردارد. (هر يك از اين پديده ها دليل بر قدرت خدا و موجب ايمان به آفريدگار آنها است).

44- خدا شب و روز را (با كوتاه و دراز كردن، و گرم و سرد نمودن، و يكي از ظاهر و ديگري را محو ساختن، و ديگر حوادث و فعل و انفعالها) دگرگون مي نمايد. واقعاً در اين (كار تغيير احوال) عبرت بزرگي براي كساني است كه چشم داشته باشند (و بنگرند و بينديشند و نتائج گشت و گذار و تغيير تدريجي شب و روز كه سرچشمه ي پيدايش فصول چهارگانه و عامل اصلي حيات موجودات زنده است در مدنظر دارند).

ﮋ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮊ .[الزمر: ٣٦].

36- آيا خداوند براي (حفاظت و حمايت از) بنده اش كافي نيست؟ آنان تو را از كساني جز خدا مي ترسانند. (مگر بتها و معبودهاي دروغين و عداوت كافران و دشمنان و طوفان حوادث زمان، مي توانند كمترين زياني به كسي برسانند كه خدا پشتيبان او است؟) هر كس را خدا گمراه كند، راهنما و رهبري نخواهد داشت.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮊ .[الملك: ١-٤].

1- بزرگوار و داراي بركات بسيار، آن كسي كه فرمانروائي (جهان هستي) از آن او است و او بر هر چيزي كاملاً قادر و توانا است.

2- همان كسي كه مرگ و زندگي را پديد آورده است تا شما را بيازمايد كدامتان كارتان بهتر و نيكوتر خواهد بود. او چيره و توانا، و آمرزگار و بخشاينده است.

3- آنكه هفت آسمان را بالاي يكديگر و هماهنگ آفريده است. اصلاً در آفرينش و آفريده هاي خداوند مهربان خلل و تضاد و عدم تناسبي نمي بيني (و بلكه هستي با تمام عظميت كه دارد، از انسجام و استحكام شگفت برخوردار است، و نظم و نظام عجيب و قوانين و روابط دقيق بر ذره ذره ي كائنات حكمفرماست). پس ديگرباره بنگر (و با دقت جهان را وارسي كن) آيا هيچگونه خلل و رخنه اي مي بيني؟

4- باز هم (ديده خود را بگشاي و به عالم هستي بنگر و) بارها و بارها بنگر و ورانداز كن. ديده سرانجام فروهشته و حيران، و درمانده و ناتوان، به سويت باز مي گردد.

ﮋ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮊ .[القلم: ٥١ - ٥٢].

51- نزديك است كافران هنگامي كه آيات قرآن را مي شنوند، تو را با چشمان (خيره و زل زده ي) خود به سر در آورند و هلاك سازند، و مي گويند: او قطعاً ديوانه است.

52- در صورتي كه قرآن جز اندرز و پند جهانيان و مايه ي بيداري و هوشياري ايشان نيست.

ﮋ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮﭯ ﮊ .[الحاقة: ٣٨ - ٤٠].

38- سوگند مي خورم به آنچه مي بينيد!

39- و سوگند مي خورم به آنچه نمي بينيد!

40- اين (قرآن از سوي خدا آمده است و) گفتاري است (كه) از (زبان) پيغمبر بزرگواري (به نام محمد پخس و تبليغ مي شود).

ﮋ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜﯝ ﯞﯟ ﯠﯡﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦﮊ .[القيامة: ٧ - ١٢].

1- (پاسخ ايشان اين است): هنگامي كه چشمها (از شدت هول و هراس) سراسيمه و آشفته مي شود.

2- و ماه بي نور و روشنايي مي گردد.

3- و خورشيد و ماه گردآوري مي گردد.

4- انسان در آن روز خواهد گفت: راه گريز كجاست؟ (گريز ميسر نيست).

5- خير! (اصلاً گريزگاهي در ميان نيست، و گريز ممكن نيست و) هيچگونه پناهگاهي وجود ندارد.

6- در آن روز، قرارگاه (بهشت و دوزخ) در دست پروردگار تو است.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﮊ .[البقرة: ١٠٢ - ١٠٣].

102- و (گروهي از احبار يهود) به آنچه شياطين صفتان و گناه پيشگانشان درباره سلطنت سليمان (به هم مي بافتند و بر مردم) مي خواندند، باور داشتند و از آن پيروي نمودند. (چه گمان مي بردند كه سليمان پيغمبر نبوده و بلكه جادوگر بوده است و با نيروي سحر، پريها و پرندگان و بادها را به زير فرمان خويش در آورده است و لذا شاه جادوگر كافري بيش نبوده است). و حال آنكه سليمان هرگز (دست به سحر نيالوده و) كفر نورزيده است و بلكه (اين) شياطين صفتان گناه پيشه، كفر ورزيده اند. (زيرا چنين سخناني را به هم بافته و به پيغمبر خدا سليمان افتراء بسته و به جاي دستورات آسماني به مردم) جادو و (خرافات و از آثار بجامانده) آنچه در بابل به دو فرشته هاروت و ماروت نازل گرديده بود مي آموزند. (دو فرشته اي كه طريق سحر كردن را براي آشنايي به طرز ابطال آن به مردم ياد مي دادند) و به هيچ كس چيزي نمي آموختند، مگر اينكه پيشاپيش بدو مي گفتند: ما وسيله آزمايش هستيم كافر نشو (و آنچه به تو مي آموزيم، به آشوب و كفر منتهي مي گردد. آن را بشناس و خويشتن را از آن بدور دار. ليكن مردم نصيحت نپذيرفتند و از آموخته هايشان سوء استفاده كردند). از ايشان چيزهايي آموختند (و در راهي از آن استفاده كردند) كه با آن ميان مرد و همسرش جدايي مي افكندند. (آري اين شيطان صفتان گناه پيشه، كفر ورزيدند، چون اين ياوه گوئي ها و افسانه سرائي هاي گذشتگان را به هم مي بافتند و آن را وسيله آموزش جادو به يهوديان كردند) و حال آنكه با چنين جادويي (خويش) نمي توانند به كسي زيان برسانند مگر اينكه با اجازه و خواست خدا باشد. و آنان قسمت هايي را فرا مي گرفتند كه برايشان (از لحاظ دنيا و آخرت) زيان داشت و بديشان سودي نمي رساند. و مسلماً مي دانستند هر كسي خريدار اينگونه متاع باشد، بهره اي در آخرت نخواهد داشت. و چه زشت و ناپسند است آنچه خود را بدان فروخته (و آن را پيشه خويشتن ساخته اند) اگر مي دانستند (و علم و دانشي مي داشتند).

103- و اگر آنان ايمان مي آوردند و پرهيزگاري مي كردند (پروردگار پاداش نيكي به آنان مي داد و چنين) پاداشي كه نزد خدا (محفوظ) است. بهتر از (افسانه ها و بدنهاديها) است، اگر (علم ودانشي مي داشتند و) مي دانستند.

ﮋ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔﭕﭖ ﭗ ﭘﭙﮊ .[الأعراف: ١٠٤- ١٢].

104- موسي گفت: اي فرعون! من فرستاده اي از سوي پروردگار جهانيان هستم (آمده ام تا دعوت او را به تو و درباريان و ديگر مردمان برسانم و همگان را بسوي شريعت او فراخوانم).

105- سزاوار است كه از زبان خدا جز حق نگويم. من از سوي پروردگارتان معجزه بزرگي براي شما دادم (كه به روشني بر حقانيت رسالت من دلالت مي نمايد) پس بني اسرائيل را (از زنجير اسارت و بردگي خود آزاد ساز و آنان را به من واگذار و) همراه من بفرست (تا از سرزمين تو بكوچند و به سرزمين ديگري روند و در آنجا به پرستش خداي يگانه مشغول شوند).

106- فرعون گفت: اگر معجزه بزرگ و دليل سترگي با خودداري، آن را بنماي، اگر از زمره راستگوياني (و خويشتن را پيغمبر خدا مي داني).

107- پس موسي فوراً عصاي خود را بينداخت، بناگاه بصورت اژدهاي آشكاري در آمد (كه از حيات كامل برخوردار بود و بدين سو و آن سو مي خزيد و مي جهيد).

108- و دست خود را (از گريبان) بيرون آورد، بناگاه بينندگان ديدند كه (همچون خورشيد درخشان و) سفيد است.

109- (هنگامي كه موسي نشانه بزرگ خدا را بنمود) اشراف قوم فرعون (از راه تملق و چاپلوسي با فرعون هماوا شدند و) گفتند: واقعاً اين جادوگر ماهري است! (و كاري كه مي كند معجزه خدايي نيست).

110- او مي خواهد شما را از سرزمينتان (كه مصر است) بيرون كند. چه مي انديشيد و چه نظر مي دهيد؟ (آيا بايد در حق او چه كرد؟)

111- (سپس به فرعون) گفتند: (عجله مكن و جريان كار) او و برادرش (هارون) را به تاخير بينداز و (كساني از لشكريان خود را) به شهرها بفرست تا (جادوگران مجرب را) جمع كنند (و بدينجا گسيل دارند).

112- تا همه جادوگران ماهر را (به خدمت تو) بياورند (و جادوي موسي را باطل و كار او را يكسره سازند و ديگر كسي گول او را نخورد و بدنبال او نرود).

113- جادوگران نزد فرعون آمدند و گفتند: آيا اگر ما پيروز گرديم اجر و پاداش مهمي خواهيم داشت؟

114- گفت: آري! و (علاوه از آن) شما از مقربان (درگاه ما) خواهيد بود.

115- (سپس جادوگران مغرورانه رو به موسي كردند و) گفتند: اي موسي! يا تو (عصاي خود را) بينداز يا ما (ريسمانهاي خويش را) مي اندازيم.

116- موسي گفت: شما (آنچه داريد) بيندازيد، هنگامي كه (وسائل جادوگري خود را) بينداختند، مردم را چشم بندي كردند و ايشان را به هراس افكندند و جادوي بزرگي از خود نشان دادند.

117- به موسي وحي كرديم كه عصاي خود را بينداز. ناگهان (به صورت اژدهايي درآمد و) به سرعت آنچه را به هم مي بافتند (و تزويرهايي را كه مي نمودند همه را) بلعيد.

118- پس حق (يعني صدق موسي) ثابت و ظاهر گرديد و آنچه آنان مي كردند باطل شد (و پوچ از آب درآمد).

119- در آنجا كه گرد آمده بودند، فرعون و فرعونيان شكست خوردند و از آنجا به شهر خوار و رسوا برگشتند.

120- و جادوگران به سجده افتادند و كرنش كردند.

121- گفتند: به پروردگار جهانيان ايمان آورديم.

122- پروردگار موسي و هارون. (يعني به خدايي ايمان داريم كه موسي و هارون به او ايمان دارند).

ﮋ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﮊ .[يونس: ٧٧ ].

77- موسي گفت: آيا به حق كه به سوي شما آمده است، سحر مي گوئيد؟ آيا اين (معجزات) جادو است؟ (اگر جادو است من شما را به مبارزه مي طلبم و از شما مي خواهم كه جادوگران را گرد آوريد تا ثابت كنيد كه اين جادو است). به هر حال جادوگران پيروز نمي شوند.

ﮋ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﮊ .[يونس: ٧٩ - ٨٢].

79- فرعون گفت همه جادوگران ماهر و زبردست را به پيش من بياوريد (تا كار اين دو جادوگر را بسازيد).

80- هنگامي كه جادوگران گرد آمدند، موسي بديشان گفت: (هرچه از فنون سحر مي دانيد به كار بنديد و) آنچه مي توانيد بيندازيد و بيفكنيد (تا ببينيم).

81- هنگامي كه (ريسمانها وعصاهاي خود را) انداختند، موسي گفت: آنچه ارائه داديد واقعاً جادو است. قطعاً خداوند آن را پوچ و نابود خواهد كرد (و جاي شگفت نيست، چرا كه) خداوند كار تبهكاران را (بقاء و دوام نمي بخشد و) شايسته و سودمند نمي گرداند.

82- خداوند با سخنان خود كه بر انبياء نازل مي كند حق را پايدار و ماندگار مي گرداند، هرچند كه گناهكاران و بزهكاران نپسندند.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮊ .[طه: ٦٥ - ٦٩].

65- (جادوگران باد به غبغب انداخته) گفتند: اي موسي! آيا تو اول (هنرنمائي خود را مي كني و عصاي خود را) مي اندازي. يا ما اول (دست به كار شويم و اسباب و ادوات جادوي خويش را) بيندازيم (و كار تو را يكسره سازيم؟).

66- (موسي) گفت: شما اول (شروع كنيد و آنچه داريد جلو) بيندازيد. (آنان طنابها و عصاهاي خود را انداختند. موسي) چنان به نظرش رسيد كه بر اثر جادوي ايشان، بناگاه طنابها وعصاهاي آنان (مار شده اند و مي خزند و) تند راه مي روند.

67- در اين هنگام موسي در درون خود، احساس اندكي هراس كرد.

68- گفتيم: مترس! حتماً تو برتري (و بر آنان چيره مي شوي و كارهاي باطلشان را شكست خواهي داد).

69- و چيزي را كه در دست راست داري بيفكن تا همه ساخته هاي (مزورانه و شعبدهبازي هاي مكارانه ي) ايشان را بسرعت ببلعد. چرا كه كارهايي را كه كرده اند، نيرنگ جادوگر است. و جادوگر هر كجا برود پيروز نمي شود.

ﮋ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮊ .[الشعراء: ٤٣ - ٤٨].

43- (در روز موعود و در ميدان مبارزه، موسي) به جادوگران گفت: آنچه را مي خواهيد بيفكنيد، بيفكنيد! (و هر چه در قدرت داريد بنمائيد و به ميدان آوريد).

44- پس جادوگران (با غرور و نخوت) طنابها و عصاهاي خود را افكندند و گفتند: به عزت فرعون سوگند كه ما قطعاً چيره و پيروزيم!

45- موسي (مهلت نداد و) عصاي خود را افكند، ناگهان (اژدهاي بزرگي گرديد و با سرعت) شروع به بلعيدن ابزارهاي دروغين ايشان كرد (و آنها را يكي بعد از ديگري در كام خود فرو برد).

46- جادوگران سجده كنان بر زمين فرو افتادند.

47- گفتند: به پروردگار عالميان ايمان داريم.

48- به پروردگار موسي و هارون.

ﮋ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﮊ .[القمر: ١ - ٢ ].

1- قيامت هرچه زودتر فرا مي رسد، و در آن ماه به دو نيم مي گردد.

2- و اگر مشركان معجزه بزرگي را ببينند از آن رويگردان مي گردند و بدان ايمان نمي آورند و مي گويند: جادوي گذرا و ناپايداري است.

ﮋ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮊ .[غافر: ٤٤ - ٤٦].

44- بزودي آنچه من به شما مي گويم بخاطر خواهيد آورد (و به صدق گفتار من پي خواهيد برد). من كار و بار خود را به خدا وامي گذارم و حوالت مي دارم. خداوند بندگان را مي بيند (و پندار و گفتار و كردارشان را مي پايد).

45- خداوند (چنين بنده ي مومني را تنها نگذاشت و) او را سوء توطئه ها و نيرنگهاي ايشان محفوظ و مصون داشت، ولي عذاب بدي خاندان فرعون را در برگرفت.

46- و آن آتش دوزخ است كه بامدادان و شامگاهان آنان بدان عرضه مي شوند. (اين عذاب برزخ ايشان است) و اما روزي كه قيامت برپا مي شود (خدا به فرشتگان دستور مي دهد) خاندان فرعون را به شديدترين عذاب دچار سازيد.

ﮋ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮊ .[البقرة: ٩٧ - ٩٨].

97- (بعضي از آنان مي گويند كه: چون جبرئيل، دشمن ايشان، قرآن را براي محمد مي آورد، آنان با او دشمني مي ورزند و كتابش را قبول ندارند. اي پيغمبر! بديشان) بگو: كسي كه دشمن جبرئيل باشد (در حقيقت دشمن خدا است) زيرا كه او به فرمان خدا قرآن را بر قلب تو نازل كرده است (نه اينكه خودسرانه د ست به چنين امري زده باشد). قرآني كه كتاب هاي آسماني پيشين را تصديق مي كند، و هدايت و بشارت براي مومنان است.

98- كسي كه دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئيل و ميكائيل باشد (خداوند دشمن او است). چه خداوند دشمن كافران است.

ﮋ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘﮙ ﮚ ﮛﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤﭥ ﭦ ﭧ ﭨﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮊ .[آل عمران: ٢٦ - ٣٢].

26- بگو: پروردگارا! اي همه چيز از آن تو! تو هر كه را بخواهي حكومت و دارائي مي بخشي و از هر كه بخواهي حكومت و دارائي را بازپس مي گيري، و هر كس را بخواهي عزت و قدرت مي دهي و هر كس را بخواهي خوار مي داري، خوبي در دست تو است و بيگمان تو بر هر چيز توانايي.

27- (بخشي از) شب را جزو روز مي گرداني (و بدين سبب شبها كوتاه و روزها دراز مي گردند) و (بخشي از) روز را جزو شب مي گرداني (و لذا روزها كوتاه و شبها دراز مي شوند) و زنده را از مرده پديد مي آوري و مرده را از زنده، و به هر كس كه بخواهي بدون حساب روزي مي بخشي.

28- مومنان نبايد مومنان را رها كنند و كافران را به جاي ايشان به دوستي گيرند، و هر كه چنين كند (رابطه ي او با خدا گسسته است و بهره اي) وي را در چيزي از (رحمت) خدا نيست – مگر آنكه (ناچار شويد و) خويشتن را از (اذيت و آزار) ايشان مصون داريد و (به خاطر حفظ جان خود تقيه كنيد) – و خداوند شما را از (نافرماني) خود برحذر مي دارد و بازگشت (همگان) بسوي او است.

29- بگو: اگر آنچه را كه در سينه هايتان داريد پنهان سازيد يا آشكار كنيد، خداوند آن را مي داند و خداوند آگاه از هر چيزي است كه در آسمان ها و زمين است، و خداوند بر هر چيزي تواناست.

30- (كساني كه از فرمان پروردگارشان سرپيچي مي كنند، بترسند از) روزي كه هر كسي آنچه را از نيكي انجام داده است حاضر و آماده مي بيند (و مايه سرور او مي شود) و دوست مي دارد كاش ميان او و آنچه از بدي انجام داده است فاصله زيادي مي بود (تا ديدار زشت آن را نبيند و به فرجام نامبارك آن، دچار عقاب و عذاب نشود)، و خداوند شما را از (نافرماني) خودش برحذر مي دارد، و خداوند نسبت به بندگان مهربان است (و با نافرماني از او، رحمت را به زحمت و نعمت را به نقمت تبديل نكنيد).

31- بگو: اگر خدا را دوست مي داريد، از من پيروي كنيد تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشايد، و خداوند آمرزنده مهربان است.

32- بگو: از خدا و از پيغمبر اطاعت و فرمانبرداري كنيد، و اگر سرپيچي كنند (ايشان به خدا و پيغمبر ايمان ندارند و كافرند و) خداوند كافران را دوست نمي دارد.

ﮋ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﮊ .[الأنعام: ١٣٠].

130- (در آن روز خداوند بديشان مي گويد:) اي جنيان و اي انسانها! آيا پيغمبراني از خودتان به سوي شما نيامدند و آيات (كتابهاي آسماني) مرا برايتان بازگو نكردند و شما را از رسيدن بدين روز (و روبرو شدن در آن با خدا) بيم ندادند؟ (پس چگونه اين روز را فراموش كرديد و در تكذيب آن كوشيديد؟ در پاسخ) مي گويند: ما عليه خود گواهي مي دهيم (و اقرار مي كنيم كه پيغمبران آمدند و آئين خدا را تبليغ كردند و ما را از قيامت ترساندند، ولي ما ايشان را تكذيب كرديم و گفتيم: خداوند چيزي را از سوي خود نفرستاده است و جز زندگي اين جهان، زندگي ديگري وجود ندارد. آري) زندگي جهان، آنان را گول زد و (به خود مشغول داشت و امروز جز اعتراف چاره اي ندارند و) عليه خود گواهي مي دهند (و مي گويند) كه ايشان كافر بوده اند (و مستحق عذاب جاويدان و خوفناك يزدانند).

ﮋ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈﮉ ﮊ ﮋ ﮌﮎ ﮏ ﮐ ﮑﮒ ﮓ ﮔﮕﮖﮗ ﮊ .[الأعراف: ٨٩].

89- اگر ما به آئين شما درآييم، بعد از آنكه خدا ما را از آن نجات بخشيده است، مسلماً به خدا دروغ بسته ايم (و به گزاف خويشتن را پيروان آئين آسماني ناميده ايم). ما را نسزد كه به آن درآئيم، مگر اينكه خدا كه پروردگار ما است بخواهد (كه هرگز چنين چيزي را هم نخواهد خواست). علم پروردگار ما همه چيز را در برگرفته است (و او با مرحمت و محبتي كه نسبت به مومنان دارد، ايمان ما را محفوظ مي فرمايد. لذا) ما تنها بر خدا توكل داشته (و هم بدو پشت مي بنديم). پروردگارا! ميان ما و قوم ما به حق داوري كن (حقي كه سنت تو در داوري ميان محقين مصلحين و مبطلين مفسدين، بر آن جاري است) و تو بهترين داوراني (چرا كه بر همه چيز آگاه و بر هر چيز توانائي).

ﮋ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﮊ .[الأنفال: ٢٥].

25- خويشتن را از بلا و مصيبتي به دور داريد كه تنها دامنگير كساني نمي گرد كه ستم مي كنند (بلكه اگر جلو ستمكاران گرفته نشود، خشك و تر به گناه آنان مي سوزد) و بدانيد كه خداوند داراي كيفر سخت و مجازات شديد است.

ﮋ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮊ .[النحل: ١ - ٣].

1- (اي مشركان! آنچه خدا به شما در روز قيامت وعده داده است، چون حتمي و قريب الوقوع است، انگار هم اينك براي وقوع آن) فرمان خدا در رسيده است، پس (مسخره كنان نگوئيد كه اگر راست مي گوئيد كه قيامتي هست از خدا بخواهيد هرچه زودتر عذاب آن را بنماياند! استهزاء كنان) آن را به شتاب مخواهيد. (خداوند جهان) منزه (از او صافي است كه مشركان درباره او بر زبان مي رانند، و دو) و برتر از چيزهايي است كه (آنان) انباز (خداوند تبارك و تعالي) مي سازند.

2- خداوند به دستور خود، فرشتگان را همراه با وحي (آسماني كه حيات بخش انسانهاست) بر هر كس از بندگانش (به نام انبياء) كه خود بخواهد نازل مي كند (تا به مردم بياموزند) كه جز من (كه آفريننده جهان و جهانيانم) خدائي نيست؛ پس (با انجام حسنات و دوري از سيئات)، از (غضب و عذاب) من بپرهيزيد.

3- آسمانها و زمين را به مقتضاي حق (و حكمت) آفريده است(نه بيهوده و به گزاف. خداوند) بالاتر از چيزهايي است كه (آنان در تصرف امور يا پرستش) انباز (خدا) مي سازند.

ﮋ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﰔ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮊ .[الإسراء: ٤٥ - ٥٢].

45- (اي پيغمبر!) هنگامي كه قرآن (ناطق به دلائل حق) راوي خواني ميان تو و آنان كه قيامت باور ندارند (و پيوسته دشمن حق و از حقيقت گريزانند) حجاب ناپيدايي قرار مي دهيم (تا نور قرآن به دل ايشان بر تو نيندازد و به آنان سودي نرساند).

46- و (چون در ستيزه جويي با حق پافشاري مي كنند) بر قلبهایشان پرده ای قرار مي دهيم تا قرآن را نفهمند و در گوشهايشان سنگيني ايجاد مي كنيم (تا نداي هدايت قرآن را چنانكه بايد نشوند و از آن سود نبرند و لذا) هنگامي كه پروردگارت را در قرآن به يگانگي ياد مي كني (و خدايان پنداري ايشان را همراه او نام نميبري) پشت كرده و مي گريزند (تا صداي توحيد را نشوند).

47- ما (از هر كس ديگري) بهتر مي دانيم كه آنان به چه منظوري در سخنان تو گوش فرا مي دهند، هنگامي كه پاي سخافت مي نشينند، و آن زمان كه با هم در گوشي صحبت مي كنند. آن زمان كه ستمكاران (كفر پيشه ؟؟؟) (كه جادوگران در عقل و هوش او رخنه كرده و آن را مختل ساخته اند).

48- بنگر چگونه براي تو مثلها مي زنند و (گاه كاهن، گاه مجنون، وقتي شاعر، و زماني ساحرت مي گويند) از اين رو آنان گمراه گشته و نمي توانند راهي (به سوي حق) پيدا كنند.

49- و (اينان و منكران ديگر رستاخيز) مي گويند: آيا هنگامي كه ما استخواني (پوسيده) و تكه هايي خشكيده (و از هم پاشيده) شديم مگر ديگر باره آفرينش تازه اي خواهيم يافت (و زندگي دوباره پيدا خواهيم كرد؟!)

50- بگو: شما سنگ باشيد (كه بهيچوجه قابليت پذيرش حيات را ندارد) و يا آهن باشد (كه از سنگ محكمتر است).

51- يا اينكه (جز آن دو) چيزي ديگر باشيد كه در نظرتان (از اين هم) سخت تر است (و از قابليت پذيرش حيات دورتر، باز خدا مي تواند به پيكرتان جان بدمد و زندگي مجد بازگرداند. آنان شگفت زده خواهند گفت: چه كسي ما را باز مي گرداند؟ بگو: آن خدايي كه نخستين بار شما را آفريد پس از آن، سر را به سويت (به عنوان استمزاء) تكان م يدهند ولي گويند: چه زماني اين (معاد) خواهد بود؟ بگو: شايد كه نزديك باشد.

52- (اين بازگشت به حيات مجدد) روزي خواهد بود كه خدا شما را از گورهايتان (براي گردهم آئي در محشر) فرا مي خواند و شما (فرمان او را) با حمد و سپاسي پاسخ مي گوئيد و گمان مي بريد كه در (دنيا) جز مدت اندكي ماندگار نبوده ايد.

ﮋ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﮊ .[النمل: ٧٣ - ٧٥].

73- پروردگارت نسبت به مردم لطف و كرم دارد (و هرچه زودتر تازيانه عذاب را بر سرشان فرو مي آورد، و بلكه كيفرشان را به تاخير مي اندازد) ولي بيشتر آنان سپاسگذاري نمي كنند (و الطاف و مراحم خدا را ناديده مي گيرند).

74- پروردگارت محققاً آگاه است از چيزهايي كه سينه هايشان در خود نهان مي دارند، و از چيزهايي كه ايشان آشكار مي سازند.

75- هيچ نهفته اي در آسمانها و زمين نيست مگر اينكه (خدا از آن آگاه است و ثبت و ضبط) در كتاب آشكاري است.

ﮋ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﮊ .[الأحزاب: ٧٠ - ٧١].

70- اي مومنان از خدا بترسيد (و خويشتن را با انجام خوبي ها و دوري از بديها در عذاب او در امان داريد) و سخن حق و درست بگوئيد.

71- در نتيجه خدا (توفيق خيرتان مي دهد و) اعمالتان را ؟؟؟؟ مي كند و گناهانتان را مي بخشايد، اصلاً هر كه از خدا و پيغمبرش فرمانبرداري كند، قطعاً به پيروزي و كاميابي بزرگي است مي يابد.

ﮋ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﮊ .[يس: ٧٨ - ٨٣].

78- براي ما مثال مي زند و آفرينش خود را (از خاك) فراموش مي كند و مي گويد: چه كسي مي تواند اين استخوانهاي را كه پوسيده و فرسوده اند زنده گرداند؟!

79- بگو: كسي آنها را زنده مي گرداند كه آنها را نخستين بار (از نيستي به هستي آورده است و آنها را بدون الگو و مدل) آفريده است، و او پس آگاه از (احوال و اوضاع) چگونگي و ويژگي همه آفريدگاه است.

80- آن كسي كه از درخت سبز، براي شما آتش بيافريده است، و شما با آن آتش روشن مي كنيد. (او كه قادر بر رستاخيز انرژي ها است، قادر بر برانگيختن مردگان و باز گرداندن به زندگي دوباره ايشان است.

81- آيا كسي كه آسمانها و زمين را آفريده است، قدرت ندارد (انسانهاي خاك شده را دوباره) چگونه خودشان بيافريند؟ آري (مي تواند چنين كند) چرا كه او آفريدگار بس آگاه و داناست.

82- هرگاه خدا چيزي را بخواهد كه بشود كار او تنها اين است كه خطاب بدان بگويد: بشو! آن هم مي شود.

83- او پاك است خداوندي كه مالكيت و حاكميت همه چيز در دست او است، و شما به سوي او برگرداند مي شود (و هب حساب و كتابتان رسيدگي مي گردد).

ﮋ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀﮊ .[الزمر: ٣٨ - ٤٠].

38- اگر از مشركان بپرسي چه كسي آسمانها و زمين را آفريده است؟ خواهند گفت: خدا، بگو: آيا چيزهايي را كه بجز خدا بفرياد مي خوانيد چنين مي بينيد كه اگر خدا بخواهد زبان و گزندي به من برساند، آنها بتوانند آن زيان و گزند خداوندي را برطرف سازند؟ و يا اگر خدا بخواهد لطف و مرحمتي در حق من روا دارد، آنها بتوانند جلو لطف و مرحمتش را بگيرند و آن را باز دارد؟ بگو: خدا مرا بس است. توكل كنندگان تنها بر او تكيه و توكل مي كنند و بس.

39- بگو: اي قوم من! شما بر موضع خود باشيد و هرچه در توانداريد انجام دهيد، من نيز در راه خود ثابت قدم هستم و به وظيفه خود عمل مي كنم، اما خواهيد دانست.

40- (خواهيد دانست كه) چه كسي عذاب خواركننده (دنيا) به سراغ او خواهد آمد و خوار و رسوايش خواهد كرد، و (به دنبال آن) عذاب جاويدان (آخرت) گريبانگريش مي گردد.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚﮛ ﮊ .[الأحقاف: ٢٩ - ٣٢].

29- (اي پيغمبر! خاطرنشان ساز) زماني را كه گروهي از جنيان را به سوي تو روانه كرديم تا قرآن را بشنوند هنگامي كه حاضر آمدند، به يكديگر گفتند: خاموش باشيد و گوش فرا دهيد. هنگامي كه تلاوت قرآن، به پايان آمد به عنوان مبلغان و دعوت كنندگان (همچنسان خود، به آئين آسماني) به سوي قوم خود برگشتند.

30- اينان گفتند: اي قوم ما! ما به كتابي گوش فرا داديم كه بعد از موسي فرستاده شده است و كتابهاي پيش از خود را تصديق مي كند (و هماهنگ با كتابهاي آسماني پيشين است) و به سوي حق رهنمود مي كند و به راه راست راه مي نمايد.

31- اي قوم ما! سخنان فراخواننده الهي را بپذيريد و به او ايمان بياوريد. تا خدا گناهانتان را بيامرزد و شما را در پناه خويش (محفوظ و مصون از عذاب سخت آخرت) دارد.

32- هر كسي هم سخنان فراخواننده الهي را نپذيرد، نمي تواند خداي را از دستيابي به خود در زمين ناتوان كند (و خويشتن را از چنگال عذاب الهي پناه دهد و از دست انتقام او بگريزد)، و براي او جز خدا هيچ ولي و ياوري نيست. چنين كساني در گمراهي آشكاري هستند.

ﮋ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﮊ .[الرحمن: ٢٦ - ٣٦].

26- همه چيزها و همه كساني كه بر روي زمين هستند، دستخوش فنا مي گردند.

27- و تنها ذات پروردگار باعظمت و ارجمند تو مي ماند و بس.

28- پس كداميك از نعمتهاي پروردگارتان را تكذيب مي كنيد و انكار مي نمائيد؟!

29- همه چيزها و همه كساني كه در آسمانها و زمينند (به زبان حال يا قال، روزي و نياز خود را) از خدا درخواست مي كنند. او پيوسته دست اندر كار كاري است.

30- پس كداميك از نعمتهاي پروردگارتان را تكذيب و انكار مي كنيد؟!

31- اي پريها و انسانها! به حساب شما خواهيم پرداخت.

32- پس كداميك از نعمتهاي پروردگار خود را انكار و تكذيب مي كنيد؟!

33- اي گروه پريها و انسانها! اگر مي توانيد از نواحي آسمان و زمين گبذريد، و ليكن نمي توانيد بگذريد مگر با قدرت عظيم (مادي و معنوي).

34- پس كداميك از نعمتهاي پروردگارتان را تكذيب و انكار مي كنيد؟!

35- آتش بي دود و ميس گداخته به سوي شما روانه مي گردد و بر سر شما ريخته مي شود، شما همديگر را نمي توانيد ياري بدهيد.

36- پس كدامين نعمت پروردگارتان را تكذيب و انكار مي كنيد؟!

ﮋ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﮊ .[الحشر: ٢١ - ٢٤].

21- اگر ما اين قرآن را براي كوهي فرو مي فرستاديم، كوه را از ترس خدا، كرنش كنان و شگافته مي ديدي! ما اين مثالها را براي مردمان بيان مي داريم، شايد كه ايشان بينديشند (و با ديد بينا و بينش آگاه به آيات قرآني بنگرند و دل سنگين خود را با برق قرآن منفجر و آن را به تكان و لرزه آورند).

22- خدا كسي است كه جز او پروردگار و معبودي نيست، آگاه از جهان نهان و آشكار است (ناپيدا و پيدا در برابر دانشش يكسان است) او داراي مرحمت عامه (در اين جهان، در حق همگان) و داراي مرحمت خاصه (در آن جهان نسبت به مومنان) است.

23- خدا كسي است كه جز او پروردگار و معبودي نيست. او فرمانروا، منزه، بي عيب و نقص، امان دهنده و ؟؟؟ بخشنده، محافظ و مراقب، قدرتمند چيره، بزرگوار و شكوهمند، والامقام و فرازمند است. خداوند دور و فرا از چيزهايي است كه انباز او مي كنند.

24- او خداوندي است كه طراح هستي و آفريدگار آن از نيتي و صورتگر جهان است. داراي نامهاي نيك و زيبا است چيزهايي كه در آسمانها و زمين هستند، تسبيح و تقديس او مي گويند، و او چيره كار بجا است.

ﮋ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﮊ .[الأعلى: ١ - ١٩].

1. تسبيح و تقديس كن پروردگار والامقام خود را.
2. همان خداوندي كه (چيزها را) مي آفريند و پس (آنها را هماهنگ مي كند و) مي آرايد.
3. خداوندي كه اندازه گيري مي كند (هر چيزي را آنگونه كه شايسته و بايسته است مي آفريند، و آنگاه آن را به كاري) رهنمود مي نمايد (كه بايد بكند).
4. خداوندي كه چراگاه را (براي تغذيه جانداران از زمين مي روياند و) و بيرون مي آورد.
5. پس آن را خشك و سياه مي گرداند.
6. ما قرآن را بر تو خواهيم خواند و به تو خواهيم آموخت، و تو ديگر آن را فراموش نخواهي كرد.
7. مگر چيزي را كه خدا بخواهد قطعاً او آشكارا و نهان را مي داند (چنين خدايي نگاهبان قرآن است و آنچه مورد نياز بشر بوده و هست از طريق وحي قرآن به تو مي رساند، و چيزي را در اين زمينه فروگذار نمي كند).
8. ما تو را براي شريعت ساده و آسان (آئين اسلام) آماده مي سازيم (و كارهاي خيري را براي تو آسان مي نمائيم و در انجام آنها توفيقت مي دهيم).
9. اگر پند و اندرز سودمند باشد، و اندرز بده.
10. كسي كه (احسان مسئوليت مي كند و از خدا) مي ترسد. پند و اندرز خواهد گرفت.
11. بدبخت ترين فرد (پند و اندرز را كنار خواهد گذاشت و) و از آن دوري خواهد گزيد.
12. آن كسي كه داخل عظيم ترين (و هولناك ترين) آتش خواهد شد و بدان خواهد سوخت.
13. سپس در آن آتش (براي هميشه مي ماند و) مي ميرد (و آسوده مي گردد) و نه زنده (بشمار مي آيد و حالتي كه در آن است زندگي ناميده) مي شود.
14. قطعاً رستگار مي گردد كسي كه خويشتن را (از كثافت كفر و معاصي) پاكيزه دارد.
15. و نام پروردگار خود را ببرد و نماز بگذارد و فروتني كند.
16. بلكه (بنا به سرشت انساني) زندگي دنيا را (كه محسوس و نقد است، بر زندگي آخرت كه نامحسوس و نسيه است) ترجيح مي دهيد و بر ميگزينيد.
17. در حالي كه آخرت (از د نيا) بهتر و پاينده تر است (عاقل چرا بايد فاني و گذرا بر باقي و پايان ترجيح دهد)؟
18. اين (چيزها منحصر به اين كتاب آسماني نيست، بلكه) در كتابي پيشين (نيز آمده و) بوده است.
19. (از جمله در) كابهاي ابراهيم و موسي.

ﮋ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﮊ .[البقرة: ١٦٥ - ١٦٧].

165- برخي از مردم هستند كه غير از خدا، خدا گونه هايي بر مي گزينند و آنان را همچون خدا دوست مي دارند و كساني كه ايمان آورده اند خدا را سخت دوست مي دارند (و بالاتر از هر چيز بدو عشق مي ورزند). آنان كه ستم مي كنند اگر مي شد عذابي را مشاهده نمايند كه هنگام (رستاخيز) مي بينند، (مي فهمند كه) قدرت و عظمت همه از آن خداست و خدا داراي عذاب سختي است.

166- در آن هنگام كه (رستاخيز فرا مي رسد و پيروان سرگشته از ؟؟؟؟ گمراه كنند مي خواهند كه رستگارشان سازند و) رهبران از پيروان خود بيزاري مي جويند (و نسبت به آن اظهار ناشناسي و بيگانگي مي كنند) و عذاب را مشاهده مي نمايند، و روابط (و پيوندهاي مودت و محبتي كه در دنيا ميانشان بود) گسيخته مي گردد (و دستشان از همه جا كوتاه مي شود).

167- و (در اين موقع) پيروان مي گويند: كاش بازگشتي (به دنيا) مي داشتيم تا از آنان بيزاري جوئيم همانگونه كه آنان (امروزه) ما بيزاري جستند (و نا آشنايمان ناميدند. آري) اين چنين خداوند كردارهايشان را بگونه حسرت زا و اندوهباري نشان ايشان مي دهد، و آنان هرگز از آتش (دوزخ) بيرون نخواهند آمد.

ﮋ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳﭴ ﭵ ﭶﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﮊ .[آل عمران: ١٥١].

151- در دلهاي كافران رعب و هراس خواهيم انداخت، از آن رو كه چيزهايي را انباز خدا ساخته اند كه خداوند دليل و برهاني (بر حقانيت آنها) فرو نفرستاده است، و جايگاه آنان آتش (دوزخ) است. و جايگاه ستمكاران چه بد جايگاهي است.

ﮋ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛﮊ.[الأنعام: ٤٣ - ٤٥].

43- آنان چرا نبايد هنگامي كه به عذاب ما گرفتار مي آيند، خشوع و خضوع كند (و بيدار شوند و اندرز گيرند و تضرع و زاري دست دعا به سوي باري بلند كنند و آمرزش خواهند؟) ولي دلهايشان سخت شده است و (نرود ميخ آهنين بر سنگ! و علاوه از قساوت قلب) اهريمن (هم) اعمالي را كه انجام مي دهند برايشان آراسته و پيراسته است.

44- كه هنگامي كه آنان فراموش كردند آنچه را كه بدان متذكر و متعظ شده بودند (و آزمون ناداري و بيماري كارگر نيفتاد (و آزمون ديگري جهت بيدار ايشان بكار برديم و) درهاي همه چيز (از نعمتها) را به رويشان گشوديم تا آنگاه كه (كاملاً در فراخي نعمت غوطه ور شدند و) بدانچه بديشان داده شد شاد و مسرور گشتند (و باده ثروت و قدرت ايشان را گرفت و سرمست و مغرور شدند و ناشكري كردند و) ما بناگاه ايشان را بگرفتيم (و به عذاب خود مبتلا كرديم) و آنان مايوس و متحير ماندند (و به سوي نجات راه نبردند).

45- (بدين ترتيب) نسل ستمكاران ريشه كن شد و ستايش تنها پروردگار جهانيان را سزاست (كه با فقمت ونعمت مردمان را تربيت مي كند، و روي زمين را از فساد ظالمان پاك مي سازد).

ﮋ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﮊ .[الأنفال: ١٢ - ١٤].

12- (اي مومنان! به ياد آوريد) زماني را كه پروردگار تو به فرشتگان وحي كرد كه من با شمايم پس مومنان را تقويت و ثابت قدم بداريد. (و من هم) به دلهاي كافران خوب و هراس خواهم انداخت. (به مومنان الهام كنيد:) سرهاي آنان را بزنيد (و از هم بشكافيد كه بر گردنهاي ناپاكشان سنگيني مي كند) و دستهاي ايشان را ببريد (پنچه هايشان را پي كنيد).

13- اين (پشتيباني از مومنان و رسوا كردن كافران) بدان خاطر است كه كافران با خدا و پيغمبرش بستيزد (او در خور عذاب است و هرچه زودتر خدا او را گرفتار مجازات دردناك در دنيا و آخرت خواهد كرد) چه خدا داراي عقاب شديد است (همانگونه كه داراي رحمت وسيع است).

14- اين (عذاب و عقاب دنيوي، بعضي شكست و گريز در برابر مومنان) را بچشيد و (بدانيد كه) عذاب دوزخ براي كافران (بجاي خود باقي) است.

ﮋ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﮊ .[إبراهيم: ٤٢ - ٤٣].

42- (اي پيغمبر!) گمان مبر كه خدا از كارهايي كه ستمگران مي كنند بي خبر است (نه، بلكه مجازات) آنان را به روزي حواله مي كند كه چشمها در آن (از خوف و هراس چيزهايي كه مي بيند) باز مي نمايد.

43- (ستمگران همچون اسيران، از هراس) سرهاي خود را بالا گرفته و يك راست (به سوي ندا دهنده) مي شتابند و چشمانشان (از مشاهده اين همه عذاب هراسناك) فروبسته نمي شود و دلهايشان (فرو مي تپد از عقل و فهم و انديشه) تهي مي گردد.

ﮋ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮊ .[الأحزاب: ٢٥ - ٢٧].

25- خداوند كافران را با دلي لبريز از خشمو غم بازگرداند. در حالي كه به هيچ يك از نتائجي كه در نظر (داشتند نرسيده) بودند. خداوند (در اين ميدان) مومنان را (با طوفان باد و ارسال فرشتگان) از جنگ بي نياز ساخت و خداوند نيرومند و چيره است.

26- خداوند كساني از اهل كتاب (بني قريظه) را كه احزاب را پشتيباني كرده بودند از ؟؟؟هايشان پايين كشيد، و به دلهايشان ترس و هراس انداخت (و كارشان به جايي رسيد كه) گروهي را كشتند و گروهي را اسير كردند.

27- و زمينها و خانه هايشان و دارائي آنان، همچنين زميني را كه هرگز بدان گام ننهده بوديد، به چنگ شما انداخت، بيگمان خداوند بر هر چيزي توانا است.

ﮋ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓﮔ ﮕﮖ ﮗﮘ ﮙﮚ ﮛﮜ ﮝﮞﮊ.[سبأ:٥١ - ٥٤].

51- اگر برايت ممكن بود ببيني (حال ستمگران را) در آن دم كه به وحشت مي افتند و راه گريزي ندارند و اصلاً مهلتي بديشان داده نمي شود، و از مكان و نزديكي گرفتار (و روانه آتش) مي گردند (صحنه هراس انگيزي را خواهي ديد كه انسان را از آن بر خورد مي لرزد و بيتاب مي شود).

52- و (به هنگام گرفتار شدن در چنگال مجازات الهي) خواهند گفت: به (حق) ايمان داريم، آنان چگونه مي توانند از فاصله دور (از جهان كه جاي پذيرش ايمان و مزرعه آخرت بود) سهل و ساده حق را فراچنگ آورند (و از مزاياي ايمان بدان برخوردار شوند؟)

53- و حال اينكه قبلاً (در زمان حيات كه از عقل و اختيار و اراده برخوردار بوده اند) حق را نپذيرفته اند، و بلكه دورا دور به همان غيب نسبتهاي ناروايي زده اند (و نبوت و قيامت و بهشت و دوزخ بالاخره جهان ماوراء طبيعت را به تمسخر گرفته اند).

54- ميان ايشان و آنچه آرزو دارند (كه پذيرش ايمان ايشان و نجات از عذاب است) جدايي افكنده مي شود همانگونه كه با گروههاي همسان و همكيش آنان قبلاً چنين عمل شده است آخر ايشان (در جهان) سراپا در شك بوده اند. (و زندگي را پيوسته باطن و گمان به سر برده اند و اينك چنين سرنوشتي بايد داشته باشند).

1. ﮋ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﮊ .[يس: ١ – ١٢].
2. يا، سين.
3. سوگند به قرآن حكيم.
4. قطعاً تو از زمره فرستادگان (يزدان) هستي.
5. و بر راه راست (خداشناسي) قرار دادي (كه دين اسلام است).
6. (اين قرآن را) فرو فرستاده است خداوند چيره و مهربان.
7. (آن را براي تو فرو فرستاده است) تا قومي را بيم دهي كه پدران و نياكان (نزديك) ايشان (توسط پيغمبران) بيم داده نشده اند. و به همين علت است كه غافل و بي خبر (از قانون آسماني نسبت به خدا و خود و مردمان) هستند.
8. (ايشان مستحق عذاب گشته اند و) سخت (خدا مبني بر پركران جهنم از چنين افرادي) درباره بيشتر آنان به حقيقت پيوسته است، و آنان ديگر ايمان نمي آورند.
9. ما به گردنهايشان غلهايي مي اندازيم كه تا چانه هايشان مي رسد و سرهاي ايشان (بر اثر آن) رو به بالا نگاه داشته مي شود (و نه مي توانند به زير پاهاي خود بنگرند، و نه مي توانند سرهايشان را بدين سو و آن سو حركت دهند).
10. ما در پيش روي آنان سدي، در پشت سر ايشان سدي قرار داده ايم (و لذا به كساني مي مانند كه در ميان دو سد، گير كرده باشند، و پيش رو و پشت سر خود را مشاهده نكنند) و بدين وسيله جلو چشمان ايشان را گرفته ايم و ديگر نمي بينند.
11. چه آنان را بترساني و چه ايشان را نترساني، برايشان يكسان است ايمان نمي آورند.
12. تو تنها كسي را مي ترساني (و يا بيم دادند بدو سود مي رساني) كه از قرآن پيروي كند و پنهاني از (خداوند) مهربان هراس داشته باشد. چنين كسي را به گذشت و پاداش ارشمنيد مژده بده.
13. ما خودمان مردگان را زنده مي گردانيم و چيزهايي را كه (در دنيا) پيشاپيش فرستاده اند و (كارهايي را كه كرده اند، و همچنين) چيزهايي را كه (در آن) بر جاي نهاده اند (و كارهايي را كه نكرده اند، ثبت و ضبط مي كنيم و) مي نويسيم، و ما همه چيز را در كتاب آشكار (لوح محفوظ) سرشماري مي نماييم و مي نگاريم.

ﮋ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﮊ .[النازعات: ٦ - ١٤].

6- (رستاخيز و قيامت برپا گردد) در آن روزي كه (نفخه اول در صور دميده مي شود و) زلزله اي در مي گيرد (و دنيا خراب مي گردد و همگان مي ميرند).

7- پس (نفخه دوم، در صور دميده مي شود و زلزله نخستين) زلزله ديگري به به دنبال خواهد داشت (كه مردگان زنده مي گردند و رستاخيز و قيامت آغاز مي شود و جهان ابدي آغاز مي گردد).

8- دلهايي در آن روز تپان و پريشان مي گردند.

9- و چشمانشان فرو افتاده و فروخفته مي گردد.

10- (اينان در دنيا) مي گفتند: آيا ما دوباره (زنده مي گرديم) و به زندگي بازگردانده مي شويم؟!

11- آيا وقتي كه استخوانهاي پوسيده و فرسوده اي خواهيم شد (به زندگي بازگردانده مي شويم؟)

12- (تمسخركنان) مي گفتند: اين (بازگشت به زندگي دوباره، اگر انجام پذير گردد) در اين صورت بازگشت زيانبار و زيان بخش خواهد بود! (و ما هرگز از اين زيانها نخواهيم كرد، چنين كاري ممكن نيست).

13- (بازگشت آنان چندان مشكل نيست) تنها صدايي (از صور) بر مي خيزد و بازگشت انجام مي پذيرد.

14- ناگهان همگان (به پا مي خيزند و) در دشت پهناور و سفيد محشر آماده مي شوند.

ﮋ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﰔ ﰕ ﰖ ﰗ ﮊ .[النازعات: ٤٦].

46- روزي كه آنان برپايي رستاخيز را مي بينند (چنين احساس مي كنند كه در جهان) گوئي جز شامگاهي يا چاشتگاهي از آن درنگ نكرده اند و بسر نبرده اند.

ﮋ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕﮖﮗ ﮘﮙ ﮚﮛﮜ ﮝﮞﮟﮊ .[النساء: ٥٦].

56- بيگمان كساني كه آيات و دلائل ما را انكار كرده و انبياء ما را تكذيب نموده اند، بالاخره ايشان را به آتش شگفتي وارد مي گردانيم و بدان مي سوازيم. هر زمان كه پوستهاي (بدن) آنان بريان و سوخته شود. پوستهاي ديگري بجاي آن قرار مي دهيم تا (چشش درد، مستمر باشد و) مزه عذاب را بچشند. خداوند، توانا (بر عذاب منكران و كافران و) حكيم است (و از روي حكمت كيفر مي دهد).

ﮋ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﮊ .[النساء: ١٦٧ - ١٦٨].

167- بيگمان كساني كه راه كفر را در پيش گرفته اند و(ديگران را با تهديد يا تبليغ) از راه خدا باز داشته اند (و نافع دخول مردم به دين خدا شده اند، فرسنگها از حق دور گشته اند و) بسيار گمراه شده اند.

168- بيگمان كساني كه راه كفر را در پيش گرفته اند و ستم ورزيده اند (مادام كه بر كفر ماندگار باشند) خداوند ايشان را نمي بخشد و آنان را به راهي (كه راه نجات و بهشت باشد) هدايت نخواهد كرد.

ﮋ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﮊ .[المائدة: ٣٣ - ٣٧].

33- كيفر كساني كه (بر حكومت اسلامي مي شورند و بر احكام شريعت مي تازند و بدين وسيله) با خدا و پيغمبرش مي جنگند، و در روي زمين (به تهديد امنيت مردم و سلب حقوق انسانها، مثلاً از راه راهزني و غارت كاروانها) دست به فساد مي زنند، اين است كه (در برابر كشتن مردم) كشته شوند، يا (در برابر كشتن مردم و غصب اموال) بدار زده شوند، يا (در برابر راهزني و غصب اموال، تنها) دست و پاي آن در جهت عكس يكديگر بريده شود و يا اينكه (در برابر قطع طريق و تمديد، تنها) از جايي به جايي تبعيد گردند و يا زنداني شوند. اين رسوايي آنان در دنيا است. و براي ايشان در آخرت مجازات بزرگي است.

34- مگر كساني (از اين محاربين با حكومت اسلامي و راهزنان و مفسداني) كه پيش از دست يافتن شما بر آنان از كرده خود پشيمان شوند و توبه كنند (كه مجازات مذكور يزدان از آنان سلب، ولي حقوق مردمان بجاي خود باقي مي ماند). چه بدانيد كه خداوند داراي مغفرت و رحمت فراوان است (و توبه كاران را مي بخشد و بديشان رحم مي كند).

35- اي مومنان از خدا بترسيد و (از اوامر او اطاعت كنيد و از نواهي او اجتناب ورزيد) و براي تقرب به خدا وسيله بجوئيد. (كه عبارت از طاعت و عبادت و اعمال شايسته و بايسته است) و در راه او جهاد كنيد تا اينكه رستگار شويد.

36- بيگمان اگر همه آنچه در زمين است و همانند آن مال كافران باشد و (يكايك آنان در آخرت) آن را براي نجات خود از عذاب روز قيامت بپردازند و بخواهند خويشتن را بدان بازخريد كنند، از ايشان پذيرفته نمي گردد (و راهي براي نجاتشان وجود ندارد) و داراي عذاب دردناكي مي باشند.

37- آنان پيوسته مي خواهند از آتش دوزخ بيرون بيايند، ولي ايشان نمي توانند از آن بيرون بيايند، و داراي عذاب دائم و مستمرند.

ﮋ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮊ .[الكهف: ٢٩].

29- بگو: حق (همان چيزي است كه) از سوي پروردگارتان (آمده) است (و من آن را با خود آورده ام و برنامه من و همه مومنان است) پس هر كس كه مي خواهد (بدان) ايمان بياورد و هر كس مي خواهد (بدان) كافر شود. ما براي ستمگران آتشي را آماده كرده ايم (از هر طرف ايشان را احاطه مي كند و) سرا پرده آنان را در بر مي گيرد، و اگر (در آن آتش سوزان) فرياد برآورند (كه آب) با آبي همچون فلز گداخته به فريادشان رسند كه چهره ها را بريان مي كند! چه بد نوشابه اي! و چه زشت منزلي!

ﮋ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖﯗﯘ ﯙﯚ ﯛﯜ ﯝ ﯞﮊ .[الكهف: ١٠0- ١٠٦].

100- و در آن روز، دوزخ را به طرز شگفتي به كافران نشان مي دهيم (و ايشان را در آن گرد مي آوريم).

101- كافراني كه چشمانشان از (ديدن) آيات (خواندني و ديدني) من در پرده بوده و توان شنيدن (فرمان يزدان) را نداشته اند (و از نيروي بينايي و شنوايي براي درك حقائق و رسيدن به سعادت استفاده نكرده اند).

102- آيا كافران گمان مي برند كه بجز من، بندگان مرا (نيز اگر) سرور و سرپرست خود گيرند (و معبود و مسجود خويش دانند، بديشان سود مي رسانند؟) ما دوزخ را براي پذيرايي از كافران آماده كرده ايم.

103- (اي پيغمبر! به كافران) بگو: آيا شما را از زيانكارترين مردم آگاه سازيم؟

104- آنان كسانيند كه تلاش و تكاپوشان (به سبب تباهي عقيده و باورشان) در زندگي دنيا هدر مي رود (و بي سود مي شود) و خود گمان مي برند كه به بهترين وجه كار نيك مي كنند (و طاعت و عبادت شرك آلودشان موجب رستگاريشان مي شود).

105- آنان كسانيند كه به آيات (قرآني و دلائل قدرت) پروردگارشان و ملاقات او (در جهان ديگر، براي حساب و كتاب) بي باور و كافرند، و در نتيجه اعمالشان باطل و هدر مي رود، و و در روز رستاخيز ارزشي براي ايشان قائل نمي شويم (و قدر منزلتي در پيشگاه ما نخواهند داشت)

106- (حال و احوال ايشان) همانگونه است (كه بيان كرديم)، و به سبب كفر ورزيدنشان به خاطر مسخره كردن آياتم و پيغمبرانم توسط ايشان، سزاي آنان دوزخ است.

ﮋ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﮊ .[الحج: ١٩ - ٢٢ ].

19- اينان كه دو دسته مقابل هم (مردمان به نام مومنان و كافران) مي باشند. (در آيه هاي متعدد ذكري از ايشان رفته است) درباره (ذات و صفات) خدا به جدال پرداخته اند و به كشمكش نشسته اند، كساني كه كافرند، خداوند برايشان آتش دوزخ را تهيه ديده، و انگار آتش آن) جامه هايي (است كه به تن آنان چسبيده بوده و) و براي آنان از آتش بريده (و دوخته) شده است. (علاوه بر آن) از بالاي سرهايشان (بر آنان) آب بسيار گرم و سوزان ريخته مي شود.

20- (اين آب جوشان آن چنان در بدنشان نفوذ مي كند كه) آنچه در درونشان است بدان گداخته و ذوب مي گردد، و هم پوستهايشان.

21- و تازيانه هايي از آهن براي (زدن و سركوبي) ايشان (آماده شده) است.

22- هر زماني كه دوزخيان بخواهند خويشتن را از غم و اندوه عظيم آتش برهانند بدان برگردانده شوند (آمرانه بديشان گفته مي شود) بچشيد عذاب سوزان را.

ﮋ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﮊ .[المؤمنون: ٩٧ - ١١٨].

97- (در عين حال خود را به خدا بسپار) و بگو: پروردگارا! خويشتن را از وسوسه هاي اهريمنان (و تحريكات ايشان به انجام گناهان) در پناه تومي دارم.

98- و خويشتن را در پناه تو مي دارم از اينكه با من (در اعمال و اقوال و ساير احوال) گرد آيند (و مرا از تو غافل نمايند).

99- (كافران به راه غلط خود ادامه مي دهند) و زماني كه مرگ يك ياز آنان فرا مي رسد، مي گويد: پروردگارا! مرا (به دنيا) بازگردانيد.

100- تا اينكه كار شايسته اي بكنم و فرصتهايي را كه از دست داده ام جبران نمايم، نه! (هرگز راه بازگشتي وجود ندارد). اين سخني است كه او بر زبان مي راند (و اگر به فرض به زندگي دنيا برگردد، باز به همان برنامه و روش خود ادامه مي دهد). در پيش روي ايشان جهان برزخ است تا روزي كه برانگيخته مي شوند (و دوباره زنده مي گردند و براي سعادت سرمدي يا شقاوت ابدي به صحراي محشر گسيل مي شوند).

101- هنگامي كه (براي بار دوم) در صور دميده شود. هيچگونه خويشاوندي و نسبتي در ميان آنان نمي ماند (چرا كه هر كس در انديشه نجات خويشتن است) و در آن روز از همديگر نمي پرسند (زيرا در جهان ديگر انتساب به فلان شخص يا طايفه و قبيله كارگشا نيست و در آن دم همه از يكديگر گريزانند.

102- كساني كه سنجيده ها (اعمال و اقوال دنيوي) ايشان، سنگين و ارزشمند شود (و در ترازوي خدا وزن و اجري داشته باشد)، اينان قطعاً رستگارند.

103- و كسانيكه سنجيده هاي (اعمال و اقوال دنيوي) ايشان، سبك و بي ارزش باشد اينان (عمر خود را باخته و) خويشتن را زيانمند نموده اند و در دوزخ جاودانه خواهند ماند.

104- شعله هاي آتش دوزخ صورتهاي ايشان را فرا مي گيرد و آنان در ميان آن چهره در هم كشيده (پريشان و نادان) بسر مي برند.

105- (خداوند خطاب بديشان مي گويد: ) مگر آيات من بر شما خوانده نمي شد و شما آنها را دروغ مي ناميديد؟!

106- در پاسخ مي گويند: پروردگارا! بدبختي ما (كه ناشي از انجام معاصي بود) بر ما چيره گشته بود، ما مردمان گمراهي بوديم.

107- پروردگارا! ما را از آتش دوزخ بيرون بياور، و اگر (بعد از اين، به كفر و عصيان و انجام گناهان) برگشتيم، ما ستمگر خواهيم بود (و مستحق هرگونه عذابي).

108- (خداوند بديشان) مي گويد: بتمرگيد در آن! و با من سخن مگوئيد.

109- (مگر فراموش كرده ايد، در دنيا) گروهي از بندگان من مي گفتند: پروردگارا! ايمان آورده ايم، پس ما را ببخش و بر ما رحم فرما، و تو بهترين رحم كنندگان هستي.

110- شما ايشان را به باد تمسخر مي گرفتيد، تا آ،جا كه سرگرم شدن به تمسخر ايشان، ذكر و عبادت مرا از يادتان برده بود، و كارتان هميشه خنديدن بدانان بود و بس.

111- من امروز به خاطر صبري كه كرده اند و پايمردي و استقامتي كه (در برابر آن همه استهزاء) نشان داده اند، پاداششان داده ام (و در بهشت جايگزينشان كرده ام) و آنان به مقصود رسيدگان و رستگارانند.

112- (خداوند بديشان) مي گويد: چند در روي زمين زيسته و ماندگار بوده ايد؟!

113- مي گويند: روزي يا بخشي از روزي! (ما كه سخت گرفتار عذابيم، پاسخ درستي نمي توانيم بدهيم) پس از كساني بپرسي كه قادر به شمارش هستند.

114- (خداوند بديشان) مي گويد: جز مدت كمي (در زمين) ماندگار نبوده ايد. اگر شما كمترين آگاهي ودانش مي داشتيد (در دنيا متوجه اين مي شديد).

115- آيا گمان برده ايد كه ما شما را بيهوده آفريده ايم و (حكمت و فلسفه اي در آفرينش شما نيست، اين است كه به فساد پرداخته ايد؟ و چنين انگاشته ايد كه) به سوي ما (براي حساب و كتاب) برگردانده نمي شويد.

116- خداوندي كه فرمانرواي راستين است و هيچ معبودي جز او نيست و صاحب عرش عظيم است، برتر از آن است (كه جهان هستي را بيهوده و بي هدف آفريده باشد).

117- هر كس كه با خدا، معبود ديگري را به فرياد خواند و مسلماً هيچ دليلي بر حقانيت آن نخواهد داشت حساب او با خداست قطعاً كافران رستگار نمي گردند، (و بلكه مومنان رستگار مي شوند).

118- بگو: پروردگارا! (گناهانم را) ببخشاي و (به من مرحمت فرماي، چرا كه تو بهترين مهرباناني).

ﮋ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﮊ .[السجدة: ١٨ - ٢٠].

18- آيا كسي كه مومن بوده است، همچون كسي است كه فاسق بوده است؟! (نه، هرگز! اين دو برابر نيستند).

19- اما كساني كه ايمان آورده اند و كارهاي شايسته انجام داده اند، باغهاي بهشت كه جاي زندگي است، از آن ايشان خواهد بود، به عنوان محل پذيرائي (خدا از ايشان) در برابر كارهائي كه (در دنيا) انجام مي داده اند.

20- و اما كساني كه (از فرمان خدا و اطاعت از او) بدر رفته (و راه كفر در پيش گرفته اند) جايگاه ايشان آتش دوزخ است. هر زمان كه بخواهند از آن برد آيند. ايشان بدانجا بازگردانده مي شوند و بديشان گفته مي شود: بچشيد عذاب آتشي را كه آن را دروغ مي پنداشتيد!

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮊ .[الصافات: ١ - ١١].

1. قسم به آنان كه (در مقام عبوديت و افقياد) محكم صف كشيده اند!
2. و قسم به آنان كه سخت باز مي دارند!
3. و قسم به آنان كه پياپي (آيات خدا) را تلاوت مي كنند!
4. قطعاً معبود شما يكي است (نه بيشتر.
5. آن كسي كه خداوند آسمانها و زمين و همه چيزهايي است كه در ميان آن دو قرار دارد. و خداوند مشرقها است.
6. ما نزديكترين (به شما) را با زينت ستارگان آراسته ايم.
7. ما آن را از هر شيطان متمردي، كاملاً حفظ كرده ايم.
8. آنان نمي توانند به گروه والامقام (و صدرنشينان عالم را ملكوت، كه فرشتگان كبارند) دزدكي گوش فرادهند (و اسرار غيب را بشنوند) چر اكه از هر سو به سويشان (تيرهاي شهاب) نشانه مي رود.
9. آنان سخت (به عقب رانده مي شوند و از صحنه آسمان) طرد مي گردند. و عذاب به تمام و كمالي (در دنيا) و دائمي و سرمدي (در آخرت) دارند.
10. و اما از آنان هر كه با سرعت استراق سمعي كند، فوراً آذرخش سوراخ كننده (جو آسمان و بدن آن شيطان) بدنبال او روان مي گردد (وي را مي سوزاند و نابودش مي گرداند).
11. (به منكران بعث و قيامت بگو و) از ايشان پرس و جو كن كه آيا آفرينش (دوباره) ايشان سخت تر و دشوارتر است يا آفرينش (آسمانها و زمين و فرشتگان و ساير) چيزهايي كه آفريده ايم؟ ما كه ايشان را از گل چسبنده ناچيزي (در ؟؟؟ خلقت) آفريده ايم (و بر آفرينش آنان توانا بوده ايم لذا سهل و ساده ايشان را باز آفرينش مي كنيم و مشكلي در اين امر نمي بينيم).

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮊ .[الزخرف: ٧٤ - ٨٠].

74- بزهكارانه، جاودانه در عذاب دوزخ مي مانند.

75- عذابشان كاسته نمي گردد و سبك نمي شود، و آنان در ميان عذاب، اندوهناك و نوميد و خاموش مي ماند.

76- ما بديشان ستم نكرده ايم (كه آنان را بدين عذاب گرفتار ساخته ايم) و ليكن خودشان به خويشتن ستم كرده اند.

77- آنان فرياد مي زنند: أي مالك ((از فرشتگان آتش) پروردگارت ما را بميراند و نابودمان گرداند (تا بيش از اين رنج نبريم و از اين عذاب دردناك آسوده شديم. او بديشان) مي گويد: شما (اينجا) مي مانيد (و مرگ و مير و نيستي و نابودي در كار نيست).

78- (خداوند بديشان پيام مي دهد كه) ما حق را براي شما آورديم (و توسط پيغمبران برايتان فرو فرستاديم) ولي اكثر شما حق را نپسنديدند و آن را دشمن داشتيد.

79- بلكه، آنان تصميم محكمي (بر توطئه قتل محمد) گرفتند و ما نيز اراده محكم و تغيير ناپذيري گرفتيم (درباره مجازات سخت و كيفر دادنشان در دنيا و آخرت).

80- آيا گمان مي برند كه ما اسرار پنهاني و سخنان در گوشي آنان را نمي شنويم؟! آري (ما آگاه از راز و رمز ايشان و شنواي نجواي آنان بوده و) گذشته از اين فرشتگان مامور ما در كنارشان حاضر و بر اعمالشان ناظرند (همه كردار و گفتارشان را) مي نويسند و ثبت و ضبط مي كنند.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﮊ .[الدخان: ١ - ١٦ ].

1. حا. ميم.
2. سوگند به قرآن! كه روشن و روشنگر است.
3. ما قرآن را در شب پر خير و بركتي فرو فرستاده ايم. ما همواره بيم دهنده (كافران و مشركان و ظالمان، با ارسال پيغمبر به سويشان) بوده ايم (و كتابي برايشان فرو فرستاده ايم. اين قرآن هم آخرين حلقه از اين سلسله است).
4. در اين شب مبارك، هرگونه كار حكيمانه اي (كه انسان را به حقيقت آشنا و به سعادت برساند، و او از باطل و شقاوت دور گرداند، از سوي خدا) بيان و مقرر گشته است.
5. كار و باري كه از سوي ما صادر و بدان دستور داده شده است (و در قرآن براي انسانها روانه گشته است و) ما فرستنده (محمد و همه انبياء و قرآن و همه كتابهاي آسماني) بوده ايم.
6. (اين كار) به خاطر رحمتي از سوي پروردگارت (در حق انسانها) است خدا شنوا و آگاه است.
7. (پروردگار تو) كه پروردگار آسمانها و زمين و همه چيزهايي است كه در ميان آن دو است. اگر شما طالب يقين و باوريد (به اين كه خدا آفريدگار شما روزي رسان بندگان، و به زير فرمان كشانده خورشيد و ماه است).
8. جز او خدايي نيست. و او است كه زنده مي گرداند و مي ميراند. و پروردگار شما و پروردگار پدران و نياكان پيشين شما است.
9. اصلاً مشركان (درباره رسالت و دعوت آسماني) در شك و ترديدند و (آن را و كلاً زندگي را به بازي مي گيرند).
10. منتظر روزي باش كه آسمان زود آشكار را پديدار مي كند.
11. دودي كه تمام مردم را فرا مي گيرد، اين همان عذاب دردناك عظيم است.
12. (مردم رو به درگاه خدا مي كنند و مي گويند: ) پروردگارا! عذاب را از ما برطرف گردان، ما ايمان آورده ايم (و به اشتباهات خود پي برده ايم).
13. كي بيداري براي آنان فايده اي دارد؟ قبلاً كه پيغمبري (يا رسالتي روشن و معجزاتي دال بر صداقتش، و زبان گويا و) بيانگر (قوانين سرنوشت ساز و سعادت بخش) به پيش آنان آمده بوده است.
14. سپس از او رويگردان شدند و گفتند: او ديوانه اي (است اين مطلب توسط ديگران بدو) آموخته شده است.
15. اگر مدت اندكي عذاب را از شما بدور داريم (و به دنيا برگردانيم) قطعاً شما (به كفر و شرك و فسق و فجور خود) بر مي گرديد.
16. روزي سخت بر آنان مي تازيم (و با چنين يورش تندي) آنان را به مجازات مي رسانيم.

ﮋ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮊ .[الدخان: ٤٣ - ٥٠].

43 و 44- قطعاً درخت زقوم، خوراك گناهكاران است.

45- همچون فلز گداخته در شكمها مي جوشد.

46- جوششي همچون آب گرم و داغ.

47- (به ماموران دوزخ فرمان داده مي شود: ) اين كافر فاجر را بگيرد و به ميان دوزخ پرتابش كنيد.

48- سپس بر سر او آب جوشان بريزيد (تا بر عذاب او دردش افزوده گردد).

49- بچش كه تو زوردار و بزرگواري!

50- اين (عذابي كه هم اينك مي بينيد و لمسش مي كنيد) همان چيزي است كه پيوسته درباره آن شك و ترديد مي كرديد.

ﮋ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﮊ .[الجاثية: ٧ - ١٠ ].

7- واي بر هر كسي كه دروغپرداز و بدهكار باشد!

1. آن كسي كه پيوسته آيات خدا را مي شنود كه بر او خوانده مي شود (و از وعده و وعيد، بيم دادن و اميد دادن، امر و نهي، و پند و اندرز، صحبت مي دارد، اما او) پس از آن از روي تكبر (بر كفر و مخالفت با حق انعام گناه) اصرار مي ورزد؛ انگار آيه هاي خدا را نشنيده است! (حال كه چنين است) پس او را به عذاب بس دردناكي مژده بده.
2. هنگامي كه چيزي از آيات ما را فرا مي گيرد آن را به تمسخر مي گيرد و مايه استهزاء مي گرداند! اين چنين كساني عذاب بزرگ و خوار كننده اي دارند.
3. روياروي آنان دوزخ است، آنچه (از مال وجاه دنيا) بدست آورده اند و كساني كه سواي خداوند بعنوان اولياء برگزيده اند، اصلاً به حالشان سودي نمي رساند (و از دوزخ نمي رهاند) و عذاب بس بزرگي دارند.

ﮋ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﮊ .[ق: ٢٣ - ٣٠].

23- فرشته همدم او مي گويد، اينها چيزهايي است كه در پيش من آماده است (و من آنها را ثبت و ضبط كرده ام. پروردگارا! خود داني كه برابر اينها در حق او چكار مي كني).

24- (خدا به دو فرشته مامور ثبت و ضبط اعمال دستور مي دهد: ) هر كافر سركش و كينه توزي را به دوزخ بيندازيد!

25- آن كسي را كه سخت از انجام كارهاي نيك دست بازداشت (و ديگران را) نيز از انجام خوبي ها بازداشته است و متجاوز (از حدود احكام الهي) و متعدي (به حقوق ديگران) بوده است، و (در دين خود) شك داشته است (و ديگران را نيز ؟؟؟ به دين) به شك انداخته است و بدبين كرده است.

26- آن كسي كه با خدا، معبود ديگري را برگزيده است. پس او را به عذاب سخت (دوزخ) بيندازيد.

27- (شيطاني كه در دنيا پيوسته) همدم او (بوده است) مي گويد: پروردگارا! من او را به طغيان و سركش (از فرمان يزدان) و افراشته ام، بلكه او خود در گمراهي ژرف (و دور از ساحل نجاتي) بوده است.

28- خدا مي فرمايد: در پيشگاه من ستيزه مكنيد. من پيش از اين شما را (از اين سرنوشت شوم) بيم داده بودم.

29- سخن من (مبني بر عذاب دادن كافران و نعمت رساندن به مومنان) تغييرناپذير است و دگرگون نمي شود. و من كمترين ستمي به بندگان نمي كنم.

30- روزي به دوزخ خواهيم گفت: آيا پر شده اي؟ (قطعاً كه پر شده اي و ما به وعده خود وفا كرده ايم). و دوزخ مي گويد: مگر افزون بر اين هم هست؟!

ﮋ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣﭤﭥ ﭦ ﭧﭨ ﭩﮊ .[القمر: ٤٣ - ٥٣].

43- (اي قريشيان!) آيا كافران شما بهتر از آناني هستند كه برايتان روايت كرديم، (مثل قوم نوح، عاد، ثمود، لوط، فرعون!) يا اينكه براي شما امان نامه اي در كتابها (از سوي خدا) نازل شده است (مبني بر اينكه كافرانتان را عذاب نمي رسانيم).

44- يا اينكه مي گويند: ما جمعيت متحد و نيرومند شكست نپاذيري هستيم و همديگر را ياري مي دهيم و از دشمنان خود انتقام مي گيريم.

45- جمعيت ايشان بزودي شكست مي خورد و پشت مي كنند و مي گريزند.

46- بلكه موعدشان قيامت است، و قيامت بدان آن عظيمت تر و تلخ تر (از كشتن و اسارت اين جهاني برايشان) است.

47- قطعاً گناهكاران، گمراه و ديوانه و گرفتار آتشند.

48- روزي داخل آتش، بر رخساره روي زمين كشيده مي شوند (و بديشان گفته مي شود: ) بچشيد لمس و پسوده دوزخ را.

49- ما هر چيزي را به اندازه لازم و از روي حساب ونظام آفريده ايم.

ﮋ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢﯣ ﯤ ﯥ ﯦﮊ .[الأنفال: ٧ - ٨].

7- (اي مومنان! به يادآوريد) آنگاه را كه خداوند پيروزي بر يكي از دو دسته را به شما وعده داد (پيروزي بر كاروان تجاري قريش به سرپرستي ابوسفيان براي نجات كاروان آمده بود). شما دوست مي داشتيد دسته اي نصيب شما گردد كه از قدرت و قوت چنداني برخوردار نيست (كه كاروان بود) ولي خدا مي خواست حق را با سخنان خود (كه بيانگر اراده و قدرت يزدانند، براي مردم) ظاهر و استوار گرداند و كافران را (از سرزمين عرب با پيروزي مومنان) ريشه كن كند (لذا شما را با لشكر قريش درگير كرد).

8- تا بدينوسيله حق را (كه اسلام است) پابرجا و باطل را (كه شرك است) تباه گرداند هرچند كه بزهكاران (كافر و طغيانگر، آن را) نپسندند.

ﮋﮙﮚﮛ ﮜﮝﮞ ﮟ ﮠ ﮡﮢﮣﮊ .[الإسراء: ٨١

81- و (مشركان را بترسان و بديشان) بگو: حق فرا رسيده است (كه يكتاپرستي و آئين آسماني و دادگري است) و باطل از ميان رفته و نابود گشته است (كه چند تا پرستي و آئين قباه و ستمگري است) اصولاً باطل هميشه از ميان رفتني و نابود شدني است (و سرانجام پيروزي از آن حق و حقيقت بوده و هست).

ﮋ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮊ .[الأنبياء: ١٨].

- 18بلكه (ما چنين نمي خواهيم و) حق را به جان باطل مي اندازيم، حق مغز سر باطل را از هم مي باشد و باطل هرچه زودتر محو و نابود مي شود، و اي بر شما (اي كافران) به سبب توصيفي كه مي كنند (از بي هدفي جهان و از افترائي كه بر خدا و فرستاده يزدان مي بنديد).

ﮋ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﮊ .[الفرقان: ٢٣].

23- ما به سراغ تمام اعمالي كه (به ظاهر نيك بوده و در دنيا) آنان انجام داده اند می رویم و همه را همچون ذرات غبار پراكنده در هوا مي سازيم و (ايشان را از اجر و پاداش آن محروم مي كنيم. چرا كه نوشتن ايمان، موجب محو و نابودي احسان، و بي اعتبار شدن اعمال خوب انسان مي گردد).

ﮋ ﰒ ﰓ ﰔ ﰕ ﰖ ﰗ ﰘ ﰙ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﮊ .[سبأ: ٤٨ - ٤٩].

48- بگو: پروردگار من، حق را آشكارا بيان مي دارد (و با آن باطل را از ميان بر مي دارد... او) داناي به غیب و كاملاً آگاه از پنهانيها است.

49- بگو: حق به ميان آمد باطل (در پرتو نور حق، اثري از آن نماند و مرده و لذا) نه كار تازه اي را مي تواند انجام دهد، و نه كار گذشته اي را مي تواند از سر گيرد.

50- (نه تنها اعمال ما از روي حكمت است، بلكه توام با نهايت قدرت است چرا كه) فرمان فرماني پيش نيست و (و چنان با سرعت انجام مي گيرد كه انگار همان با يك جشم بر هم زدن و) همانند يك نگاه سريع باعجله است.

51- ما اشخاص همچون شما را (در روزگاران پيشين) نابود و هلاك ساخته ايم. آيا پند پذيرنده عبرت گيرنده اي هست؟!

52- هر كاري را كرده ايد، در كتاب ها و نامه هاي اعمال (با دست فرشتگان مامور ثبت و ضبط و) موجود است.

53- هر كار كوچك و بزرگي (كه در دنيا كرده اند، در دفاتر مخصوص) نوشته شده است.

ﮋ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵﯶﯷﯸ ﯹ ﯺﯻﯼﮊ .[الملك: ٥ -١١].

5- ما آسمان نزديك (به شما) را با چراغهايي (به نام ستارگان) آراسته ايم، و آنها را وسيله راندن اهريمنان ساخته ايم، و براي ايشان عذاب آتش سوزاني را آماده كرده ايم.

6- كساني كه به پروردگار خود ايمان نداشته باشند. عذاب دوزخ دارند، و چه بدجايگاهي است!

7- هر زمان كه به دوزخ انداخته شدند، تندر مي زند و غرش از آن مي شنوند.

8- دوزخ از شدت خشم (برايشان) نزديك است بتركد و پاره پاره شود. هر زماني كه گروهي بدان انداخته مي شوند، دوزخبانان از آنان مي پرسند آيا پيغمبر بيم دهنده اي به ميان شما نيامده است (تا شما را از چنين روزي و وضعي بترساند؟!)

9- مي گويند آري! پيغمبران بيم دهنده اي به ميان ما آمدند و ما دوغگويشان ناميديم و گفتيم: خداوند بهيچوجه چيزي را (به نام وحي، براي كسي) نفرستاده است، و شما دچار گمراهي بزرگي هستيد.

10- و مي گويند: اگر ما گوش شنوا مي داشتيم، و يا عقل خود را بكار مي گرفتيم، هرگز از زمره دوزخيان نمي گشتيم.

11- اينجا است كه به گناه خود اعتراف مي كنند. پس دوري (از رحمت خدا) بعمره دوزخيان باد!

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﮊ .[النساء: ٨٧].

87- جز خدا، خدايي نيست، حتماً شما را (بعد از مرگ زنده مي گرداند و) در روزي كه شكي در (وقوع) آن نيست گرد مي آورد (خداست كه اين را مي گويد) و چه كسي از خدا راستگوتر است؟!

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓﭔ ﭕ ﭖﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﮊ .[الأنعام: ٦٠ ].

60- خدا است كه در شب شما را مي ميراند و در روز شما را بر ميانگيزاند و او مي داند كه در روز (كه زمان عمده جنب و جوش و تلاش و كوشش است) چه مي كنيد و چه فراچنگ مي آوريد (و اين مرگ و زندگي خواب و بيداري نام، پيوسته ادامه دارد) تا مهلت معين (زندگي هر كس با فرا رسيدن مرگ او) بسر آيد سپس (در روز رستاخيز همگان) به سوي خدا بر مي گرديد و آنگاه شما را بدانچه (از خوب و بد در دنيا) مي كرديد با خبر مي گرداند (و پاداش اعمال را به صاحبان آنها مي رساند).

ﮋ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﮊ .[الأنفال: ٥٠ - ٥١].

50- اگر ببيني (اي پيغمبر! هول و هراس و عذاب و عقابي را كه به كافران دست مي دهد) بدانگاه كه فرشتگان جان كافران را مي گيرند و سر و صورت و پشت و روي آنان را (از هر سو) مي زنند و (بديشان مي گويند: ) عذاب سوزان (اعمال بد خود) را بچشيد، (از مشاهده اين همه درد و رنج و ترس و خوف دچار شگفت خواهي شد و به حال آنان تاسف خواهي خورد).

51- اين به خاطر كارهايي است كه از پيش مي كرده ايد و مي فرستاده ايد و خداوند به بندگان هرگز كمترين ستمي روا نمي دارد.

ﮋ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﮊ .[السجدة: ١١].

11- بگو: فرشته مرگ كه بر شما گماشته شده است. به سراغتان مي آيد و جان شما را مي گيرد، سپس به سوي پروردگارتان بازگردانده مي شويد.

ﮋ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭﭮ ﭯ ﭰﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮊ .[البقرة: ١٤٨].

..... اين ما تكونوا يات بكم الله جميعا ان الله علي كل شي قدير

هرجا كه باشيد خدا همگي شما را گرد مي آورد خدا بر هر چيزي توانا است.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﮊ .[النساء: ٨٧].

87- جز خدا خدايي نيست، حتماً شما را بعد (بعد از مرگ زنده مي گرداند و) در روزي كه شكي در (وقوع) آن نيست گرد مي آوريد. (خدا است كه اين را مي گويد) چه كسي از خدا راستگوتر است؟!

ﮋ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﮊ .[الكهف: ٩٩].

99- در آن روز (كه جهان پايان مي گردد و وعده آخرت فرا مي رسد). ما آنان را رها مي سازيم تا برخي در برخي (فرو روند و در همديگر) موج زنند، و (آنگاه براي دومين بار) در صور دميده مي شود و ما ايشان را بگونه شگفتي (براي حسا ب و كتاب در يكجا) گرد مي آوريم.

ﮋ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮊ .[مريم: ٦٨ - ٧٢].

68- سوگند به پروردگارت، هر آينه كافران را همراه با شياطين گرد مي آوريم و پس ايشان را گرداگرد دوزخ به زانو در افتاد و ذليلانه حاضر مي سازيم.

69- سپس از ميان هر گروهي افرادي را بيرون مي كشيم (و پيش از ديگران به دوزخ مي اندازيم) كه سركش تر از همه در برابر خداوند مهربان بوده اند.

70- بعد از آن ما از كساني كه براي سوختن در آتش اولويت دارند، به خوبي آگاهيم (و دقيقاً افراد گستاخ را انتخاب مي كنيم و در اين گزينش هيچگونه اشتباهي رخ نخواهد داد).

71- همه شما (انسانها بدون استثناء) وارد دوزخ مي شويد (مومنان براي عبود و ديدن كافران براي دخول ماندن). اين امر حتمي و فرماني است قطعي از پروردگارتان.

72- سپس پرهيزگاران را نجات مي دهيم، و ستمگران را ذليلانه در آن رها مي سازيم.

ﮋ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﮊ .[النمل: ٣٠ - ٣١].

30- اين نامه از سوي سليمان آمده است و (سرآغاز) آن چنين است: به نام خداوند بخشنده مهربان

31- براي اين (نامه را فرستاده ام) تا برتري جويي در برابر من نكنيد و تسليم شده به سوي من آئيد.

ﮋ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢﯣ ﮊ .[لقمان: ١٦].

16- پسر عزيزم! اگر به اندازه سنگيني دانه خردلي (عمل نيك يا بد انجام گرفته) باشد در دل سنگي، يا در آسمانها، و يا اينكه در ميان زمين باشد، خدا آن را حاضر مي آورد (و به حساب و كتاب آن رسيدگي مي كند). چرا كه خداوند بس دقيق و آگاه است.

ﮋ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮊ .[يس: ٣١ - ٣٢].

31- مگر نمي دانند كه در روزگاران پيش از ايشان چه ملتهاي فراواني را (به گناهانشان گرفته ايم و) نابودشان نموده ايم، كه هرگز به سوييشان باز نمي گردند (و ديگر به دنيا گام نمي گذارند؟!)

32- همه آنان (بدون استثناء در روز قيامت) نزد ما گرد مي آيند و حاضر مي گردند.

ﮋ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﮊ .[الصافات: ٢٠ - ٢٦].

20- و خواهند گفت: اي واي بر ما! اين، روز جزا است؟

21- (و بديشان پاسخ داده مي شود: ) اين روز داوري و حسابرسي است. همان روزي كه در دنيا دروغش مي ناميديد.

22- (اي فرشتگان من!) كساني را كه (با كفر و زندقه) به خود ستم كرده اند همراه با همسفران (كفر پيشه) آنان به همراه آنچه مي پرستيده ايد، جمع آوري كنيد.

23- غير از خدا (هرچه را پرستش مي كرده ايد، همه را يكجا گرد آوريد و) آنگاه آنان را به راه دوزخ راهنمايي كنيد (تا بدان در آيند).

24- آنان را نگاه داريد كه بايد بازپرسي شوند (و از عقائد و اعمالشان پرسيده شود).

25- (اي مشركان!) شما چرا همديگر را ياري نمي دهد (و در نجات هم نمي كوشيد؟)

26- بلكه آنان امروز كاملاً مطيع و تسليمند.

ﮋ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﮊ .[الصافات: ١٥٨].

158- آنان معقتد به خويشاوندي و نزديكي ميان خدا و جنيان هستند. در صورتي كه جنيان مي دانند كه مشركان (و هم خودشان اگر شرك بورزند، در ميان دوزخ) حاضر آورده مي شوند.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﮊ فصلت: ٢١].

-20آنان به پوستهاي خود مي گويند: چرا بر ضد ما شهادت داديد؟ پاسخ مي دهند: خداوندي ما را به گفتار در آورده است كه همه چيز را گويا نموده است، و همو در آغاز شما را (از عدم) آفريده است و (در پايان زندگي بعد از ممات، دوباره جامه حيات به تنتان كرده و براي حساب و كتاب) به سوي او برگردانده شده ايد.

ﮋ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﮊ .[الذاريات: ٢٣].

23- به خداي آسمان و زمين سوگند كه اين (مطلب، يعني وقوع رستاخيز حساب و كتاب، جزا و سزا، بهشت براي دينداران و دوزخ براي بي دينان) حق است، درست همانگونه كه شما سخن مي گوئيد (و سخن گفتن كاملاً برايتان محسوس و درباره آن شك و ترديدي نداريد).

ﮋ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮊ .[المرسلات: ٣٥ - ٣٦].

35- امروز، روزي است كه (تكذيب كنندگان آيات الهي، دم نمي زنند و) سخن نمي گويند (چرا كه خداوند بر دهنشان مهر سكوت مي نهد).

36- و بديشان اجازه داده نمي شود تا پوزش بطلبند و عذرخواهي بكنند.

ﮋﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴﭵ ﮊ .[الأعراف: ١٣٩].

139- اينان (را كه مي بينيد به بت پرستي مشغولند) كارشان (مايه) هلاك و نابودي (خودشان و معبودهايشان) است و آنچه مي سازند و مي كنند پوچ و نادرست است.

ﮋ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮊ .[الشورى: ٢٤].

24- آيا مي گويند: (محمد) بر خدا دروغ و افتراء بسته است و (خدا بدو چيزي وحي نكرده است و زائيده انديشه خود را به او نسبت داده است؟) اگر خدا بخواهد بر تو مهر مي نهد (و قدرت حفظ آيات خود را از تو مي گيرد). خداوند با سخنان (قرآني) خود باطل را از ميان برمي دارد و حق را پابرجا مي دارد مسلماً او بسيار آگاه از همه چيزهايي است كه در درون سينه ها است.

ﮋ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮊ .[الزلزلة: ١ - ٨ ].

1. هنگامي كه زمين سخت به لرزه در انداخته مي شود.
2. و زمين (از هم مي شكافد و گدازه هاي دروني و دفينه ها و مرده ها، و همه) سنگيني ها و بارهاي خود بيرون مي اندازد (و بگونه ديگري در مي آيد).
3. و انسان مي گويد: زمين را چه شده است؟
4. در آن روز (كه سرآغاز قيامت است) زمين خبرهاي خود را بازگو مي كند (و به زمان قال يا حال خواهد گفت كه چيزهايي بر آن گذشته است).
5. (اين احوال و اقوال زمين) بدان سبب است كه پروردگار تو بدو پيام مي دهد (كه چه بشود و چه بگويد).
6. در آن روز مردمان (از گورهاي خود) دسته دسته و پراكنده بيرون مي آيند (و رهسپار صحراي محشر مي شوند) تا كارهايشان بديشان نموده شود و (نتيجه اعمالشان را ببينند).
7. پس هر كس به اندازه ذره غباري كار نيكو كرده باشد، آن را خواهد ديد (و پاداشش را خواهد گرفت).
8. و هر كسي به اندازه ذره غباري كار بد كرده باشد، آن را خواهد ديد (و سزايش را خواهد چشيد).

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﮊ .[البقرة: ٣٨].

38- گفتيم: همگي از آنجا (به زمين) فرود آئيد و چنانچه هدايتي از طرف من براي شما آمد (كه حتماً خواهد آمد) كساني كه از من پيروي كنند، نه ترس بر آنان خواهد بود و نه غمگين خواهند شد.

ﮋ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ .[البقرة: ٧٢].

72- به ياد (بياوريد) آنگاه را كه كسي را كشتيد و درباره آن به نزاع برخاستيد و يكديگر را بدان متهم كرديد، و خدا حقيقت امر را مي دانست و آنچه را كه پنهان مي كرديد، آشكار و نمايان مي نمود.

ﮋ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﮊ .[الحجر: ٣٤ - ٣٥].

34- (خدا) گفت: (چون از فرمان سرپيچي كردي) پس از بهشت بيرون شو، چرا كه تو (از زحمت من) مطرود (و از منزلت كرامت رانده) هستي.

35- و تا روز جزا (كه در آن تو پيروان تو به عذاب سرمدي من گرفتار مي آئيد) بر تو نفرين باد.

ﮋ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﮊ .[القصص: ٢٠].

20- (وقتي كه خبر كشته شدن قبطي پراكنده شد) مردي (كه از خانواده فرعون بود ايمان آورده بود از نقطه دوردست شهر شتابان آمد و گفت: اي موسي! درباريان و بزرگان قوم براي كشتن تو به رايزني نشسته اند، پس (هرچه زودتر از شهر) بيرون برو. مسلماً من از خيرخواهان و دلسوزان تو هستم.

ﮋ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﮊ .[الطلاق: ٢ - ٣].

2- هر كس هم از خدا بترسد و پرهيزگاري كند، خدا راه نجات (از هر تنگنائي) را براي او فراهم مي سازد.

3- و به او از جايي كه تصورش نمي كند روزي مي رساند. هر كس بر خداوند توكل كند (و كار و بار خود را بدو واگذارد) خدا او را بسنده است، خداوند فرمان خويش را به انجام مي رساند هرچه را بخواهد بدان دسترسي پيدا مي كند. خدا براي هر چيزي زمان و اندازه اي را قرار داده است.

ﮋ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋﰌ ﰍ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﮊ .[القصص: ٢١].

21- موسي از شهر خارج شده در حالي كه ترسان و چشم به راه بود (كه هر لحظه حادثه اي رخ دهد و فرعونيان او را دستگير كنند. خدا را به فرياد خواند و) گفت: پروردگارا! مرا از مردمان ستمگر رهائي بخش.

ﮋ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮊ .[البقرة: ٢٦].

26- خداوند شرم ندارد از اينكه مثال بزند به (كوچكترين موجودات) پشه اي يا كمتر از آن. كساني كه اهل ايمانند مي دانند (هدف از اين تمتيل چيست و) اين صحيح و درست است و از جانب خدايشان مي باشد. و اما كساني كه راه كفر و انكار برگزيده اند، مي گويند: خواست خدا از اين مثل چيست؟ (بايد بدانند) خدا با بيان اين نوع مثل، بسياري را سرگردان و ويران مي سازد، و بس را (به سوي حق) راهنمائي مي نمايد. و اما خدا جز كجروان و منحرفان را با آن گمراه و حيران نمي گرداند.

ﮋ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﮊ .[البقرة: ٢٤٨].

248- و پيغمبرشان به آنان گفت: نشانه حكومت او اين است كه صندوق (عهد) به سوي شما خواهد آمد (همان صندوق عهدي كه دلگرمي و) آرامش از سوي پروردگارتان و يادگارهاي خاندان موسي و هارون در آن است، و فرشتگان آن را حمل مي كند، در اين كار بيگمان نشانه اي بر شما است (و چنين رهنمودي شما را بر آن مي دارد كه) اگر مومن هستيد و (بدو بگرويد و بدنبال حق روان شويد).

ﮋ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮊ .[البقرة: ٢٥٠].

250- و هنگامي كه در برابر حالات و سپاهيان او قرار گرفتند (و لشكريان فراوان و ساز و برگ مجهز جنگي ايشان را ديدند، به آفريدگار خويش پناه بردند و) گفتند: پروردگارا! (بر دلهايمان آب) صبر و شكيبايي بريز و گاه كامهايمان را ثابت و استوار بدار ما را بر جمعيت كافران پيروز گردان.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﮊ .[البقرة: ٢٦٥].

265- مثل كساني كه دارائي خود را براي خوشنودي خدا و استوار كردن جانها خود (بر ايمان و احسان) صرف مي كنند. همچون مثل باغي است كه روي پشه اي باشد (و از هواي آزاد و نور آفتاب به حد كافي بهره گيرد) و باران شديدي بر آن ببارد و در نتيجه چندين برابر ميوه دهد، و اگر هم باران شديدي بر آن نبارد، باران خفيفي بر آن ببارد (به سبب خاك خوب و آفتاب مناسب و هواي آزاد، باز هم ببار نشيند) و آنچه را انجام مي دهيد خدا مي بيند.

ﮋ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮊ .[آل عمران: ١٢٦].

126- و خداوند آن (ياري با فرشتگان) را جزء مژده اي براي (پيروزي) شما ساخت، و براي آن كرد كه دلهاي شما بدان آرام گيرد، و پيروزي جز از جانب خداوند تواناي دانا نيست.

ﮋ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮊ .[الأنعام: ١٣].

13- و از آن اوست آنچه در شب و روز قرار دارد (يعني همانگونه كه هرچه در هر مكاني است از آن خدا است، هرچه در هر زماني هم كه باشد متعلق بدو است) و از شنوا و آگاه (از همه موجودات) است.

ﮋ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮊ .[الأنفال: ١٠ - ١١].

10- خداوند اين (امداد، فرشتگان) را تنها براي مژده دادن (پيروزي) به شما و آرامش پيدا كردن دل شما بدان كرد وگرنه پيروزي جز از سوي خدا نيست (و اراده و مشيت او بالاتر از همه اين اسباب ظاهري و باطني است). بيگمان خداوند (بر هر كاري) توانا (و كارهايش) از روي حكمت است.

11- (اي مومنان! به ياد آوريد) زماني را كه (از دشمنان و كم آبي به هراس افتاديد و خداوند) خواب سبكي بر شما افكند تا مايه آرامش و امنيت (روح و جسم شما) از ناحيه خدا گردد و از آسمان آب بر شما باراند تا بدان شما را (از پليدي جسماني) پاكيزه دارد و كثافت (وسوسه هاي) شيطاني را از شما به دور سازد، و (با اين نعمت) دلهايتان را ثابت (و به ياري خدا واتق نمايد، و گامها را (در شنزارهاي بدر) استوار دارد (و روحيه شما را تقويت و بر ميزان استقامت شما بيفزايد).

ﮋ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮊ .[هود: ١٢٠].

120- اين همه از اخبار پيغمبران بر تو فرو مي خوانيم، كلاً براي اين است كه بدان دلت را بر جاي استوار بداريم (و در برابر مشكلات تبليغ رسالت، آن را تقويت نمائيم). براي تو در ضمن اين (سوره اخبار مذكور در آن، بيان) حق آمده است (همان حقي كه پيغمبران ديگران را بدان مي خواندند) و براي مومنان پند و يادآوري مهمي ذكر شده است (كه مي تواند همچون ايمانداران پيشين از آن سودجويند و راه سعادت پويند).

ﮋ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﰔ ﮊ .[الرعد: ٢٨].

28- آن كساني كه ايمان مي آورند و دلهايشان با ياد خدا سكون و آرامش پيدا مي كند. هان دلها با ياد خدا آرام مي گيرند (و از تذكر عظمت و قدرت خدا و انجام عبادت و كسب رضاي يزدان اطمينان پيدا مي كنند).

ﮋ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﮊ .[إبراهيم: ٢٤].

24- بنگر كه خدا چگونه مثل مي زند: سخن خوب به درخت خوبي مي ماند كه تنه آن (در زمين) استوار و شاخه هايش در فضا (پراكنده) باشد.

ﮋ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷﭹﭺﭻﭽﭾﭿ ﮀﮁ ﮊ .[إبراهيم: ٢٧].

27- خداوند مومنان را به خاطر گفتار استوار (و عقيده پايدارشان) هم در اين جهان (در برابر رزق و برق ماديات و بيم هراس مشكلات محفوظ و مصون مي نمايد) هم در آن جهان (ايشان را در نعمت هاي فراوان وعطاياي بي پايان، جاويدان و) ماندگار مي دارد، و كافران را (در دنيا و آخرت) گمراه و سرگشته مي سازد، و خداوند هرچه بخواهد انجام مي دهد.

ﮋ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﮊ .[النحل: ١٠٢].

102- بگو: قرآن را جبرئيل از سوي پروردگارت به حق نازل كرده است تا مومنان را (در مسير خود) ثابت قدم گرداند و هدايت و بشارت براي مسلمانان باشد.

ﮋ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﮊ .[الفرقان: ٣٢].

32- كافران مي گويند: چرا قرآن يكجا نازل نمي شود؟ (و چرا آيات آن تدريجاً با فواصل مختلف زماني نازل مي گردد؟) همين گونه (ما قرآن را به صورت آيات جداگانه و بخش بخش مي فرستيم) تا دل تو را (با انس بدان و حفظ آن) پابرجا و استوار بداريم، و آن را قسمت به قسمت و آرام آرام (توسط جبريل، بر تو) فرد مي خوانيم (تا آن را به دقت بياموزي و كم كم به خاطر سپاري).

ﮋ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﮊ .[محمد:٧ ].

7- اي مومنان اگر (دين) خدا را ياري كنيد خدا شما را ياري مي كند (و بر دشمنانتان پيروز مي گرداند) و گام هايتان را استوار مي دارد (و كار و بارتان را استقرار مي بخشد).

ﮋ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑﰒ ﰓ ﰔ ﰕﰖ ﰗ ﰘ ﰙ ﰚ ﰛ ﮊ.[ فصلت: ٤٤ - ٤٦].

44- چنانكه قرآن را به زباني جز زبان عربي فرو مي فرستاديم حتماً مي گفتند: اگر آيات آن (به عربي) توضيح و تبين مي گرديد (چه مي شد؟ در اين صورت ما آن را روشن و گويا فهم مي كرديم، مي گفتند: ) آيا (كتاب) غيرعربي و (پيغمبر) عربي؟ بگو: قرآن براي مومنان مايه راهنمايي و بهبودي است. (ايشان را از راه هاي گمراهي و سرگشتگي مي رهاند، و از بيماري ها شك و گمان نجات مي بخشد) و اما براي غير مومنان، كري گوشها ايشان و كوري (چشمان) آنان است. (انگار) آنان كسانيند كه از دور صدا زده مي شوند

45- ما به موسي كتاب (آسماني تورات) داديم و در آن (از طرف بني اسرائيل) اختلاف گرديد (و دسته دسته و پراكنده شدند. اين هم سنت هميشگي در ميان همه اديان و اقوام است. قوم تو نيز از اين قاعده مستثني نيست) اگر سخن پروردگارت از پيش بر اين نرفته بود (كه عذاب كافران و مجازات شديد مبطلان تا روز رستاخيز به تاخير انداخته شود) در ميان (قوم تو نيز با نابودگران كافران و برجاي داشتن مومنان) ايشان ؟؟؟ مي گرديد. چرا كه آنان درباره قرآن به شك و ترديد شگفتي گرفتار آمده اند (و از حقيقت فرسنگها به دور افتاده اند).

46- هر كسي كه كار نيك بكند به نفع خود مي كند، و هر كسي كه كار بد بكند به زيان خود مي كند، و پروردگار تو كمترين ستمي به بندگان نمي كند.

ﮋ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﮊ .[الأنعام: ١٧ - ١٨].

17- اگر خداوند زياني به تو برساند، هيچكس جز او نمي تواند آن را برطرف سازد، و اگر خيري به تو برساند (هيچكس نمي تواند از آن جلوگيري كند)، چرا كه او بر هر چيزي توانا است.

18- او بر سر بندگان خود مسلط است و او حكيم (است و كارهايش را از روي حكمت انجام مي دهد، و از احوال و اوضاع) بس آگاه است.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﮊ .[التوبة: ١٤ - ١٥].

14- (اي مومنان!) با آنان كافران بجنگيد تا خدا آنان را با دست شما عذاب كند و خوارشان داردو شما را برايشان پيروز گرداند و (با فتح و پيروزي مومنان بر كافران) سينه هاي اهل ايمان را شفا بخشد (و بر دلهاي زخمي ايشان مرهم نهد و درد ديرينه اذيت و آزار كفار را از درون آنان بزدايد.)

15- و كينه را از دلهايشان بردارد (و شادي پيروزي جايگزين آن گرداند، همه بايد بدانيد كه) خداوند توبه هر كسي را بخواهد (و شايسته اش بداند) مي پذيرد (و لذا كافران مي توانند تا دير نشده است از كفر دست بكشند و به سوي خدا برگرداند و اسلام بپذيرند). خداوند آگاه (از كار و بار بندگان، و در قانونگذاري ها) داراي حكمت فراوان است.

ﮋ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮊ .[يونس: ٥٧ ].

57- مردمان از سوي پروردگارتان براي شما اندرزي (جهت رهنمود زندگي) و درماني براي چيزهايي كه در سينه ها است (همچون كفر و نفاق و كينه و ستم و دشمني با حق و حقيقت) آمده است (كه قرآن نام دارد) و هدايت و رحمت براي مومنان است.

ﮋ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮊ .[النحل: ٦٨ - ٦٩].

68- پروردگارت به زنبوران عسل (راه زندگي و طرز معيشت را) الهام كرد (و بدانگونه كه تنها خود مي داند به دلشان انداخت) كه از كوهها و درختها و داربستهايي كه مردمان مي سازند، خانه هايي برگزينند.

69- پس (ما به آنها الهام كرديم كه) از همه ميوه ها بخوريد و راههايي را بپيمائيد كه خدا براي شما تعيين كرده است و كاملاً (دقيق و) در اختيارند. از درون زنبور عسل، مايعي بيرون مي تراود كه رنگهاي مختلفي دارد. در اين (مايع رنگارنگ) بهبودي مردمان نهفته است. بيگمان در اين (برنامه ي زندگي زنبوران عسل و ارمغاني كه آنها به انسانها تقديم مي دارند كه هم غذا و هم شفا است) نشانه روشني (از عظمت و قدرت پروردگار) است براي كساني كه (درباره ي پديده ها) مي انديشند (و رازها و رمزهاي زندگي آفريدگان از جمله جانوران را پيش چشم مي دارند).

ﮋ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﮊ .[الإسراء: ٨٢].

82- (حق چگونه نيرومند و پيروز نمي گردد؟ وقتي كه) ما آياتي از قرآن را فرو مي فرستيم كه مايه ي بهبودي (دلها از بيماريهاي ناداني و گمراهي و پاكسازي درونها از كثافات هوي و هوس و تنگ چشمي و آزمندي و تباهي) و رحمت مومنان (به سبب در برداشتن ايمان و رهنمودهاي پرخير و بركت يزدان) است ولي بر ستمگران (كافر به سبب ستيز با نور حق و داشتن روح طغيان جز زيان نمي افزايد.

ﮋ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﮊ .[الشعراء: ٨٠].

80- و هنگامي كه بيمار شوم او است كه مرا شفا مي دهد.

ﮋ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡﯢ ﯣ ﯤ ﯥﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﮊ .[النمل: ٦٢].

62- (آيا بتها بهترند) يا كسيكه به فرياد درمانده مي رسد و بلا و گرفتاري را برطرف مي كند هرگاه او را به كمك طلبد و شما (انسانها) را (برابر قانون حيات دائماً به طور متناوب) جانشين (يكديگر در) زمين مي سازد (و هر دم اقدامي را بر اين كره ي خاكي مسلط و مستقر مي گرداند. حال با توجه به اين امور) آيا معبودي با خدا است؟ واقعاً شما بسيار كم اندرز مي گيريد.

ﮋ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﮊ.[ فاطر: ٢].

2- خداوند (در قرائن) هر رحمتي را براي مردم بگشايد. كسي نمي تواند (آن را ببندد و) از آن جلوگيري نمايد. و خداوند هر چيزي را كه باز دارد و از آن جلوگيري كند، كسي جز او نمي تواند آن را رها و روان سازد و او توانا و كار بجا است (لذا نه در كاري در مي ماند و نه كاري را بدون فلسفه انجام مي دهد).

ﮋ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﮊ .[آل عمران: ١٣٩].

139- و (از جهاد در راه خدا به سبب آنچه بر سرتان مي آيد) سست و زبون نشويد و (براي كشتگان) غمگين و افسرده نگرديد و شما (با تاييدات خداونيد و قوه ي ايمان راستين و نيروي حقي كه از آن دفاع مي كنيد) برتر (از ديگران) هستيد (و پيروزي و بهروزي از آن شما است) اگر كه براستي مومن باشيد (و بر ايمان دوام داشته باشيد).

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮊ .[آل عمران: ١٥٤].

154- سپس به دنبال اين غم و اندوه، آرامشي بگونه ي خراب سبكي بر شما چيره كرد كه گروهي از (مومنان راستين) شما را فراگرفت، و گروه ديگري تنها در بند خود بودند و درباره ي خدا پندارهاي نادرستي چون پندارهاي زمان جاهليت داشتند (و بر سبيل انكار) مي گفتند آيا چيزي از كار (پيروزي و نصرتي كه پيغمبر به ما وعده داده بود) نصيب ما مي شود؟ بگو همه ي كارها (اعم از پيروزي و شكست) در دست خدا است. (آنان در حين گفتن اين سخن) در دل خود چيزهايي را پنهان مي دارند كه براي تو آشكار نمي سازند (به خود) مي گويند: اگر كار به دست ما بود (و يا اگر برابر وعده ي محمد، سهمي از پيروزي داشتيم) در اينجا كشته نمي شديم. بگو اگر (براي جنگ بيرون نمي آمديد و) در خانه هاي خود هم بوديد، آنان كه كشته شدن در سرنوشتشان بود به قتلگاه خود مي آمدند و (در مسلخ مرگ كشته مي شدند. آنچه خدا خواست بنا به مصلحتي كه خود مي دانست – در جنگ احد شد) تا خداوند آنچه را كه در سينه ها داريد بيازمايد و تا آنچه را كه در دلها داريد خالص و سره گرداند و خداوند بدانچه در سينه ها (از اسرار و رازها) است آگاه است.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﮊ .[الأنعام: ١٢٥].

125- آن كسي را كه خدا بخواهد هدايت كند، سينه اش را (با پرتو نور ايمان باز و) گشاده براي (پذيرش) اسلام مي سازد، و آن كسي را كه خدا بخواهد گمراه و سرگشته كند، سينه اش را بگونه اي تنگ مي سازد كه گويي به سوي آسمان صعود مي كند (و به سبب رقيق شدن هوا و كمبود اكسيژن، تنفس كردن هر لحظه مشكل و مشكل تر مي شود. كافر لجوج با پيروي از تقاليد پوسيده، هر دم بيش از پيش از هدايت آسماني دورتر و كينه اش نسبت به حق و حقيقت بيشتر و پذيرش اسلام براي وي دشوارتر مي شود). بدين منوال خداوند عذاب را بهره ي كساني مي سازند كه ايمان نمي آورند.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﮊ .[يونس: ٦٢ - ٦٣].

62- هان! بيگمان دوستان خداوند (سبحان) ترسي بر آنان (از خواري در دنيا و عذاب در آخرت) نيست و(بر از دست رفتن دنيا) غمگين نمي گردند (چرا كه در پيشگاه خدا چيزي براي آنان مهيا است كه بسي والاتر و بهتر از كالاي دنيا است).

63- (دوستان خداوند) كسانيند كه ايمان آورده اند و تقوا پيشه كرده اند.

ﮋ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﮊ .[يونس: ١٠٣ ].

103- پس از آن (كه بلا و عذاب گريبانگير كافران گرديد) پيغمبران خود و مومنان را مي رهانيم (اين هم اختصاص به اقوام گذشته و پيغمبران و مومنان پيشين ندارد بلكه) همين طور ايمان آورندگان (به تو) را (نيز) نجات خواهيم داد و اين حقي است بر ما (حق مسلم و تخلف ناپذير).

ﮋ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﮊ .[يوسف: ٨٦].

86- گفت شكايت و پريشان حالي و اندوه خود را تنها و تنها به (درگاه) خدا مي برم (و فقط به آستان خدا مي نالم و حل مشكل خود را از او مي خواهم) و من از سوي خدا چيزهايي مي دانم كه شما نمي دانيد.

ﮋ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﮊ .[طه: ٢٥ - ٢٨].

25- (موسي خاشعانه به دعا پرداخت و) گفت پروردگارا سينه ام را فراخ و گشاده دار (تا در پرتو شرح صدر، خشم و كين از دل برخيزد، و با آرامش تمام رسالت آسماني را به جاي آوريد).

26- و كار (رسالت) مرا بر من آسمان گردان (تا آن را بگونه آراسته و پيراسته، به گوش فرعون و فرعونيان برسانم).

27- وگ ره از زبانم بگشاش (تا روشن و گويا آن را بيان دارم).

28- تا اينكه سخنان مرا بفهمند (و دقيقاً متوجه مقصود من شوند).

ﮋ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮊ .[الأنبياء: ٧٦ ].

76- (خوب است در اينجا ياد كن) نوح را، هنگامي كه پيشتر (از اينان كه اشاره ي گذرائي بديشان شد ما را به فرياد خواند) (و گفت پروردگارا مرا درياب كه من شكست خورده ام و روي زمين را از وجود كافران پاك گردان) و ما هم دعاي وي را پذيرفتيم و او (و پيروان) و خاندانش را از (اندوه فراوان و) غم بزرگ (كافران موذي و طوفان وحشتناك) رهانيديم.

ﮋ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﮊ .[الأنبياء: ٨٣ - ٨٤].

83- ايوب را (ياد كن) بدانگاه كه (بيماري او را از پاي در آورده بود و در اين وقت) پروردگار خود را به فرياد خواند (و عاجزانه گفت پروردگارا! بيماري به من روي آورده است و تو مهربانترين مهرباناني (پس بدين بنده ي ضعيف رحم فرما).

84- دعاي او را پذيرفتيم و بيماري وي را برطرف ساختيم و (بجاي) اولاد (و اموالي كه از دست داده بود) دو چندان بدو داديم، محض مرحمتمان (در حق ايوب) و تذكاري (از صبر و شكيبايي) براي پرستندگان (يزدان سبحان، تا همچون ايوب شكيبا و اميدوار به لطف و فضل خدا باشند).

ﮋ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮊ .[الأنبياء: ٨٧ - ٨٨].

87- (ياد كن داستان يونس ملقب به) ذوالنون را در آن هنگام كه بر قوم نافرمان خود خشم گرفت و ايشان را به عذاب خدا تهديد كرد (و بدون دريافت پيام آسماني، از ميانشان) خشمناك بيرون رفت و گمان برد كه (با زنداني كردن و ديگر چيزها) بر او سخت و تنگ نمي گيريم. (سوار كشتي شد و كشتي به تلاطم افتاد و به قيد قرعه مسافران و كشتيبانان او را به دريا انداختند و نهنگي او را بلعيد) در ميان تاريكي ها (ي سه گانه شب و دريا و شكم نهنگ فرياد بر آورد كه (كريما و ريحما) پروردگاري جز تو نيست و تو پاك و منزهي (از هرگونه كم و كاستي و فراتر از هر آن چيزي كه نسبت به تو بر دلمان مي گذرد تصور مي كنيم. خداوندا بر اثر مبادرت به كوچ بدون اجازه ي حضرت باري) من از جمله ي ستمكاران شده ام (مرا درياب).

88- دعاي او را پذيرفتيم و وي را از غم رها كرديم، و ما همين گونه مومنان را نجات مي دهيم او در برابر دعاي خالصانه، آنان را از گرفتاري ها مي رهانيم.

ﮋ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﮊ .[الفرقان: ٥٨].

58- و (در همه ي امور) بر خداوندي تكيه كن كه هميشه زنده است و هرگز نمي ميرد و حمد و ثناي او را به جاي آور (و بدان تو عهده دار ايمان يا كفر مردمان نيستي و خدا همگان را مي پايد) و همين كافي است كه خداوند از گناهان بندگانش آگاه است (و هيچگونه گناهي از ديد او مخفي نمي ماند).

ﮋ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮊ .[فاطر: ٣٤].

34- و خواهند گفت: سپاس خداوندي را سزا است كه غم و اندوه ما را از ما زدود. بيگمان پروردگار ما آمرزنده ي (گناهان بندگان و) سپاسگذار (كارهاي نيك ايشان) است.

ﮋ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮊ .[الصافات: ١١٤ - ١١٥].

114- ما به موسي و هارون و اقعاً نعمتهاي گرانبهاي بخشيديم.

115- آنان و قوم ايشان را از غم و اندوه بزرگ (اذيت و آزار فرعون و فرعونيان) نجات داديم.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮊ .[الزمر: ٢٢ - ٢٣].

22- آيا كسي كه خداوند سينه اش را براي پذيرش اسلام گشاده و فراخ ساخته است و داراي (بينشي روشن از) نور پروردگارش مي باشد (و در پرتو آن، راه را از چاه تشخيص مي دهد، همچون كسي است كه هدايت الهي در سايه ي اسلام پرتوي به دل او نيفكنده است و درونش با ايمان تابان نشده است؟) واي بر كساني كه دلهاي سنگيني دارند و ياد خدا بدانها راه نمي يابد (و قرآن يزدا ن در آنها اثر نمي گذارد). آنان واقعاً به گمراهي و سرگشتگي آشكاري دچارند.

23- خداوند بهترين سخن را (به نام قرآن) فروفرستاده است. كتابي را كه (از لحاظ كاربرد و گيرايي الفاظ، و والايي و همآوايي معاني، در اعجاز) همگون و (مطالبي چون مواعظ و براهين و قصص و مسايل مقابل و مختلفي همانند ايمان و كفر، حق و باطل، هدايت و ضلالت، خير و شر، حسنات و سيئات، بهشت و دوزخ. البته هر بار به شكلي تازه و به شيوه اي نو، در آن) مكرر است.

از (شنيدن آيات) آن لرزه بر اندام كساني مي افتد كه از پروردگار خود مي ترسند و از آن پس پوستهايشان و دلهايشان (و همه ي وجودشان نرم و آماده ي پذيرش قرآن خدا مي گردد (و آن را تصديق و بدان عمل مي كنند) اين كتاب مشتمل بر رهنمود الهي است و خدا هر كه را بخواهد در پرتو آن راهياب مي سازد و خدا هر كه را گمراه سازد، اصلاً راهنما و راهبري نخواهد داشت.

ﮋ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮊ .[الزمر: ٦١].

61- خداوند كساني را كه تقوا پيشه كرده اند رهايي مي بخشد و به مقصودشان مي رساند. هيچگونه بدي و بلايي بديشان نمي رسد و غمگين و اندوهگين نمي گردند.

ﮋ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﮊ .[الأحقاف: ١٣].

13- كساني كه مي گويند: پروردگار ما تنها يزدان است، پس (بر اين توحيد و يكتاپرستي) ماندگار مي مانند، نه ترسي بر آنان است و نه غمگين مي گردند.

ﮋ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮊ .[الطلاق: ٧].

7- آنان كه دارا هستند از دارائي خود (براي زن شيردهنده به اندازه ي توان خود) خرج كنند و آنان كه تنگدست هستند از چيزي كه خدا بديشان داده است خرج كنند، خداوند هيچ كس را جز بدان اندازه كه بدو داده است مكلف نمي سازد. خدا بعد از سخن و ناخوشي، گشايش و خوشي پيش مي آورد.

ﮋ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﮊ .[الشرح: ١ - ٨].

1- آيا ما سينه تو را نگشوديم (و دلت را از بند غم و حيرت رها نساختيم، و تاب تحمل نابسامانيها محيط جاهليت و سختيها مسوليت بزرگ نبوت را به تو عطا نكرديم؟)

2- و بار سنگين (تلاش فراوان، براي هدايت مردمان) را از (دوش) تو برنداشتيم؟

3- همان بار سنگيني كه پشت تو را در هم شكسته بود؟

4- و آواز تو را بلند نكرديم و بالا نبرديم؟

5- چرا كه همراه با سختي و دشواري، آسايش و آسودگي است.

6- مسلماً با سختي و دشواري، آسايش و آسودگي است.

7- هرگاه (از كار مهمي) بپرداختي، بدنبال آن (به كار مهم ديگري بپرداز و در آن بكوش و) رنج ببر (و فرجام

كاري را آغاز كار ديگري كن).

8- و يكسره به سوي پروردگارت روي آر (و تنها بدو دل و اميد ببند، و جز به او خود را مشغول مساز).

ﮋ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮊ .[النصر: ١ - ٣].

1- هنگامي كه ياري خدا و پيروزي (فتح مكه) فرا مي رسد.

2- و مردم را مي بيني كه دسته دسته و گروه گروه داخل دين خدا مي شوند (و به اسلام ايمان مي آورند)

3- پروردگارت خود را سپاس و ستايش كن، و از او آمرزش (خود و ياران خويش را از شتابگري در فرا رسيدن فتح وقوع پيروزي و اظهار دلتنگي و گلايه از زندگي) بخواه، خدا بسيار توبه پذير است.

ﮋ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﮊ .[الأنعام: ٦١].

61- خداوند بر بندگان خود كاملاً چيره است. او مراقباني (از فرشتگان را براي حسابرسي و نگارش اعمال شما) بر شما مي فرستد و مي گمارد (و آنان به كار خود با دقت تمام تا دم مرگ يكايك، شما مشغول مي گردند) و چون مرگ يكي از شما فرا رسيد فرستادگان ما (از ميان فرشتگان ديگر به سراغ او مي آيند و) جان او را مي گيرند و (فرشتگان گروه اول و فرشتگان گروه دوم هيچكدام در ماموريت خود) كوتاهي نمي كند.

ﮋﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤﮥﮦﮊ .[الأنعام: ٦٤].

64- بگو: خدا شما را از آن (احوال و شدائد) و از هر غم و اندوهي مي رهاند. سپس (با اين وجود براي او) شما شريك و انباز مي سازيد! (شريك و انبازي كه مي دانيد كاري از دست آنها ساخته نيست).

ﮋ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤﯥ ﯦ ﯧﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﮊ .[التوبة: ١٢٨ - ١٢٩].

128- بيگمان، پيغمبري (محمد نام) از خود شما (انسانها) به سويتان آمده است. هرگونه درد و رنج بلا و مصيبتي كه به شما برسد، بر او سخت و گران مي آيد، به شما عشق مي ورزد و اصرار به هدايت شما دارد و نسبت به مومنان داراي محبت و لطف فراوان و بسيار مهربان است.

129- اگر آنان (از ايمان به تو) روي بگردانند (باكي نداشته باش و) بگو: خدا مرا كافي و بسنده است. جز او معبودي نيست به او دلبسته ام و كارهايم را بدو واگذار كرده ام، و او صاحب پادشاهي بزرگ (جهان و ملكوت آسمان) است.

ﮋ ﭝ ﭞ ﭟﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﮊ .[يوسف: ٦٤].

64- خدا بهترين حافظ و نگهدار است و از همه مهربانان مهربانتر است.

ﮋ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮊ .[الحجر: ٩].

9- ما خود قرآن را فرستاده ايم و خود ما پاسدار آن مي باشيم (و تا روز رستاخيز آن را از دستبرد دشمنان و از هرگونه تغيير و تبديل زمان محفوظ و مصون مي داريم).

ﮋﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶﯷﮊ .[العنكبوت: ٣٠].

30- (لوط از آستانه خدا كمك طلبيد و) گفت: پروردگارا! مرا بر قوم تباه پيشه پيروز گردان.

ﮋ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ .[الانفطار: ١٠ - ١٢].

10- بدون شك نگاهباناني بر شما گمارده شده اند.

11- نگاهباناني كه (در پيشگاه پروردگار مقرب و) محترم هستند و پيوسته (اعمال شما را) مي نويسند.

ﮋ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﮊ .[الطارق: ٤].

4- روزي است كه مردمان همچون پروانگان پراكنده (در اينجا و آنجا حيران و سگردان) مي گردند.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﮊ .[الكافرون: ١ - ٦].

1- بگو: اي كافران

2- آنچه را كه شما به جز (خدا) مي پرستيد، من نمي پرستم.

3- و شما نيز نمي پرستيد آنچه را كه من مي پرستم.

4- همچنين نه من بگونه شما پرستش را انجام مي دهم.

5- و نه شما بگونه من پرستش را انجام مي دهيد.

6- آئين خودتان براي خودتان و آئين خودم براي خودم.

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﮊ .[الإخلاص: ١ - ٤].

1- بگو: خدا يگانه يكتا است.

2- خدا، سُرورِ والاي برآورنده اميدها و برطرف كننده نيازمنديها است.

3- نه زاده است و زاده نشده است.

4- و كسي همتا و همگون او نمي باشد.

ﮋ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮊ .[الفلق: ١ - ٥].

1- بگو پناه مي برم به خداوندگار سپيده دم.

2- از شر هر آنچه خداوند آفريده است.

3- و از شر شب بدانگاه كه كاملاً فرا مي رسد (و جهان را به زير تاريكي خود مي گيرد).

4- و از شر كساني كه در گره ها مي دمند (و با نيرنگ سازي و حقه بازي خود اراده ها، ايمان ها، عقيده ها، محبتها و پيوندها را سست مي نمايند و فساد و تباهي مي كند).

5- و از شر حسود بدانگاه كه حسد مي ورزد.

ﮋ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮊ .[الناس: ١ - ٦].

1- بگو: پناه مي برم به پروردگار مردمان.

2- به مالك و حاكم (واقعي) مردمان.

3- به معبود (به حق) مردمان.

4- از شر وسوسه گري كه واپس مي رود (اگر براي چيره شدن بر او، از خدا كمك بخواهي و خويشتن را در پناهش داري).

5- وسوسه گري است كه در سينه هاي مردمان وسوسه مي پردازد (و ايشان را به سوي زشتي و گناه و ترك خوبيها و واجبات مي خواند).

6- (در سينه هاي مردماني) از جنيها و انسانها.

# مداوا كردن (مريض) با آب، سِدر (درخت كُنار)، روغن و عسل

**شفابخش بودن آب، سدر، روغن و عسل**

امروزه اينگونه متداول شده كه برخي رقاه (تعويذگران) در كنار آيات و ادعيه اي كه بر مريض مي خوانند بدانها پيشنهاد مي كنند كه از نوشيدنيها يا خوردنيهايي كه در احاديث نبوي به شفابخشي و خاصيت هاي درماني آنها اشاره شده نيز مستفيذ گردند.

در ذيل به ذكر مصاديقي چند از اين موارد مي پردازيم. آنها عبارتند از:

-1تداوي (و درمان) با آب پاكي كه چندي از آيات قرآن بر آن تلاوت شده است، به ويژه آب زمزم كه خود نيز به تنهايي شفابخش است و وقتي با آيات قرآن عجين گردد بر شفابخشي آن افزوده مي شود.

-2شيوه اي ديگر از آب درماني توسط رقاه بدين ترتيب است كه ابتدا صحات يا برگهايي را كه آياتي از قرآن با مركبي طاهر و قابل خوردن مثل زعفران بر آن نوشته شده در مقداري آب مخلوط مي كنند و آنگاه از مريض مي خواهند كه آن آب را بخورد يا با آن غسل نمايد.[[103]](#footnote-103) (اين شيوه مداوا كردن نزد رقاه (عزيمه) ناميده مي شود).

-3مداوا كردن به وسيله روغن زيتون و روغن سياه دانه، به اين ترتيب كه شخص راقي به مريض پيشنهاد مي كند مقداري از روغن زيتون يا روغن سياه دانه را بخورد يا اعضايي از بدنش را بدان آغشته سازد.[[104]](#footnote-104) البته اگر بر اين دو نوع روغن آياتي از قرآن نيز خوانده شود مسلماً بر خاصيت درماني آنها خواهد افزود.

-4از جمله چيزهايي كه رقاه بيماران خويش را به خوردن آن تشويق مي كنند همانا عسل است. عسل از جمله خوردنيهاي شفابخش است كه اگر آياتي از قرآن نيز بر آن خوانده شود بر شفابخش آن خواهد افزود.

**چگونگي مداوا كردن مريض به وسيله آب (پاك)**

پيش از اين در مورد آب درماني به طور مختصر توضيح داديم. در اينجا به طور مفصل به چگونگي مداوا كردن مريض به وسيله آب مي پردازيم. براي اين كار ابتدا مقداري آب كه حسب مورد براي خوردن يا غُسل كردن (مريض) كافي باشد را فراهم مي كنيم و البته اگر مقدور باشد آب زمزم بهتر خواهد بود، زيرا اين آب به خودي خود شفابخش است. آنگاه شخص راقي بر آب فراهم آمده آياتي از قرآن را تلاوت كرده و بر آن مي دُمُد. شيوه ي ديگر از آب درماني به اين ترتيب است كه آياتي مشخص از قرآن كه در مباحث آتي به ذكر آن خواهيم پرداخت را با مركبي پاك (و قابل خوردن مثل زعفران) و بر روي برگه يا صفحه اي پاك مي نويسند و سپس برگ يا صفحه ي مكتوب را در آب غوطه ور مي كنند و آنقدر آن را جا به جا مي كنند كه آيات نوشته شده از روي برگ محو مي شود و در آب مخلوط مي گردد. بديهي است اگر راقي بين اين دو روش جمع نمايد يعني هم آياتي از قرآن را خوانده و بر آب بدمد و هم آيات را بر اوراقي نوشته و در آب غوطه ور سازد هيچ اشكالي نخواهد داشت. سرانجام مريض حسب مورد از آب حاصله مي نوشد و يا در مكاني پاك به غسل كردن با آن مي پردازد. لازم به ذكر است آب مستعملي كه از غسل كردن مريض حاصل مي شود نبايد در اماكني پاك مثل كشتزار و غيره ريخته شود يا مورد استفاده (براي آبياري) قرار گيرد. همچنين پس از اينكه آيات قرآن از برگها يا صفحات مكتوب كه در آب غوطه ور كرديم محو گرديده و سپس خشك شد بايد كه سوزانيده شود.

اين كار (درمان با آب به هر يك از دو شيوه با به صورت تلفيقي) حداقل بايد تا هفت روز يا تا زماني كه مريض به طور كامل بهبود يابد بايستي ادامه پيدا كند. شيوه اي ديگر از (آب درماني) به اين ترتيب است كه ابتدا هفت برگ از درخت سِدر (كنار) را تكه تكه كرده و كاري مي كنيم كه تقريباً به صورت معجوني در آيد. آنگاه اين معجون يا ريزه هاي برگ را در آبي كه (به دو شيوه ي قبلي) فراهم آورده ايم اضافه مي كنيم. سپس به مريض پيشنهاد مي كنيم حداقل به مدت هفت روز و يا تا زماني كه به طور كامل بهبود يابد هر از چندي كمي از آب مذكور را بنوشد و يا با آن غسل نمايد.[[105]](#footnote-105)

**چگونگي مداوا كردن مريض با روغن زيتون و روغن سياه دانه**

شيوه مداوا كردن مريض با روغن زيتون يا روغن سياه دانه به اين ترتيب است كه راقي به مريض پيشنهاد مي كند مقداري از روغن مذكور را بخورد يا حسب مورد تمام يا اعضايي مشخص از بدنش را بدان آغشته سازد. البته چنانچه قبل از اينكه روغن مذكور مورد استفاده مريض قرار گيرد آياتي چند از قرآن نيز بر آن خوانده شود بر شفابخشي آن خواهد افزود. بديهي است (در زندگي متداول امروزي) روغن زيتون به مراتب كاربرد بيشتري نسبت به روغن سياه دانه دارد.

**چگونگي مداوا كردن مريض با عسل**

براي درمان و مداواي بيمار به وسيله عسل راقي به او پيشنهاد مي كند كه صبحگاهان قبل از اينكه چيزي ديگر بخورد حسب نياز خود مقداري از عسل ميل نمايد. البته چنانچه كسي رغبت به خوردن عسل به طور خالص را نداشته باشد مي تواند آن را در مقداري آب به ويژه آب زمزم يا مقداري شير مخلوط كند و آنگاه آن را ميل نمايد. بي ترديد اگر آياتي از قرآن نيز بر عسل يا مايع حاوي آن خوانده شود بر شفابخشي آن خواهد افزود.

# آيات پيشنهادي براي نوشتن، يا دميدن بر آب

در مباحث گذشته به چگونگي مداوا كردن با آب (و غيره) پرداختيم و اشاره كرديم كه چنانچه آياتي خاص از قرآن بر آب (يا عسل و غيره) خوانده شود و يا بر صفحاتي نوشته شده و سپس در آب غوطه ور گردد بر شفابخشي آنها خواهد افزود. اكنون به ذكر اين آيات كه سعي شده بر اساس ترتيب سور قرآني نوشته شود مي پردازيم. آنها عبارتند از:

1. سوره حمد (فاتحه).
2. آيات (1- 5) سوره بقره.
3. آيات (103 و 102) سوره بقره.
4. آيه (109) سوره بقره.
5. آيه (255) سوره بقره.
6. آيه (54) سوره نساء.
7. آيات (117- 122) سوره اعراف.
8. آيات (80- 82) سوره يونس.
9. قسمت اخير آيه ي (64) سوره يوسف (... فالله خير حافظاً و هو ارحم الراحمين).
10. آيه (67) سوره يوسف.
11. آيه (39) سوره كهف.
12. آيات (65 – 70) سوره طه.
13. آيات (51- 52) سوره قلم.
14. سوره كافرون.
15. سوره اخلاص (توحيد).
16. سوره فلق.
17. سوره ناس.

شخص راقي مختار است كه تمامي اين آيات را به طور كامل بنويسد يا تنها به چندي از آنها اكتفا كند.

**چگونگي مهيا كردن مركب پاك (و قابل خوردن) براي نوشتن آيات**

براي آماده كردن مركب پاك (و قابل خوردن) ابتدا حدود 8 ميلي گرم از زعفران را با مقدار كمي آب (50 ملم) در ظرفي مخلوط مي كنيم و به دمت 24 ساعت آن را رها مي كنيم تا به خوبي زعفران در آب حل گردد. آنگاه مركب به دست آمده را جرم گيري مي كنيم تا ناخالصيها و ذرات جامد از آن جدا شود. اكنون مركب ما آماده است و مي توانيم (باني و غيره) از آن براي نوشتن كار گيريم. همچنين مي توانيم مركب حاصله را در خودنويسي عاري از هرگونه مركب (كه داراي مواد شيميايي و غيرخوردني است) بريزيم و به راحتي از آن استفاده نماييم. بهتر است آيات با همان رسم الخط قرآني بر روي برگه اي پاك كتابت گردد. نگارنده پيرامون اينگونه كارها براي درمان بيماري (هاي روحي و رواني) كه در ميان علما و رقاه به (عزيمه) معروف است از شيخ عبدالله بن عبدالرحمن الجبرين سوال كردم. ايشان پاسخ دادند: (نقل شده كه ابن عباس (رض) پيرامون اين مساله روايت كرده است كه (همانا در 37 موضع (آيه) از قرآن عبارت (لا اله الا الله) تكرار شده كه چنانچه اين موارد با مركب حاصل از زعفران نوشته شود و سپس با آب زمزم يا آب باران شسته گردد (به نحوي كه نوشته ها به طور كلي در آب حل گردد) هر آينه موجب درمان مريض خواهد شد و چنانچه (جن زده باشد يا) جادوگري وي را افسون كرده باشد نيز بهبود خواهد يافت و اثر سحر در او از بين خواهد رفت). [[106]](#footnote-106)

ما نيز براي درمان مريض چنين كارهايي مي كرديم، به اين ترتيب كه آياتي از قرآن را با زعفران و با خطي جذاب مي نوشتيم و سپس اوراق نوشته شده را آنقدر در آب غوطه ور مي ساختيم كه به طور كامل نوشته ها از آن محو مي شد ودر آب مخلوط مي گرديد. سپس از مريض مي خواستيم آن آب را بخورد و آنگاه اوراق مكتوبي را كه خوب در آب شسته بوديم جمع آوري كرده و در جايي مي گذارديم تا خشك شود و در نهايت آن را بر گدازه اي از آتش قرار مي داديم تا از آن دود بلند شود. ناگفته نماند بزرگواران و مشايخي چون (شيخ عبدالعزيز بن مرشد) و (شيخ عبدالرحمن بن فريان) و (شيخ احمد بن منصور) نيز اينگونه تعويذنويس را تاييد كرده و انجام مي دادند و هيچ يك از دانشمندان معاصر آنها نيز بر آنها اعتراض نكرده است. به اين ترتيب اينجانب (عبدالله بن جبرين) نيز مانعي براي اين كار نمي بينم و معتقدم اين كار در درمان بيمار موثر خواهد بود. البته به نظر من بهتر است آيات با قلمهاي مرغوب و به صورت فشرده در دو طرف ورق نوشته شود تا آيات بيشتري را بتوان در يك برگه جاي داد. (و خداوند بر همه كار آگاهتر است).[[107]](#footnote-107)

**ادعيه و اذكار يوميه**

(مجموعه اي از اذكار و دعاها كه به وسيله آنها انسان از گزند شياطين، جادوگران و ساير بلاها در امان مي ماند).

**چگونه در طول شبانه روز از گزند شيطان در امان بمانيم**

در حديثي صحيح نقل شده كه رسول گرامي اسلام فرموده است: (ان الشيطان يجري من الانسان مجري الدم).[[108]](#footnote-108) (همانا شيطان همچون خون در تمامي اعضاي انسان (نفوذ و) جريان پيدا مي كند). بنابراين شرع مقدس تدابيري انديشيده تا شخص مسلمان از گزند مكايد شيطاني (و ساير بلايا) مصون بماند. از جمله تدابير شرع مقدس آن است كه به مسلمان توصيه نموده صبحگاهان و شامگاهان و در هنگام خواب و هنگام دخول و خروج از منزل و حتي هنگام داخل شدن در دستشويي اذكار و ادعيه اي را ورد خويش سازد و تمامي كارهايش را با نام و ياد خداوند آغاز كند. بي ترديد وقتي مسلمان اين اذكار را ورد خويش سازد خداوندگار نيز وي را از گزند شيطان در امان خواهد داشت ولي چنانچه غفلت ورزد و سهل انگاري كند هر آينه شيطان به راحتي وي را شكار خواهد كرد (و به او آسيب خواهد رساند). (پناه مي بريم به خدا از شر شيطان)

به اين ترتيب ضروري است انسان مسلمان براي صيانت از خويش آنچه از دستورات و وظايف را كه خداوند بر عهده او گذارده تا سر حد توان به انجام برساند.

از جمله وظايف يك مسلمان عبارتند از:

1. خداي را به يگانگي پرستش كند و موحدي مخلص باشد.
2. تقواي الهي پيشه سازد و آنچه خداوند به او دستور فرموده را (بي چون و چرا) انجام دهد و از نواهي وي پرهيز نمايد.
3. متمسك به سنت رسول خدا باشد و آن حضرت را مقتداي خويش دانسته از هرگونه بدعت و نوآوري در دين پرهيز كند. همچنين از پيروان و ياوران شيطان كه همانا اهل هوي و هوس اند اجتناب كند و به مخالفت با آنان برخيزد.
4. همواره با قلبي خاشع و خالصانه به ذكر خداوند مشغول باشد.[[109]](#footnote-109)

اذكار و ادعيه اي را كه مقرر شده در اوقات و مكانهاي خاصي خوانده شود تا شخص مسلمان **به وسيله ي آنها از گزند شياطين در امان بماند به شرح ذيل است:**

**اذكار و ادعيه (مسنون در) صبحگاهان و شامگاهان:[[110]](#footnote-110)**

1. (بقره 255)

ﮋ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵﯶ ﯷ ﯸﯹﯺ ﯻ ﯼ ﯽﯾﮊ

خدايي جز الله وجود ندارد و او زنده پايدار (و جهان هستي را) نگهدار است. او را نه چرتي و نه خوابي فرا نمي گيرد (و همواره بيدار است و سستي و رخوت بدو راه ندارد). از آن اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است. كيست آنكه در پيشگاه او ميانجيگري كند مگر با اجازه ي او؟ مي داند آنچه را كه در پيش روي مردمان است و آنچه را كه در پشت سر آنان است. چيزي از علم او را فراچنگ نمي آورند جز آن مقداري را كه وي بخواهد. فرماندهي و فرمانروايي او آسمانها و زمين را در برگرفته است، و نگاهداري آن دو (براي او گران نيست و) وي را درمانده نمي سازد و او بلندمرتبه و سترگ است.

-2 (سوره توحيد)

1. ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﮊ
2. بگو: خدا، يگانه يكتاست.
3. خدا، سرور والاي برآورنده ي اميدها و برطرف كننده ي نيازمنديهاست.
4. نه زاده است و زاده نشده است.
5. و كسي همتا و همگون او نمي باشد.

(سوره فلق)

ﮋ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮊ

1. بگو: پناه مي برم به خداوندگار سپيده دم.
2. از شر هر آنچه خداوند آفريده است.
3. و از شر شب بدانگاه كه كاملاً فرا مي رسد (و جهان را به زير تاريكي خود مي گيرد).
4. و از شر كساني كه در گره ها مي دمند (و با نيرنگ سازي و حقه بازي خود، اراده ها، ايمانها، عقيده ها، محبتها و پيوندها را سست مي نمايد و فساد و تباهي مي كنند).
5. و از شر حسود بدانگاه كه حسد مي ورزد.

(سوره ناس)

ﮋ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮊ

1. بگو: پناه مي برم به پروردگار مردمان.
2. به مالك و حاكم (واقعي) مردمان.
3. به معبود (به حق) مردمان.
4. از شر وسوسهگري كه واپس مي رود.
5. وسوسه گري است كه در سينه هاي مردمان به وسوسه مي پردازد (و ايشان را به سوي زشتي و گناه و ترك خوبيها و واجبات مي خواند).
6. (در سينه هاي مردماني) از جنيها و انسانها.

**(هر يك از سه سوره فوق بايستي سه مرتبه خوانده شود).** [[111]](#footnote-111)

-3(لا اله الا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد و هو علي كلي شيء قدير). (عشر مرات) او (مئه مرات).[[112]](#footnote-112)

هيچ خدايي جز الله وجود ندارد. او تنهاست و شريكي ندارد. پادشاهي (هر دو جهان) از آن اوست و بر همه چيز قادر و تواناست.

**(اين دعا ده متربه يا 100 متربه بايستي تكرار كردد).**

-4(سبحان الله و بحمده، عدد خلقه و رضا نفسه، وزنه عشره و مداد كلماته). (ثلاث مرات).[[113]](#footnote-113)

تسبيح (تنزيه) و ستايش مي گويم خداوندگار را به تعداد مخلوقات او و آنقدر كه رضايتش را جلب كند[[114]](#footnote-114) و (همچنين تسبيح و ثنا مي گويم ذات مقدسش را) به ميزان وزن عرش او و به تعداد كلمات او (كه نامعدود است).

-5(سبحان الله و بحمده). (مئه مره)[[115]](#footnote-115)

تسبيح و ستايش مي كنم خداي را (كه منزه است و ستايش او را سزاست) اين ذكر بايستي 10 مرتبه تكرار شود.

6- (اللهم صل علي محمد و علي آل محمد كما صليت علي ابراهيم و علي آل ابراهيم انك حميد مجيد. اللهم بارك علي محمد و علي آلي محمد كما باركت علي ابراهيم و علي آل ابراهيم في العالمين انك حميد مجيد).[[116]](#footnote-116)

بار خدايا! بر محمد و آل محمد درود فرست آنگونه كه بر ابراهيم و آل او درود فرستادي. همانا تو (خداوندگار) ستوده و عالي مرتبه هستي، بار خدايا! محمد و آل محمد را بزرگي و كرامت عنايت كن آنگونه در ميان جهانيان ابراهيم و آل ابراهيم را (بركت و بزرگي) عنايت فرمودي. همانا تو (پروردگار) ستوده و عالي مقام هستي.

7- (اللهم انت ربي لا اله الا انت خلقتني و انا عبدك و انا علي عهدك و وعدك ما استطعت، اعوذ بك من شر ما صنعت، ابوء لك بنعمتك علي و ابوء لك بذنبي، فاغفرلي فانه لا يغفر الذنوب الا انت).[[117]](#footnote-117)

بار خدايا! تو پروردگارم هستي و جز تو معبودي (لايق پرستش) وجود ندارد. تو مرا آفريده اي و من بنده ي تو هستم. (الهي!) عهدي را كه (در روز ؟؟؟) با تو بسته ام (و پيماني را كه با ايمان آوردن به تو بدان ملزم شده ام) وفادارم. از شر كردار (و پرداخته هاي) خويش به تو پناه مي برم. خود اقرار دارم كه تو (به كثرت) مرا نعمت ارزاني داشته اي و به گناهان خويش نيز معترفم. (خداوندگارا!) گناهانم بيامرز كه جز تو آمرزنده اي نيست.

8- (استغفر الله و اتوب اليه). (سبعين او مئه مره).[[118]](#footnote-118)

از خداوند طلب مغفرت مي كنم و به (درگاه) او توبه (رجوع) مي كنم.

**اين دعا هفتاد يا 100 مرتبه بايستي خوانده شود.**

9- (اللهم بك اصحبنا و بك امسننا و بك نحيا و بك نموت و اليك النشور. (و اذا امسي فليقل) اللهم بك امسينا و بك اصبحنا و بك نحيا و بك نموت و اليك المصر).[[119]](#footnote-119)

بار خدايا! در سايه ي لطف و عنايت تو صبح مي كنيم و (سپس) روزمان را به پايان مي رسانيم، (الهي!) مرگ و حيات ما به دست توست و همگان (در روز حشر براي حسابرسي) به محضر تو خواهيم شتافت.

شامگاهان همان دعاي فوق را مي خوانيم اما به جاي (و اليك النشور) عبارت (و اليك المصير) (سرنوشت همه به تو منتهي مي شود) را اضافه مي كنيم و در ابتداي دعا نيز به جاي (اصبحنا) واژه (امسينا) را به كار مي بريم).[[120]](#footnote-120)

10- (اللهم فاطر السموات و الارض، عالم الغيب و الشهاده لا اله الا انت رب كل شيء و مليكه، اعوذبك من شر نفسي و من شر الشيطان و شركه و ان اقترف علي نفسي سوءاً او اجره الي مسلم).[[121]](#footnote-121)

بار خدايا! اي پديدآرنده آسمانها و زمين! (همانا) تو بر پنهان و آشكار (ظاهر و باطن هر چيز) آگاه هستي و جز تو كه پروردگار و مالك هر چيز هستي معبودي (لايق پرستش) وجود ندارد. (خداوندا!) از شر نفس (سركش) خويش و از شر شيطان و (تلاشهايي كه براي سوق دادن مردم به سوي) شرك (انجام مي دهد) و همچنين از اينكه برخويشتن يا (برادر) مسلماني بدي (يا ظلمي) روا دارم به تو پناه مي برم.

11- (اللهم اني سالك العافيه في الدنيا و الاخره، اللهم اني اسالك العفو و العافيه في ديني و دنياي و اهلي و مالي. اللهم اشتر عوراتي و آمن روعاتي. اللهم احفظني من بين يدي و من خلقي، و عن يميني و عن شمالي و من فوقي و اعوذ بعظمتك ان اغتال من تحتي).[[122]](#footnote-122)

بار خدايا ! در دنيا و آخرت عافيت را نصيبتم كن، خداوندگارا! از تو عفو و عافيت را در مورد (امور) دين و دنيا و اهل و مالم مسالت مي داريم، خدايا! عيوبم بپوشان و آرامش نصيبم كن. خداوندا! من را (به طور كامل) از جلو و عقب و راست و چپ و از بالا و پايين (از گزند حوادث) حفاظت كن و از اينكه به بلايي ناگهاني مبتلا شوم (خسف شوم) به عظمت تو پناه مي برم.

12- (اصبحنا و اصبح (امسننا و امسي)

(الملك لله و الحمد لله الا اله الا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد و هو علي كل شيء قدير).

(پادشاهي از آن خداست و حمد و ثنا او را سزاست. اوست يگانه يكتا كه معبودي جز او (لايق پرستش) نيست. پادشاهي از آن اوست و حمد و ستايش او را سزاست كه بر هر چيز قادر و تواناست.)

(چنانچه صبحگاهان اين دعا را بخواند قبل از آن عبارت (اصبحنا و اصبح) را اضافه كند و اگر شامگاهان به اين دعا مي پردازد عبارت (امسينا و امسي) به آن بيفزايد).

شامگاه مي تواند اين عبارت را نيز بدان بيفزايد (رب اسالك خير ما في هذه الليله و خير ما بعدها و اعوذ بك من شر ما في هذه الليله و شر ما بعدها)).[[123]](#footnote-123)

(پروردگارا از تو مي خواهم كه خير اين شب (را اعم از عبادات نافعي كه در آن انجام مي پذيرد و ساير خيرهايي كه طي آن به انسانها ارزاني مي شود) و خير ساير شبهاي آتي را به من عنايت كني. (الهي!) به تو پناه مي برم از شر (آنچه از ضررها و موجودات مضري كه در) اين شب (وجود دارد) و از شر (آنچه در) شبهاي آينده (ممكن است عايدم گردد).

13- (اصحبنا (امسننا) علي فطره الاسلام، و علي كلمه الاخلاص و علي دين نبينا محمد و علي مله ابينا ابراهيم حنيفا مسلما و ما كان من المشركين).[[124]](#footnote-124)

(سپاس خداوند را كه توفيق داد) در حالي صبح كرديم كه بر فطرت اسلام باقي و گوينده كلمه اخلاص بوديم و همچنان بر دين پيامبرمان محمد (مصطفي) (ص) و ملت پدرمان ابراهيم كه يكتاپرستي اختيار كرد و از جمله مشركين نشد پايدار بوديم).

14- (اعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق).[[125]](#footnote-125)

(پناه مي برم به كلمات تامه الهي از شر آنچه (در عالم هستي) خلق نمود).

15- (بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الارض و لا في السماء و هو السميع العليم).[[126]](#footnote-126) (ثلاث مرات).

(به نام خداوندگاري كه هيچ موجودي را در زمين و آسمان ياراي ضرر رسانيدن به گوينده نام او (كه نام مباركش ورد خويش ساخته و كارهايش را با نام او آغاز مي كند) نيست و او شنواي داناست). (اين دعا سه مرتبه خوانده شود).

16- (رضيت بالله رباً و بالاسلام ديناً و بمحمد نبياً). (ثلاث مرات).[[127]](#footnote-127)

(از اينكه الله (جل جلاله) پروردگارم و اسلام (مبين) دينم و محمد (مصطفي) (ص) پيامبرم هست (بسيار) خرسندم).

**(اين دعا بايستي سه مرتبه تكرار گردد).**

**اذكار و ادعيه مسنون به هنگام خوابيدن**

براي اينكه انسان مسلمان به هنگام خواب از گزند بلايا و آفات در امان باشد شرع مقدس به وي توصيه نموده كه آيات و دعاهاي ذيل را قبل از خواب زمزمه كند. اما چگونگي آن به شرح ذيل است. ابتدا شخص وضو گرفته چند ركعت نماز نفل مي خواند و آنگاه خود را بر سمت راست خويش تكيه داده آيات و اذكار ذيل را مي خواند:

1. (بقره – ايه 255) (آيه الكرسي).[[128]](#footnote-128) [[129]](#footnote-129)

ﮋ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵﯶ ﯷ ﯸ ﯹﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﮊ

1. آيات پاياني سوره مباركه بقره (آيه 284- 286).[[130]](#footnote-130) [[131]](#footnote-131)

ﮋ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﮊ

1. (سوره كافرون). [[132]](#footnote-132) [[133]](#footnote-133)
2. ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﮊ
3. در وهله ي چهارم و وقتي آيات مذكور را تلاوت كرد كف دست ها را كنار هم قرار داده در آنها مي دمد و آنگاه در حالي كه همچنان دستها را جمع كرده و روبه روي خود قرار داده است سوره هاي ذيل را تلاوت مي كند. اين سوره ها عبارتند از:

الف: (سوره اخلاص) (توحيد).

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﮊ

ب: (سوره فلق).

ﮋ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮊ

ج: (سوره ناس).[[134]](#footnote-134)

ﮋ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮊ

پس از خواندن اين سه سوره با دستها تمامي بدنش را از سر تا پا مسح (لمس) مي كند. (و اين كار بايستي سه مرتبه تكرار گردد). [[135]](#footnote-135)

1. وقتي تلاوت آيات مذكور را به پايان رسانيد سي و سه مرتبه (سبحان الله)، سي و سه مرتبه (الحمد لله) و سي چهار مرتبه (الله اكبر) بگويد. [[136]](#footnote-136)
2. اين دعا را بخواند (اللهم باسمك احيا و باسمك اموت).[[137]](#footnote-137)

(بار خدايا! با نام و ياد تو بيدار مي شوم و مي خوابم).[[138]](#footnote-138)

البته اگر خواست مي تواند عبارات زير را نيز بدان بيفزايد. (باسمك رب وضعت جنبي و بك ارفعه، ان امسكت نفس فارحمها و ان ارسلتها فاحفظها بما تحفظ به عبادك الصالحين).[[139]](#footnote-139)

(پروردگارا! با ياد تو سر بر بالين مي نهم و با نام و ياد تو سر از بالين بر مي دارم. (خداوندا!) چنانچه جانم (در خواب) بگرفتي (و زندگي را بر من پايان بخشيدي) پس بر من رحم كن (و از عذاب خويش نجاتم بخش) اما اگر به من فرصت حيات و زندگي دادي پس آنگونه كه بندگان صالح خويش را (از لغزش و گناه و ساير بلايا) محفوظ مي داري من را نيز حفاظت كن).

1. در پايان اين دعا را بخواند: (اللهم اسلمت نفسي اليك و فوضت امري اليك و وجهت وجهي اليك و الجات ظهري اليك رغبه و رهبه اليك لا ملجا و لا منجا منك الا اليك، آمنت بكتابك الذي انزلت و بنبيك الذي ارسلت).[[140]](#footnote-140)

(بار خدايا! خويشتن به تو تسليم كردم و كار خويش را به تو واگذار نمودم. به تو روي آوردم و تو را پشتوانه خويش قرار دادم چرا كه هم به (درياي بيكران رحمت) تو اميدوارم و هم از (خشم و عذاب) تو بيم دارم.

(از ترس عذاب و عقاب تو) جز تو پناهگاهي ندارم (و) به كتابي كه نازل كردي (قرآن) و پيامبري كه مبعوث نمودي (محمد مصطفي()) ايمان دارم).

**اذكار و ادعيه مسنون هنگام دخول و خروج از منزل**

هنگام داخل شدن در منزل اين دعا را بخواند:

(اللهم اني اسالك خير المولج و خير المخرج، بسم الله و لجنا و بسم الله خرجنا و علي الله ربنا توكلنا ثم ليسلم علي اهله). [[141]](#footnote-141)

(بار خدايا ! بهترين مكانها[[142]](#footnote-142) را براي ورود و خروجم از تو مسالت مي دارم. با نام و ياد خداوند داخل شديم و خارج شديم و بر او كه پروردگار ماست توكل كرديم. (پس از خواندن اين دعا صاحبخانه) بر اهل خويش (وارد شده به آنها) سلوم مي كند.

هنگام خارج شدن از منزل ادعيه ذيل را بخواند:

1. (بسم الله توكلت علي الله، لا حول و لا قوه الا بالله). [[143]](#footnote-143)

(با نام و ياد خداوند بر او توكل مي كنم كه هر تغيير و تحول و هر نيرو و حركتي تنها از او نشات مي گيرد). (هرگاه شخص هنگام خروج از خانه اين دعا را بخواند، خطاب به وي گفته مي شود هدايت شدي و كفايت كارهايت شد و از گزند بالايا محفوظ گرديدي و شيطان نيز از آزار رساندن به او صرف نظر مي كند).

1. (اللهم اني اعوذ بك ان اضل او اضل او ازل او ازل او اظلم او اظلم، او اجهل او يجهل علي).[[144]](#footnote-144)

(خداوندگارا! از اينكه گمراه شوم يا ديگري موجب گمراهي من شود و از اينكه لغزشي انجام دهم يا ديگري لغزشي را در مورد من انجام دهد و (همچنين) از اينكه ظلم كنم يا مورد ظلم واقع شوم يا كاري را از روي ناداني انجام دهم يا ديگري كاري را از روي جهالت نسبت به من انجام دهد به تو پناه مي برم.

**دعاي مسنون قبل از وارد شدن به دستشويي**

**قبل از داخل شدن در دستشويي اين دعا را بخواند:**

(اللهم اني اعوذبك من الخبث و الخبائث).[[145]](#footnote-145)

(بار خدايا! پناه مي برم به تو از (شر) شياطين (و جنيات) مذكر و مونث).

**فوائد (بسم الله) گفتن در اول هر كار**

از جمله مواردي كه موجب مي شود همواره انسان مسلمان از گزند آفات و بلايا در امان باشد اين است كه تمام كارهايش را با نام خدا آغاز كند و قبل از هر كار (بسم الله الرحمن الرحيم) بگويد. هنگام غذا خوردن و آب نوشيدن و همچنين هنگام همبستري اين كار ضرورت بيشتري پيدا مي كند.

جابربن عبدالله مي گويد: از رسول خدا شنيدم كه فرمود: (اذا دخل الرجل بيته فذكر الله عزوجل عند دخوله و عند طعامه قال الشيطان: لا مبيت لكم و لا عشاء و اذا دخل فلم يذكر الله عند دخوله، قال الشيطان: ادركتم المبيت و اذا لم يذكر الله عند طعامه، قال: ادركتم المبيت و العشاء).[[146]](#footnote-146)

(هرگاه كسي در منزل خويش وارد شود و در بدو دخول به منزل و هنگام شروع غذا خوردن خداوند را ياد كند (و بسم الله گويد) در اين صورت شيطان (به دار و دسته خويش) مي گويد: (با بسم الله گفتن اين فرد) نه خانه اي براي (من و) شما باقي ماند و نه غذايي! اما چنانچه (فرد مذكور) در خانه (ي خويش) وارد شود و بسم الله نگويد، شيطان (خطاب به دار و دسته خويش) مي گويد: (راحت باشيد كه) خانه (و محل سكونتي) براي شما پيدا شد. هنگام (شروع كردن به) غذا خوردن نيز اگر (فرد مذكور) بسم الله نگويد، شيطان (به اطرافيان خود) مي گويد: (اكنون) خانه و غذايتان مهيا گرديد.

پيرامون همين موضوع ابن عباس نيز روايتي را نقل مي كند كه به شرح ذيل است. او مي گويد: او رسول خدا شنيدم كه فرمود: (لو ان احدهم اذا اراد ان ياتي اهله قال: بسم الله، اللهم جنبنا الشيطان و جنب الشيطان ما رزقنا؛ فانه ان يقدر بينهما ولد في ذلك لم يضره شيطان ابداً).[[147]](#footnote-147)

(هرگاه كسي اراده همبستري با همرش نمود و (اين دعا را) خواند: به نام خدا؛ بار خدايا ما را از گزند شيطان مصون بدار و از آنچه ما را برخوردار كرده اي (همبستري) او محروم كن. در اين صورت اگر خداوند مقدر كند كه حاصل اين همبستري فرزندي باشد آن فرزند همواره از زيانهاي شيطان مصون خواهد ماند.

آشنايي با آسيبهاي ناشي از: جادو، مس و چشم زخم

آسيب شناسي جادو، مس و چشم زخم:

آسيب هاي ناشي از سحر، مس و چشم زخم تا حدودي به هم شبيه است و به همين خاطر هم تفكيك عامل اصلي هر يك از اين، آسيب ها دشوار و شايد ناممكن است. بايد توجه داشت كه حتماً لازم نيست تمام آسيب ها و آفات (موارد فوق) در يك مريض مشاهده گردد بلكه گاه آثاري اندك نيز در او حاكي از سحرزدگي، چشم زخم يا مس شيطاني خواهد بود. لازم به ذكر است برخي از اين آسيبها و آفات صرفاً نوعي بيماري جسمي يا رواني هستند كه هيچ رابطه اي با سحر، مس يا چشم زخم ندارند و اين نكته بايستي حتماً مورد ملاحظه قرار گيرد.

در ادامه به ذكر پاره اي از آسيب ها و آفات ناشي از جادو، مس و چشم زخم مي پردازيم. البته متذكر مي شويم كه برخي از اين آسيب ها و حالات قبل از تعويذ (خواندن بر مريض) وجود دارد اما برخي ديگر تنها هنگامي ظهور مي يابد كه راقي بر مريض تعويذ مي خواند (يا اجرا مي كند).

اكنون به تفصيل به اين موارد مي پردازيم.

1. **حالات و آسيب هايي كه قبل از تعويذ در بيمار ظهور مي يابد:**

يك سري حالات و آسيب ها قبل از اينكه در مورد شخص جن زده و ... تعويذي خوانده شود در وي ظهور مي يابد. آنها عبارتند از:

1. اينكه شخص به طور ناگهاني از چيزي كه شديداً بدان عشق مي ورزيده نفرت پيدا مي كند و يا به چيزي كه شديداً از آن نفرت داشته علاقه پيدا مي كند.
2. به بيماري هاي گوناگون بسياري مبتلا مي شود و علم طب (نيز با همه پيشرفت خود) هيچ دليل يا عاملي را براي اينگونه بيماري ها تشخيص نمي دهد.
3. (در طول شبانه روز) به خصوص بعد از نماز عصر و مغرب افسردگي شديدي را احساس مي كند (و به تعبيري دلش مي گيرد).
4. از كار كردن و ظاهر شدن در محيطهاي اجتماعي (و كاري) مثل مدرسه، دانشگاه و غيره نفرت پيدا كرده عزلت و گوشه نشيني را اختيار مي كند.
5. خيالي مي شود و گاهاً تصور مي كند كارهايي را انجام داده كه واقعاً آن را انجام نداده است.
6. رنگ پريده مي شود يا رنگ صورتش به زردي مي گرايد و همچنين گاه لكه ها و داغ و نشانه هايي گندمگون يا مايل به رنگ آبي در صورتش هويدا مي گردد و هيچ عاملي (پوستي يا داخلي) نيز توسط پزشكان براي اين بيماري تشخيص داده نمي شود.
7. هر از چندگاهي دچار سردرد مي شود و يا به طور ناگهاني تب مي كند.
8. جنجالها و مشاجراتي كه بين زن و مرد يا ديگر اعضاي خانواده به خاطر مسائل بسيار اندك و پيش پا افتاده صورت مي گيرد مي تواند يكي از حالا و آفتهاي سحر، مس يا چشم زخم باشد.
9. فرد در حاليكه بيدار است، گويي در عالم رويا به سر مي برد و دچار وهم و گمان مي شود.
10. مدام كسل است و احساس مي كند كار و تلاش زيادي را انجام داده (در حالي كه هيچ كاري نكرده است). همچنين اشتهاي او براي غذا خوردن كم مي شود.
11. وقتي كه راه مي رود احساس مي كند (روي هوا راه مي رود و) وزني ندارد.
12. همواره احساس مي كند صدايي در يك يا هر دو گوش او طنين انداز مي شود.
13. بيمار اگر زن باشد در حالتهاي مختلف و به خصوص هنگامي كه دوره پريود را سپري مي كند در ناحيه ي رحم خويش احساس درد مي كند يا مكرر استحاضه مي شود.
14. به خاطر اندك چيزي شديداً عصباني مي شود.
15. همواره دوست دارد بخوابد و از خوابهاي سنگيني كه بيدار شدن از آنها بسيار مشكل است رنج مي برد.
16. احساس مي كند كسي او را صدا مي زند ولي هرچه به اطراف مي نگرد كسي را نمي بيند.
17. درد شديد و مداومي در ناحيه پايين يا وسط پشت و يا بين دو كتف او حادث مي شود.
18. دچار نوعي حساسيت پوستي شده خارش شديدي را در بدنش احساس مي كند و احياناً بدنش ورم مي كند يا دانه هايي در بدن او ظهور مي يابد.
19. مكرر دچار اسهال يا نفخ شديد شكم مي شود و گاهي نيز ترش كرده يا درون خويش احساس سوزش مي كند. يبوست مزمن از ديگر نشانه ها (ي اين بيماري) مي باشد.
20. دچار ضعف بينايي مي شود و احساس مي كند پرده اي جلوي چشمان او را گرفته است.
21. همواره احساس رنج و اندوه مي كند و پريشان و آشفته مي شود. همچنين وحشت زده و مضطرب است و انگار شديداً از چيزي مي ترسد.
22. شديداً وسواسي مي شود به نحوي كه مدام انجام كاري را تكرار مي كند و بر آنچه قبلاً براي وي مسلم و بديهي بود، شك و ترديد مي كند. اين حالات بيانگر نوعي بيماري است كه در زبان عربي بدان، الوسواس القهري مي گويند و در نهايت نيز به مرگ منتهي مي شود.
23. مدام دچار آشفتگي ذهني مي شود و بسيار فراموشكار مي گردد.
24. از ذكر و ياد خداوند روي گردان شده از عبادت الهي بدش ميآيد.
25. بويي ناخوشايند و غيرطبيعي از بيمار تراوش مي كند كه بسيار گزنده است اما جز مريض كسي آن بو را احساس نمي كند. به علاوه مريض به مقداري زياد عرق مي كند و يا مدام نياز پيدا مي كند كه به دستشويي برود.
26. قدرت همبستر شدن با همسرش را از دست مي دهد و به طور كلي نسبت به همسرش بي رغبت شده و خواسته هايش را برآورده نمي كند.
27. مدام كابوس مي بيند. از جمله مواردي كه بيمار در خواب مي بيند عبارتند از: 1- اژدهاهايي سياهرنگ، 2- سگ ها و گربه ها (يي كه به او حمله مي كنند)، 3- شتر (هاي افسار گسيخته كه به سوي او شتابان در حركتند و ...)، 4- قبرستان، 5- زباله دانها، 6- پرت شدن از ارتفاعي بسيار بلند، 7- غرق شدن در آب و غيره.
28. سخن گفتن زياد در اثناي خواب و همچنين صدايي كه در اثر برخورد دندانها و اصكاكشان ايجاد مي شود و آه و ناله كردن شخص در خواب از ديگر علايم بيماري است.
29. احساس مي كند چيزي سنگين در هنگام خواب بر روي سينه او گذاشته شده است.
30. راه رفتن در اثناي خواب و بيدار شدن مكرر از خواب و همچنين بيدار شدن از خواب در حاليكه ترس وجود او را فرا گرفته از ديگر علايم بيماري به شمار مي آيد كه نشان مي دهد بيمار جن زده است يا از چشم زخم آسيب ديده است.
31. **آسيب ها و حالاتي كه در اثناي تعويذ در بيمار ظهور مي يابد:**

حالات و آسيبهايي كه در اثناي تعوذي خواندن توسط راقي در بيمار ظهور مي يابد عبارتند از:

1. سردرد و تشنج.
2. سينه تنگي (و افسردگي).
3. تحرك و تكان خوردن بيش از اندازه مژه ها.
4. بلند فرياد زدن
5. احساس درد در ناحيه شكم و نفخ شكم و همچنين ايجاد صداهاي ناهنجار در ناحيه روده ها و شكم بيمار.
6. تغيير كردن صداي بيمار و صدور صداهاي عجيب و غريب توسط او.
7. ورم كردن يكي از شاهرگهاي گردن مريض.[[148]](#footnote-148)
8. غلبه كردن خواب يا چرت بر مريض.
9. خنديدن يا گريه كردن بي موقع.
10. سرگيجه، حالت تهوع و استفراغ چيزهاي غيرطبيعي در اشكال و رنگهاي مختلف.
11. سردرد شديد.
12. احساس سنگيني از اطراف خويش و (در نهايت) بيهوشي و همچنين تب بسيار يا سرد شدن بيش از حد بدن.
13. احساس اينكه انگار چيزي به سرعت از كنار او مي گذرد.
14. احساس انواع درد در قسمتهاي مختلف بدن به نحوي كه انگار درد در بدن او جا به جا مي شود.
15. تكان خوردن برخي از اعضاي او (بدون اراده).
16. زياده گشتن بلغم ( در دهان و گلو).
17. انحراف ظاهري در چشم (و كم شدن بينايي).
18. بيهوده سخن گفتن (و گفتن چيزهايي كه از ذهن فعال و دانا سرچشمه نگرفته است).
19. زياده عرق كردن به خصوص در ناحيه پشت.
20. خون بيني شدن ناگهاني كه عواملي چون سرماخوردگي و غيره عامل آن نباشد.
21. خميازه هاي مداوم يا آه سرد كشيدن.
22. خارش يا سرخ شدن پوشت و يا ظاهر شدن دانه هايي روي پوست.
23. احساس ناراحتي شديد و بي طاقتي در اثناي تعويذ و رغبت نداشتن به تكميل شدن تعويذ.
24. لرزش شديد در ساير قسمت هاي بدن.
25. تنگي نفس (به نحوي كه نفس كشيدن به سختي و با صدايي بلند انجام گيرد) و از هوش رفتن.
26. سياه شدن چهره و شاداب شدن و سفيدي آن پس از اينكه مريض استفراغ كرد.
27. تراوش بويي بسيار كريه و ناخوشايند از معده و دهان.
28. طپش شديد دل و زياد شدن آن در اثناي تعويذ.
29. خيره شدن يا بسته شدن چشمهاي بيمار.
30. احساس تلخي در دهان به هنگام نوشيدن آبي كه بر آن آياتي از قرآن خوانده شده است.

**(و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين)**

1. - نك؛ ترجمه المنجد (فرهنگ جامع نوين) و مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهاني. ذيل ماده ي (ر ق ي). [↑](#footnote-ref-1)
2. - همان، ذيل ماده ي (عين). [↑](#footnote-ref-2)
3. - همان، ذيل ماده ي (مس). [↑](#footnote-ref-3)
4. - روايات فراواني حاكي از آن است كه (الحنان) از اسماي باري تعالي است (نك؛ مسند احمد 3/158 و 3/230 و مستدرك الحاكم (1/17) و غيره. بديهي است علي رغم وجود اين روايات در برخي كتب حديثي دانشمندان علوم اسلامي در اينكه آيا (الحنان) از اسماي الهي است يا خير اختلاف كرده اند. البته برخي در سند روايات حاكي از وجود اسمي با عنوان (الحنان) براي خداوندگار نيز خدشه هايي وارد نموده اند كه در نتيجه ي اين اختلاف سه ايده پيرامون (الحنان) بوجود آمده است كه آنها عبارتند از:

   الف- امامان مالك و خطابي صراحتاً (الحنان) را از اسماي الهي ندانسته اند. (نك؛ مجموع الفتاوي (10/285) و المعجم المناهي اللفظيه، ص 241. گروهي ديگر از دانشمندان نيز همين ايده را پذيرفته اند.

   ب- امام بيهقي و چندي ديگر از دانشمندان آن را از اسماي باري تعالي دانسته اند. (نك؛ الاسماء و الصفات، ص 74-75)

   ج- برخي ديگر از علما نيز در اين مورد سكوت كرده و قضاوت پيرامون آن را موكول به وجود حديثي صحيح در مورد آن كرده اند. از اين جمله مي توان به گفته هاي شيخ ابن عيثمين در (المجموع الثمين، .3/57-58) اشاره كرد. خداوند به حقيقت امر آگاهتر است. [↑](#footnote-ref-4)
5. - گويند (خرافه) نام مردي جن زده بوده كه هر آنچه را مي ديده نقل مي كرده و به مرور زمان مردم (به او بدبين شده و هرآنچه مي گفته را تكذيب مي كرده اند. بعدها (خرافه) بر حديث و سخن دروغ اطلاق شده است. (نك؛ مختار الصحاح، رازي، ذيل (خ ر ف). [↑](#footnote-ref-5)
6. - مسلم (2185) باب الطب و المرض و الرقي. [↑](#footnote-ref-6)
7. - همان (2200) كتاب السلام. راوي اين حديث عوف بن مالك اشجعي است. [↑](#footnote-ref-7)
8. - همان (2199) كتاب السلام، راوي اين حديث جابربن عبدالله مي باشد. [↑](#footnote-ref-8)
9. - از آنجا كه حديث ابن عباس به همراه دو آيه ي مذكور در فوق در مجموع يك تعويذ شرعي را تشكيل داده لذا عبارات عربي را پشت سرهم آورده و عبارات فارسي (ترجمه ي آنها را نيز) مجزا و بطور متوالي ذكر كرده ايم. (مترجم). [↑](#footnote-ref-9)
10. - نك؛ فتح الباري (10/210). [↑](#footnote-ref-10)
11. - مسلم (2188) كتاب اسلام، باب الطب و المرض و الرقي. راوي حديث ابن عباس است و امام نووي در شرح آن گفته است؛ در اين حديث به اثبات تقدير پرداخته شده و بي ترديد قدر با نص و اجماع اهل سنت به اثبات رسيده است . مفهوم تقدير (قدر) آن است كه تمامي اشياء تابع قدر الهي است و جز باخواسته و فرمان او واقع نمي شود. دانش و علم خداوندي قبلاً تقدير وي را رقم زده و به اين ترتيب هرآنچه از زيان چشم زخم به انسان آسيب مي رساند نبايد ترديد كرد و خداوند بر همه چيز آگاهتر است.روايت مذكور را هيثمي از حديث جابربن عبدالله برگرفته و روايت كرده و گفته است بزاز نيز آن را نقل كرده است. رجال اين حديث جز طالب بن حبيب بن عمرو رجال كتب صحي (مسلم يا بخاري) هستند و البته طالب هم ثقه است. نك؛ المنهاج، (14/396). [↑](#footnote-ref-11)
12. - مجمع الزوائد، هيثمي (5/106) ابن حجر اسناد اين حديث را تحسين كرده است. نك؛ فتح الباري (10/214) [↑](#footnote-ref-12)
13. - البته اين كار بايد پس از اينكه شخص معين از چشم زخم آسيب ديد و قبل از اينكه مدتي بگذرد و چشم زخم استحكام يابد بايد انجام گيرد. نك؛ الفتح الباري (10/215). [↑](#footnote-ref-13)
14. - مراد از اعضايي كه شلوار آن را در برگرفته قسمت بالاي ران (لمبرين) است. نك؛ الفتح الباري (10/215). [↑](#footnote-ref-14)
15. - نك؛ الفتح الباري (10/214). [↑](#footnote-ref-15)
16. - نك؛ همان، (10/232). [↑](#footnote-ref-16)
17. - بخاري (5765) كتاب الطب و باب السحر، حديث ش (5766) و مسلم (2189) كتاب السلام: باب السحر. اين حديث متفق عليه است و راوي آن عايشه ي صديقه مي باشد. [↑](#footnote-ref-17)
18. - نك؛ مقاييس اللغه، ابن فارس، ذيل ماده ي (رقي) (1/480). [↑](#footnote-ref-18)
19. - نك؛ النهايه، ابن اثير، ذيل ماده ي (رقي) (2/231). [↑](#footnote-ref-19)
20. - نك؛ الفتح الباري، ابن حجر (4/534-535) و (10/207). [↑](#footnote-ref-20)
21. 1 - نك؛ همان، (10/206). [↑](#footnote-ref-21)
22. - آنچه در خلال متن بدان اشاره گرديد در واقع فرازي از نص فتواي حضرت شيخ عبدالله بن جبرين حفظه الله بود. نك؛ سلسله الفتاوي الشرعيه، فتاوي مربوط به رقيه و تعويذ، ص 8. [↑](#footnote-ref-22)
23. - مسلم (657)، كتاب المساجد، باب فضل صلاه العشاء الصبح في الجماعه. اين حديث را جندب بن عبدالله القسري روايت كرده است. [↑](#footnote-ref-23)
24. - همان (656). اين حديث را عثمان بن عفان روايت كرده است. [↑](#footnote-ref-24)
25. - اين حديث را ابن حبان ذيل شماره ي (1391) نقل كرده است. راوي اين حديث ام سلمه است. [↑](#footnote-ref-25)
26. - نك؛ بخاري (6391)، كتاب الدعوات و مسلم (2189)، كتاب السلام، باب السحر. [↑](#footnote-ref-26)
27. - روايت شده كه رسول كريم فرموده است: (خداوند متعال هر شب به آسمان دنيا مي آيد و وقتي ثلث اخير شب فرا مي رسد ندا مي كند؛ آيا كسي هست كه دعايي كند و من دعايش اجابت نمايم؟ آيا كسي هست كه از من مطالبه ي چيزي كند و من (مطلوب وي را) به او عطا كنم؟ آيا كسي هست كه طلب مغفرت كند تا من گناهان وي را بيامرزم؟) نك؛ بخاري (1145)، كتاب التهجد باب الدعاء و الصلاه من آخر الليل و مسلم (758)، كتاب صلاه المسافرين و قصرها، باب الترغيب في الدعاء ... اين حديث متفق عليه است. [↑](#footnote-ref-27)
28. - نقل شده كه رسول خدا (ص) فرموده است: (در روز جمعه ساعتي وجود دارد كه چنانچه بنده ي مسلمان در اين ساعت (توفيق پيدا كند) در حال نماز باشد و در همان حال از خداوند چيزي را مطالبه كند هر آينه خداوند خواسته ي وي اجابت خواهد كرد). بخاري (935)، كتاب الجمعه، باب الساعه التي في يوم الجمعه و مسلم (852)، كتاب الجمعه، باب في الساعه التي في يوم الجمعه. اينكه در متن اشاره شد كه آخرين ساعت روز جمعه كه بعد از عصر و كمي قبل از غروب آفتاب مي باشد از ساعات اختصاص داده شده براي اجابت دعا مي باشد در واقع راجح ترين قولي است كه از بسياري از سلف صالح نقل شده است. اكثر احاديث نيز حاكي از همين قول است. نك؛ زادالمعاد، ابن قيم، (1/131). [↑](#footnote-ref-28)
29. - خداوند متعال مي فرمايد (كلا لا تطعه و اسجد و اقترب) (علق، 19) (هرگز! هرگز! از او اطاعت مكن و سجده ببر (و بدين وسيله به خدا) نزديك شو). همچنين نقل شده كه رسول خدا فرموده است؛ (انسان مومنوقتي در سجده است در واقع بيش از هر وقت به خداوندگار خويش نزديك است. لذا در اين موقعيت بر دعاهاي خويش بيفزائيد (و تا مي توانيد در اين حالت دعا كنيد). مسلم (482)، كتاب الصلاه، باب ما يقال في الركوع و السجود. راوي اين حديث ابوهريره (رض) مي باشد. [↑](#footnote-ref-29)
30. - الاوسط، طبراني (7/255)، حديث شماره ي (6491). مسلم نيز حديثي مشابه با آن روايت كرده است. [↑](#footnote-ref-30)
31. - مسلم (1015)، كتاب الزكاه، باب قبول الصدقه من كسب الطيب و تربيتها. راوي حديث ابوهريره مي باشد. [↑](#footnote-ref-31)
32. - مسلم (804) كتاب صلاه المسافرين و قصرها، باب: فضل قراءه القرآن و سوره البقره. اين حديث را ابوامامه ي باهلي روايت كرده است. البته در متن تنها جزئي از حديث ذكر شده است. [↑](#footnote-ref-32)
33. - همان (780)، كتاب صلاه المسافرين و قصرها، باب استحباب صلاه النافله. راوي حديث ابوهريره (رض) مي باشد. [↑](#footnote-ref-33)
34. - نگارنده طي سوالي خدمت علامه ابن جبرين مطرح كردم؛ خانواده اي را سراغ دارم كه دچار جن زدگي شده و شياطين آنها را اذيت مي كنند. شنيده ام يكي از بزرگان به اين خانواده توصيه كرده است بر تلاوت سوره ي بقره مداومت ورزند و همچنين نوارهايي صوتي از تلاوت اين سوره را تهيه كرده و بطور مداوم و در طول شبانه روز توسط ضبط صوت تلاوت اين سوره ي مباركه را در خانه ي خويش طنين انداز كنند. جناب عالي پيرامون اين مساله چه فتوا مي دهيد؟ در پاسخ اين سوال جناب علامه ابن جبرين حفظه الله فرمودند: بدون شك اين گونه آزار و اذيتها از جانب شياطين جني عايد انسان مي شود و سردرد و جنون در واقع عقوبت و امتحاني است كه از جانب خداوند بر انسان طاري مي گردد. اينجانب معتقدم بايد چنين خانواده اي به بارگاه الهي توبه كند و از خداوند طلب آمرزش نمايند. ضروري است در چنين موقعيتي اين خانواده ذكر الهي را ورد خود سازند و با اداي نمازها و روزه هاي نافله و صدقه دادن و عاري كردن منزل خويش از اسباب و آلات لهو (و لعب) و ماهواره ها و دستگاههاي صوتي و تصويري كه مقدمات فتنه و ابتذال را در خانه فراهم كرده و در نهايت منجر به حرام مي گردد موجبات رهايي خويش را فراهم سازند. همچنين بر آنهاست كه بر تلاوت سوره ي بقره مداومت ورزند زيرا ساحران (شيطان صفت) ياراي مقاومت در برابر اين سوره را ندارد و بعلاوه شياطين نيز از خانه اي كه در آن سوره ي بقره خوانده شود متواري اند. بهتر است يكي از اهالي خانه (زن يا مرد) به تلاوت اين سوره همت گمارد و در اولين شب تلاوت آن به گونه اي پي در پي انجام پذيرد . اگر از ضبط صوت نيز بصورت پي در پي تلاوت اين سوره پخش شود و در روز يا شب تلاوت آن ترك نگردد اميد آن است كه خانواده ي مذكور از آنچه بدان مبتلايند رهايي يابند. (و الله اعلم) [↑](#footnote-ref-34)
35. - نقل شده كه رسول خدا (ص) فرموده است: (انها مباركه؛ انها طعام طعم (و شفاء سقم) (آب زمزم مبارك است. همانا آن طعامي است كه سيري مي آورد (ودوايي است كه) شفابخش است.) مسلم (2473) كتاب فضائل الصحابه. [↑](#footnote-ref-35)
36. - هم قرآن شفاست و هم آب زمزم و وقتي شخص راقي بر آب زمزم قرآن بخواند مسلماً بين دو دارو جمع كرده و نتيجه ي بهتري از آن خواهد گرفت. [↑](#footnote-ref-36)
37. - نك؛ المنتقي من فتاوي الفوزان (2/145). [↑](#footnote-ref-37)
38. - ترمذي (1851) كتاب الاطعمه، باب ما جاء في اكل الزيت راوي اين حديث عمر (رض) است. مثل همين حديث را ترمذي ذيل شماره ي (1852) از ابي اسيد ساعدي نقل كرده است. [↑](#footnote-ref-38)
39. - بخاري (5688)، كتاب الطب، باب الحبه السوداء و مسلم (2215)، كتاب السلام، باب التداوي با الحبه السوداء. [↑](#footnote-ref-39)
40. - در بخشهاي آتي بطور مجزا و به تفصيل به اين بحث پرداخته ايم. [↑](#footnote-ref-40)
41. - بخاري (5681)، كتاب الطب. راوي حديث ابن عباس (رض) مي باشد. [↑](#footnote-ref-41)
42. - همان (5445) كتاب الاطعمه، باب العجوه و مسلم (2047)، كتاب الاشربه، باب فضل تمر المدينه. راوي اين حديث در مسلم سعدبن ابي وقاص مي باشد. [↑](#footnote-ref-42)
43. - خرماي عجوه نوعي خرماي مرغوب است كه درون آن به هم چسبيده و متراكم است. اين نوع خرما در مدينه بسيار است. [↑](#footnote-ref-43)
44. - نك؛ بدائع الفوائد، ابن قيم (2/238- 246). [↑](#footnote-ref-44)
45. - در مباحث آتي اذكار و ادعيه اي كه به چگونگي پناه بردن به خداوند از شر عاين و غيره اختصاص داده شده را متذكر خواهيم شد. [↑](#footnote-ref-45)
46. - عبارت مذكور جزئي از حديثي مرسل است كه ابوداود آن را در (المراسيل، ص 127- 128) به نقل از حسن بصري آورده است. نص كامل حديث بدين شرح است: (حصنوا اموالكم بالزكاه و داووا مرضاكم بالصدقه و استقبلوا امواج البلاء بالدعاء). نك؛ السنن الكبري، بيهقي (3/382). بيهقي ضمن اينكه اين حديث را به سلسله اي مرفوع از عبدالله بن مسعود روايت كرده گفته است: گفته مي شود حديث مذكور از مراسيل حسن بصري مي باشد. ناگفته نماند اين حديث بصورت مرفوع نيز از ابن عمر و ابي امامه و سمره بن جندب و عباده بن صامت روايت شده اما اين حديث با وجود اينكه به چند طريق به صورت مرفوع روايت شده در زمره ي احاديث صحيح قرار ندارد، زيرا گاهي در سلسله ي اسناد آن انقطاعي وجود داشته يا شخصي از رجال آن مجهول يا متروك بوده اند. به اين ترتيب بهترين سلسله ي روايي كه اين حديث روايت شده همان سلسله اي است كه اين حديث بصورت مرسل از حسن بصري نقل شده است. [↑](#footnote-ref-46)
47. - ترمذي (2144)، كتا ب القدر، باب ما جاء ان الايمان بالقدر خيره و شره. راوي اين حديث جابربن عبدالله مي باشد. [↑](#footnote-ref-47)
48. - ترمذي (2396)، كتاب الزهد، باب ما جاء في الصبر علي البلاء. راوي حديث انس بن مالك است. [↑](#footnote-ref-48)
49. - نك؛ ترمذي (3594)، كتاب الدعوات، باب في العفو و العافيه. اين حديث را ترمذي حسن دانسته است. راوي اين حديث انس بن مالك مي باشد. [↑](#footnote-ref-49)
50. - در فقه اسلامي جنابت را (حدث اكبر) و بي وضويي را (حدث اصغر) گويند. (مترجم) [↑](#footnote-ref-50)
51. - مسند احمد (3/158) حديث شماره ي (12638). راوي اين حديث انس بن مالك مي باشد. [↑](#footnote-ref-51)
52. - همان (5/350) حديث ش (22965) و صحيح ابن حبان (891). ابن حبان حديث مذكور را از بريده (رض) روايت كرده است. [↑](#footnote-ref-52)
53. - ترمذي (3521)، كتاب الدعوات. راوي اين حديث ابوامامه (رض) است و ابوعيسي (ترمذي) حديث مذكور را (حسن غريب) دانسته است. [↑](#footnote-ref-53)
54. - ابوداود (775)، كتاب الصلاه و ترمذي (246)، كتاب الصلاه. راوي اين حديث ابوسعيد خدري مي باشد. ابوداود حديث مذكور را ذيل شماره ي (764) از جبيربن مطعم نقل كرده است. ترمذي مي گويد: حديث روايت شده توسط ابوسعيد مشهورترين حديثي است كه در اين باب نقل شده است. [↑](#footnote-ref-54)
55. - در مورد كلمات (همز، نفخ و نفث) بايد گفت اين كلمات كه در مورد شيطان بكار رفته شده مفاهيم گسترده اي دارد. (همز) داراي معانيي چون اغواء، تحريك، وسوسه و بدگويي و غيره مي باشد و (نفخ) به معني دميدن، غرور، خودبيني و فخر مي باشد (نفث) نيز داراي معانيي چون سحر، آب دهان، نفس، شعر و غيره مي باشد كه ما به اقتباس از المنجد معاني مذكور در متن را در ترجمه ي اين پذيرفتيم. (نك؛ ترجمه ي المنجد، ذيل واژه ي (نفث) . (مترجم) [↑](#footnote-ref-55)
56. - مسلم (2186)، كتاب السلام، باب الطب و المرض و الرقي. راوي حديث ابوسعيد خدري مي باشد. [↑](#footnote-ref-56)
57. - ابوداود (5088)، كتاب الادب، راوي اين حديث عثمان بن عفان مي باشد. [↑](#footnote-ref-57)
58. - مسلم (2185)، كتاب السلام، باب الطب و المرض و الرقي. عايشه صديقه اين حديث را روايت كرده است. [↑](#footnote-ref-58)
59. - همان (2202)، كتاب السلام، باب استحباب وضع يده علي موضع الالم.... راوي اين حديث عثمان بن ابي العاص ثقفي است. البته ترمذي اين حديث با الفاظي مختلف به شرح ذيل روايت كرده است. (اعوذ بعزه الله و قدرته....) ترمذي (3588). راوي حديث ترمذي انس مي باشد. [↑](#footnote-ref-59)
60. - بخاري (5675) باب دعاء العائد للمريض و مسلم (2191)، كتاب السلام، باب الستحباب رقيه المريض. راوي حديث عايشه ي صديقه مي باشد. [↑](#footnote-ref-60)
61. \* در مورد مفهوم عبارت (كلمات التامه) اقوال مختلفي از محدثين نقل شده است. برخي گفته اند مراد مطلق كلام الهي است و برخي گفته اند مراد وعده اي است كه خداوند در آيه (و تمت كلمه رب الحسني علي بني اسرائيل) داده است و مراد از اين وعده (و نريد ان نمن علي الذين استضعفوا في الارض) است و غيره. (نك؛ فتح الباري، ابن حجر). (مترجم) [↑](#footnote-ref-61)
62. - بخاري (3371)، كتاب احاديث الانبياء، باب (10). راوي اين حديث ابن عباس (رض) است. [↑](#footnote-ref-62)
63. - گروهي از افراد هستند كه چشم بد هستند و يا به عبارت مصطلح در خراسان چشماني شور دارند. اين افراد وقتي با شگفتي به چيزي بنگرند به آن چيز آسيب مي رسانند و يا به تعبيري آن را چشم زخم مي زنند. (مترجم) [↑](#footnote-ref-63)
64. - نك؛ مسلم (2708)، كتاب الذكر و الدعاء، باب في التعوذ .... راوي حديث خوله بنت حكيم السلميه (رض) است. [↑](#footnote-ref-64)
65. - ابوداود (3106)، كتاب الجنائز، باب الدعاء للمريض ... و ترمذي (2083)، كتاب الطب، باب ما يقول عند عياده المريض. راوي حديث ابن عباس است و ترمذي اين حديث را (حسن غريب) دانسته است. [↑](#footnote-ref-65)
66. - بخاري (3370)، باب (10) و مسلم (406)، كتاب الصلاه. راوي كعب بن عجره است. [↑](#footnote-ref-66)
67. - تعويذ (رقيه ي) (متوسط) تعويذي را گويند كه نه بسيار طولاني و نه مختصر باشد. بلكه در حد ميانه بود و وقت خيلي زيادي را مصروف ندارد. (مترجم) [↑](#footnote-ref-67)
68. - مسند احمد (3/158) حديث ش (12638). راوي اين حديث انس بن مالك (رض) مي باشد. [↑](#footnote-ref-68)
69. - همان (5/350) حديث ش (22965) و صحيح ابن حبان (891). ابن حبان اين حديث را از بريده (رض) نقل نموده است. [↑](#footnote-ref-69)
70. - ترمذي (3521)، كتا ب الدعوات. راوي اين حديث ابومامه است و ابوعيسي (ترمذي) آن را (حسن غريب) دانسته است. [↑](#footnote-ref-70)
71. - مسلم (486)، كتاب الصلاه و ترمذي (3566)، كتاب الدعوات. راوي اين حديث در صحيح مسلم عايشه و در ترمذي علي مي باشد. [↑](#footnote-ref-71)
72. - بخاري (6346)، كتاب الدعوات و مسلم (2730)، كتاب الذكر. راوي اين حديث ابن عباس است و حديث (متفق عليه) است. [↑](#footnote-ref-72)
73. - ابوداود (5090)، كتاب الادب، باب: ما يقول اذا اصبح. اين حديث با الفاظ (دعوات المكروب ...) نيز از ابي بكر. (نفيع بن حارث) روايت شده است. [↑](#footnote-ref-73)
74. - ابوداود (775)، كتاب الصلاه وت رمذي (246)، كتاب الصلاه. راوي اين حديث ابوسعيد خدري است و البته ترمذي ذيل شماره ي (764) همين حديث را به نقل از جبير بن مطعم نقل كرده است. [↑](#footnote-ref-74)
75. - نك؛ پاورقي تعويذ چهارم از جمله تعويذهاي كوتاه از احاديث نبوي. (مترجم) [↑](#footnote-ref-75)
76. - مسلم (2186)، كتاب السلام، باب الطب و المرض و الرقي، راوي حديث ابوسعيد خدري است. [↑](#footnote-ref-76)
77. - ابوداود (5088)، كتاب الادب، راوي اين حديث عثمان بن عفان مي باشد. [↑](#footnote-ref-77)
78. - مسلم (2185)، كتاب السلام، باب الطب و ... راوي اين حديث عايشه ي صديقه ميباشد. [↑](#footnote-ref-78)
79. - همان (2202)، كتاب السلام، باب استحباب وضع يده علي موضع الالم. راوي اين حديث از انس روايت كرده است. [↑](#footnote-ref-79)
80. - برخي عرق نعار را زن بدزبان و بدخلق ترجمه كرده اند. (مترجم) [↑](#footnote-ref-80)
81. - ترمذي (2075)، كتاب الطب. ترمذي اين حديث را (غريب) دانسته است. [↑](#footnote-ref-81)
82. - بخاري (5675)، كتاب المرضي، باب: دعاء العائد للمريض و مسلم (2191)، كتاب السلام، باب استحباب رقيه المريض. راوي حديث حضرت عايشه است. [↑](#footnote-ref-82)
83. - نك؛ ترمذي (2084)، كتاب الطب، باب كيفيه تبريد الحمي بالماء. راوي حديث ثوبان است. [↑](#footnote-ref-83)
84. - ينكا به معني غلبه يافتن بردشمن وشكست اومي باشد. فيومي: نكات في العدو نكئا (ازباب نفع). نكايه باكسر (ن) به معني كشتن است. نك؛المصباح المنير (ن ك ء). [↑](#footnote-ref-84)
85. - ابودود (3107)، كتاب الجنائز، باب الدعاء للمريض ... و راوي حديث عبدالله بن عمرو بن عاص مي باشد. [↑](#footnote-ref-85)
86. - مسند احمد (13/447) حديث ش (15700)، مسند مكيين و راوي حديث عبدلله بن عامر است. اين حديث با الفاظي چون (فليبركه) نيز وارد شده كه حاكم نيز آن را صحيح دانسته وذهبي هم با او موافقت كرده است. [↑](#footnote-ref-86)
87. - ابوداود (3892)، كتاب الطب، باب كيف الرقي و مسند احمد (6/21) حديث ش (23957). ابوداود اين حديث را به نقل از ابودرداء و احمد آن را از فضاله بن عبيد روايت كرده اند.

    تذكار: راقي موظف است پس از خواندن اين دعا (سه مرتبه) معوذتين (سوره ي فلق و ناس) را نيز بلافاصله سه مرتبه قراءت كند و در ميان دعا كه تقاضاي رحمت و شفا از خداوند مي كند نام مريض را نيز ببرد و مستقيم براي او طلب بهبودي نمايد. اين تذكر مبتني بر روايت منقول توسط امام احمد حنبل بود و ابن قيم اين تعويذ را تعويذ الهيه ناميده است. [↑](#footnote-ref-87)
88. - بخاري (3371)، كتاب احاديث الانبياء، باب (10). راوي حديث ابن عباس است. [↑](#footnote-ref-88)
89. - نك؛ پاورقي بعد از مورد (10) از جمله تعويذهاي كوتاه بر گرفته از احاديث نبوي. (مترجم) [↑](#footnote-ref-89)
90. - نك؛ مسلم (2708)، كتاب الذكر، باب في العوذ .... راوي حديث خوله نبت حكيم السلميه است. [↑](#footnote-ref-90)
91. - موطا، مالك، (10)، كتاب الشعر، باب ما يومر به من تعوذ و مسند احمد (3/419) حديث ش (15460) مالك اين حديث را به صورت مرسل روايت كرده و راوي اين حديث در مسند احمد، عبدالرحمن بن جيش است. [↑](#footnote-ref-91)
92. - ابوداود (3893)، كتاب الطب، بابا: كيف الرقي، راوي حديث عبدالله بن عمرو است و نك مسند احمد (2/181) حديث ش (6696). [↑](#footnote-ref-92)
93. - ابوداود (3106)، كتاب الجنائز، با الدعاء للمريض عند العياده و ترمذي (2083)، كتاب الطب باب ما يقول عند عياده المريض. [↑](#footnote-ref-93)
94. - ابوداود (5081)، كتاب الادب، باب ما يقول اذا اصبح. راوي حديث ابودرداء مي باشد. [↑](#footnote-ref-94)
95. - ترمذي (3524)، كتاب الدعوات، باب قوله (يا حي يا قيوم). راوي حديث انس بن مالك است. [↑](#footnote-ref-95)
96. - ابوداود (5052)، كتاب الادب، باب ما يقال عند النوم، راوي حديث حضرت علي است. [↑](#footnote-ref-96)
97. - احمد (1/391) حديث ش (3712) راوي حديث ابن مسعود است. در پايان اين حديث رسول خدا (ص) به ضرورت يادگيري اين دعا تاكيد كرده است. [↑](#footnote-ref-97)
98. - ابوداود (5074) كتاب الادب، باب ما يقول اذا اصبح. راوي حديث ابن عمر است. [↑](#footnote-ref-98)
99. - ابوداود (5090)، كتاب الادب، باب ما يقول اذا اصبح. اين ح ديث را ابي بكره نفيع بن حارث روايت كرده و در ادامه ي آن آمده است كه (بايد سه مرتبه صبح و سه مرتبه شامگاه تكرار كردد). ترمذي همين حديث را به اين ترتيب روايت كرده كه اولاً به جاي (بدني) واژه ي (جسدي) را آورده و در ضمن در روايت وي جلمه ي (اللهم عافني في سمعي) حذف و عبارت (و اجعله الوارث مني، لا اله الا الله الحليم الكريم، سبحان الله رب العرش العظيم، و الحمد لله رب العالمين) به حديث افزوده شده است). نك؛ ترمذي (3480)، كتاب الدعوات، باب دعاء اللهم عافني. راوي حديث حضرت عايشه است. [↑](#footnote-ref-99)
100. - نك؛ مسلم (2722)، كتاب الذكر، راوي حديث زيدبن ارقم مي باشد. [↑](#footnote-ref-100)
101. - ترمذي (3547)، كتاب الدعوات، باب دعاء (اللهم برد قلبي ...) راوي اين حديث عبدالله بن ابي اوفي است و ترمذي حديث مذكور را (حسن صحيح و غريب) دانسته است. [↑](#footnote-ref-101)
102. - بخاري (3370)، كتاب احاديث الانبياء، باب (10) و مسلم (406) كتاب الصلاه، باب الصلاه علي النبي بعد التشهد. راوي اين حديث كعب بن عجره است. [↑](#footnote-ref-102)
103. - البته غسل كردن ممكن است به طور كامل انجام شود و يا تنها اعضايي خاص از بدن شسته شود. (مترجم) [↑](#footnote-ref-103)
104. - نك؛ فتاوي علماء البلد الحرام، الجريس، ص 1296-1298. [↑](#footnote-ref-104)
105. - نك؛ فتاوي علماء البلد الحرام، الجريسي، ص 1383-1386. [↑](#footnote-ref-105)
106. - از آنجا كه قول ابن عباس در خلاص نص فتواي ابن جبرين خطاب به مولف نقل شده متاسفانه سند آن ذكر نشده است. (مترجم) [↑](#footnote-ref-106)
107. - نك؛ فتاوي علماء البلد الحرام، الجريس، ص 1323-1324. [↑](#footnote-ref-107)
108. - بخاري (2035)، كتاب الاعتكاف و مسلم (2175)، كتاب السلام. [↑](#footnote-ref-108)
109. - نك؛ التحصين من كيدالشياطين، الجريس. (در اين كتاب به تفصيل به اين موضوع پرداخته شده است). [↑](#footnote-ref-109)
110. - (عبارت (صبحگاهان و شامگاهان) معادل فارسي (طرفي النهار) مي باشد.) در مورد اينكه به چه زماني (طرفي النهار) گفته مي شود واذكار مربوط به آن چه زماني بهتر است گفته شود ميان علما اختلاف است. ولي به نظر مي رسد قول راحج در اين مورد آن است كه بايستي اذكار صبحگاهان درست پس از نماز صبح تا هنگام طلوع آفتاب و اذكار شامگاهان پس از نماز عصر تا غروب آفتاب گفته شود. دليل ما بر ترجيح اين قول آيه اي است كه مي فرمايد: (طه 130). البته چنانچه شخصي در اين دو

     وقت (گرانبها به دلايلي) نتوانست اذكار مسنون را بگويد مجازات در طول روز يا شب بدان بپردازد. البته دليل بر اين قول ما نيز حديثي است كه رسول خدا (ص) مي فرمايد: (من نام عن حزبه او عن شي منه فقراه فيما بين صلاه الفجر و صلاه الظهر كتب كه كانما قراه من الليل). (مسلم 747) راوي اين حديث ابن عمر است. [↑](#footnote-ref-110)
111. - نك؛ ابوداود (5082)، كتاب الادب و ترمذي (3575)، باب (116)، كتاب الدعوات، راوي حديث عبدالله بن حبيب است. ترمذي اين حديث را (حسن صحيح غريب) دانسته است. [↑](#footnote-ref-111)
112. - بخاري (6403)، كتاب الدعوات و مسلم (2693)، كتاب الذكر و الدعاء. [↑](#footnote-ref-112)
113. - مسلم (2726)، كتاب الذكر و الدعاء. راوي حديث جويريه (رض) است. [↑](#footnote-ref-113)
114. - در مورد عبارت (رضا نفسه) بايد گفت منظور گفتن ستايش و حمد الهي به صورت مداوم و لا ينقطع است هر آينه پيامبران و اولياء از حمد گفتن معاف مي گرديدند. [↑](#footnote-ref-114)
115. -بخاري (6405)، كتاب الدعوات و مسلم (2691)، كتاب الذكر و الدعاء. راوي حديث ابوهريره (رض) است. [↑](#footnote-ref-115)
116. - ابوداود (3106)، كتاب الجنائز و ترمذي (2083)، كتاب الطب. ترمذي اين حديث را (حسن غريب) دانسته است. البته مسلم در ادامه حديث فوق متذكر شده با توجه به حديث (من صلي علي صلاه صلي الله عليه بها عشراً) مي توان پي برد كه هرچه بيشتر به رسول خدا درود فرستاده شود بهتر است. (نك؛ مسلم (384)). [↑](#footnote-ref-116)
117. - بخاري (6306)، كتاب الدعوات، باب افضل الاستغفار. راوي حديث شداد بن اوس است. [↑](#footnote-ref-117)
118. - بخاري (6307)، كتاب الدعوات و مسلم (2702)، كتاب الذكر و الدعا و التوبه و الاستغفار. راوي اين حديث در بخاري ابوهريره و در مسلم الاغر المزني مي باشد. لازم به ذكر است امام بخاري حديث مذكور را مضيف با عبارت (اكثر من سبعين مره) (بيش از هفتاد بار و امام مسلم آن را با عبارت (مئه مره) (صدمرتبه) نقل كرده اند). [↑](#footnote-ref-118)
119. - نك؛ ابوداود (5068)، كتاب الادب، باب ما يقول اذا اصبح. راوي حديث ابوهريره مي باشد. [↑](#footnote-ref-119)
120. - از آنجا كه بيدار شدن از خواب حشر و نشر انسانها را (در روز قيامت) يادآوري مي كند ابن قيم (رح) معتقد است هنگام صبح (بيدار شدن از خواب) بايد عبارت (و اليك النشور) را در آخر دعا بخوانيم و همچنين به علت آنكه خوابيدن مرگ را براي انسان يادآوري مي كند اين بزرگوار معتقد است بايستي در شامگاه (و زماني كه شب به تاريكي رفت و) انسان قصد خواب نمود عبارت (و اليك المصير) را به كار برد. (نك؛ مختصر سنن ابي داود مع حاشيه ابن قيم، ص 330) البته برخي ديگر از علما چون ترمذي عكس اين قيم عمل كرده و گفته بايستي عبارت (و اليك المصير) هنگام صبح و عبارت (و اليك النشور) هنگام شامگاه به آخر دعا افزوده گردد. (نك؛ ترمذي \_3391) كتاب الدعوات. به نظر مي رسد آلباني (رح) نيز با ابن قيم در اين قضيه موافق بوده است. (نك؛ التعليق علي صحيح ابي داود، آلباني، ص 956). [↑](#footnote-ref-120)
121. - ترمذي (3529)، كتاب الدعوات، ترمذي اين حيدث را (با اين سلسله و محتوا) (حسن غريب) دانسته است. [↑](#footnote-ref-121)
122. - ابوداود (5074)، كتاب الادب، راوي اين حديث عبدالله بن عمر () مي باشد. [↑](#footnote-ref-122)
123. - مسلم (2723)، كتاب الذكر و الدعاء. راوي حديث عبدالله بن مسعود ميباشد. [↑](#footnote-ref-123)
124. - مسند احمد (3/406) حديث ش (15360) و ابن السني (عمل اليوم و الليله) ش (34). [↑](#footnote-ref-124)
125. - نك؛ مسلم (2708)، كتاب الذكر. راوي حديث خوله بنت حكيم السلميه ميباشد. [↑](#footnote-ref-125)
126. - ابوداود (5088)، كتاب الادب. راوي حديث عثمان بن عفان مي باشد. [↑](#footnote-ref-126)
127. مسند احمد (3/377) حديث ش (18967) و ابوداود (5072)، كتاب الادب، در روايت احمد آمده است كه اين دعا بايستي سه مرتبه خوانده شود. [↑](#footnote-ref-127)
128. - نك؛ بخاري (3275)، كتاب بدءالخلق. راوي حديث ابوهريره مي باشد. [↑](#footnote-ref-128)
129. - ترجمه آيه الكرسي در فصلهاي اول و دوم (تعويذهاي كوتاه و متوسط) همين كتاب به طور كامل ذكر گرديده است. (مترجم) [↑](#footnote-ref-129)
130. - بخاري (4008)، كتاب المغازي ومسلم (807)، كتاب صلاه المسافرين و قصرها. راوي حديث در بخاري و مسلم ابومسعود بدري مي باشد. [↑](#footnote-ref-130)
131. ترجمه اين آيات در فصل اول و دوم مكرر ذكر شده است. (مترجم) [↑](#footnote-ref-131)
132. - ابوداود (5055)، كتاب الادب و ترمذي (3403)، كتاب الدعوات. راوي حديث در سنن ابوداود نوفل اشجعي مي باشد. [↑](#footnote-ref-132)
133. ترجمه ي سوره كافرون را در فصلهاي گذشته مكرر آورده ايم. (مترجم) [↑](#footnote-ref-133)
134. - ترجمه هر سه سوره را مكرر در فصل يك و دو آورده ايم. (مترجم). [↑](#footnote-ref-134)
135. - بخاري (6319)، كتاب الدعوات. راوي حديث عايشه صديقه مي باشد. [↑](#footnote-ref-135)
136. - بخاري (3705)، كتاب فضائل اصحاب النبي و مسلم (2727)، كتاب الذكر. [↑](#footnote-ref-136)
137. - همان (6312)، كتاب الدعوات و مسلم (2710). راوي اين حديث در بخاري حذيفه بن يمان و در مسلم براء بن عازب مي باشند. [↑](#footnote-ref-137)
138. - برخي از شارحان حديث مراد از (موت و حياه) را مرگ و زندگي گرفته اند و گفته اند خواب خود نوعي مردن است. (مترجم) [↑](#footnote-ref-138)
139. - بخاري (6320)، كتاب الدعوات و مسلم (2714)، كتاب الذكر و الدعاء. راوي اين حديث در بخاري و مسلم ابوهريره مي باشد. [↑](#footnote-ref-139)
140. - بخاري (247)، كتاب الوضو و مسلم (2710)، كتاب الذكر و الدعاء. راوي اين حديث در بخاري و مسلم براء بن عازب () مي باشد. [↑](#footnote-ref-140)
141. - ابوداود (5096)، كتاب الادب. اين حديث به طور مرسل از ابومالك اشعري (سعدبن طارق بن اشيم (كه صحابي است) روايت شده است. ابوداود اين حديث را ضعيف ندانسته و امام نووي نيز اين حديث را در كتاب (الاذكار) خويش ذكر كرده است. [↑](#footnote-ref-141)
142. - برخي (مولج و مخرج) را نفس ورود و خروج ترجمه كرده اند. (مترجم) [↑](#footnote-ref-142)
143. - ابوداود (5095)، كتاب الادب. راوي حديث انس بن مالك است. [↑](#footnote-ref-143)
144. - همان (5094). راوي اين حديث ام سلمه مي باشد. [↑](#footnote-ref-144)
145. - بخاري (142)، كتاب الوضوء و مسلم (375)، كتاب الحيض. راوي اين حديث انس بن مالك مي باشد. [↑](#footnote-ref-145)
146. - مسلم (2018)، كتاب الاشربه. راوي حديث جابرن بن عبدالله است. [↑](#footnote-ref-146)
147. - بخاري (5165)، كتاب النكاح و مسلم (1434)، كتاب النكاح، راوي اين حديث عبدالله بن عباس () مي باشد. [↑](#footnote-ref-147)
148. - منظور رگي است كه حيات انسان به آن بستگي دارد و هنگام خشم و غضب اين رگها در زير گردن قابل مشاهده مي باشد. در زبان عربي اين رگها را (ودج (و دجان)) گويند. [↑](#footnote-ref-148)